H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
شنبه | ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۳۴
۱۲ صفحه
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

رخدادی به نام جشنواره موسیقی نواحی ایران

در بندرعباس چراغی روشن است

از سهم اندک حضور زنان تا زنده شدن دوباره صداهای فراموش شده همین صفحه

چه کسی وزیر اقتصاد می‌شود؟

بحران بودجه، بانک‌ها و اعتماد بازار؛ سه چالش اصلی وزیر جدید

صفحه ۳

سیرتطور گفت‌وگو با فنجان قهوه

کافه؛ محل تولد بی‌سروصدای دموکراسی

قهوه‌خانه‌ها در روزگار گذشته محلی برای نقد حکومت و تبادل افکار بودند صفحه ۲

قتل دختر ناخن کار اسلامشهری به دست پدر به دلیل اطلاع از خیانت

پشت پرده ویدیوی فرزندکشی در اسلامشهر

برادر مقتول: خواهرم می‌خواست با پدرم گفت‌وگو کند ولی فکر نمی‌کرد پدرم قصد حمله به او را داشته باشد

صفحه ۷

دوگانه عرضه و تقاضا، تعادل نفت را شکست

نفت جهانی زیر فشار

فشار همزمان عرضه مازاد و افت تقاضا، بازار جهانی نفت را با نوسانات شدید مواجه کرده است؛ تحلیلگران از چشم‌اندازی محتاطانه با احتمال کاهش بیشتر قیمت‌ها سخن می‌گویند

صفحه ۳

سالگرد چهاردهمین سال انتشار هفت‌صبح با حضور بزرگان حوزه رسانه و فرهنگ برگزار شد

از هفت صبح تا هفت قلم

هفت‌صبح با همکاری دانشگاه تهران جایزه هفت قلم را برای انتخاب بهترین تولیدات اهالی رسانه برگزار می‌کند

در سالگرد انتشار «هفت صبح»، همه‌چیز صمیمی، پرشور و پرلبخند بود. مراسمی گرم و پر از آشنایان قدیمی و چهره‌های ماندگار؛ از استادان دانشگاه و پیشکسوتان مطبوعات گرفته تا سردبیران، مدیران رسانه، نویسندگان و روزنامه‌نگاران خوش‌قلم. فضای روزنامه پر بود از گفت‌وگو، خاطره و لبخندهایی که با هر سلام و احوالپرسی، پررنگ‌تر می‌شد. در این جمع صمیمی از «هفت‌قلم» نیز رونمایی شد. جایزه‌ای برای تکریم اهل قلم، آنان که بی‌وقفه می‌نویسند، روایت می‌کنند، تصویر می‌سازند و در دل جامعه جاری‌اند. «هفت‌قلم» اما نشانه‌ای از یک مسیر تازه است، مسیری برای گسترش همکاری‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی در حوزه رسانه. در همین راستا، تفاهم‌نامه‌ای میان روزنامه «هفت صبح» و دانشگاه تهران امضا شد. گامی مهم برای پیوند محکم‌تر دانشگاه و صنعت رسانه. سالگرد انتشار هفت صبح با حضور اهالی رسانه، رونمایی از جایزه هفت‌قلم و آغاز همکاری با دانشگاه تهران به یادماندنی شد. صفحه‌های ۴ و ۵

گزارشی از چالش‌های درمانی مبتلایان به اوتیسم

هر جلسه درمان، معادل نانِ یک ماه خانواده

با بالا رفتن تورم، نرخ خدمات توانبخشی هم روند افزایشی پیدا می‌کند صفحه ۹

دهه‌ها بعد، پرونده ضدانحصار مایکروسافت بر محاکمه گوگل سایه افکنده است

تهدید شبح

از دعوای کهنه مایکروسافت تا امکان واگذاری اندروید صفحه ۱۲

درباره هم‌زیستی با حیوانات خانگی که بخشی از سبک زندگی شهری ایرانیان شده‌اند

رابطه‌ای از جنس بی‌قید و شرط

هزینه نگهداری حیوانات خانگی از مرزهای عادی گذشته و وارد قلمرو تجمل شده است صفحه ۶

یادداشت

چهاردهمین سالروز انتشار روزنامه هفت‌صبح برگزار شد

پیشکسوتان، تکیه‌گاه اهالی رسانه

افشین امیرشاهی
هفت صبح

دیروز جشن چهاردهمین سالگرد تولد روزنامه هفت صبح بود. به همین مناسبت، دورهمی کوچکی در محل روزنامه برگزار کردیم. محفلی صمیمی و گرم با حضور جمعی از اهالی رسانه. دوستان و همراهان قدیمی مطبوعات، استادان روزنامه‌نگاری، خبرنگاران، عکاسان، تحلیلگران، مدیران رسانه، فعالان فضای مجازی، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، اعضای تشکل‌های صنفی رسانه‌ای و فعالان شرکت‌های فناوری در این مراسم حضور داشتند.

این حضور، دلگرم‌کننده بود. نه فقط برای تحریریه ما، بلکه برای همه کسانی که هنوز به آینده مطبوعات امیدوارند. اما بدون شک، پررنگ‌ترین و پربرکت‌ترین بخش این دیدار، حضور بزرگ‌ترهای مطبوعات بود. پیشکسوتانی که دهه‌ها از عمر خود را پای روزنامه‌نگاری گذاشتند، روزهایی را تجربه کرده‌اند که امروز برای ما تبدیل به خاطره‌های نانوشته شده‌اند و نسل‌هایی را آموزش داده‌اند که هنوز در میانه میدان رسانه ایستاده‌اند.

دیدار با این عزیزان فقط یک اتفاق خوشایند نبود؛ تجدید عهدی بود با گذشته‌ای پربار. یادآوری این نکته که رسانه تنها با جوانی و انگیزه پیش نمی‌رود؛ بلکه نیازمند تجربه، درایت و پایداری کسانی‌ست که مسیر پرپیچ‌وخمی را پشت سر گذاشته‌اند و همچنان ایستاده‌اند.

تجربه پیشکسوتان، همچون چراغی در تاریکی‌ست. آنان قواعد این حرفه را نه فقط در کلاس‌ها، بلکه در میدان واقعی یاد گرفته‌اند؛ در دل بحران‌ها، در نبرد با سانسور، در سردرگمی حقیقت و شایعه، در جنگ خبر با هیجان. حضورشان میان ما، نه فقط یادآور ریشه‌ها و هویت رسانه‌ای ماست، بلکه همچون ستونی‌ست که سقف امیدمان را نگه داشته است.

امروز، در کنار این پیشکسوتان ایستاده‌ایم؛ زنان و مردانی که از جنس کلمه‌اند، که با جوهر قلمشان تاریخ معاصر این سرزمین را روایت کرده‌اند. بودنشان، برکت جشن ما بود. این بزرگ‌ترها برای ما فقط معلم یا الگو نیستند؛ آنها نقطه اتکای حرفه‌ای‌اند که هر روز بیش از پیش به اعتماد و اصالت نیاز دارد.

من شخصاً به همه این بزرگان، به نسل پیش از خودم، افتخار می‌کنم. نسل‌هایی که با پشتکار، عشق و تعهد، راه را هموار کردند تا ما بتوانیم امروز در مسیر آنها گام برداریم. این حضور، به ما قوت قلب داد و امیدی شد برای ادامه راه در زمانه‌ای که مطبوعات بیش از همیشه به اصالت، خرد و همبستگی نیاز دارد.

در پایان این دورهمی، دل‌مان روشن‌تر بود. چون دانستیم هنوز شانه‌هایی هست که می‌توان بر آن تکیه کرد. هنوز کسانی هستند که به عشق رسانه نفس می‌کشند؛ کسانی که حضورشان، نوری‌ست در تاریکی و تجربه‌شان، سرمایه‌ای بی‌بدیل برای روزهای آینده مطبوعات این سرزمین.

رخدادی به نام جشنواره موسیقی نواحی ایران

در بندرعباس چراغی روشن است

از سهم اندک حضور زنان تا زنده شدن دوباره صداهای فراموش شده

سهم اندک زنان از موسیقی بومی ایران

این هنرمند همچنین درباره حضور زنان در این جشنواره چنین می‌گوید: «در جشنواره امسال، تعدادی از هنرمندان زن نیز حضور داشتند. هرچند که در موسیقی نواحی، به‌طور کلی سهم زنان کمرنگ‌تر است. ما با انتشار فراخوان از همه هنرمندان دعوت کردیم و این‌که شرکت‌کنندگان زن کمتر هستند، بیشتر به دلیل محدودیت‌های فرهنگی یا شرایط بومی مناطق مختلف است.»

سما بابایی
هفت صبح

روز گذشته جشنواره موسیقی نواحی ایران به دبیری «فواد توحیدی» کار خود را آغاز کرد. «جشنواره موسیقی نواحی ایران»، تنها رویداد رسمی و گسترده در کشور است که به طور اختصاصی به موسیقی بومی و مقامی اختصاص دارد. گنجینه‌ای فرهنگی که از دل اقلیم‌های مختلف ایران برآمده و بازتابی از هویت، زیست و تاریخ مردمان این سرزمین است. در روزگاری که موسیقی محلی با تهدید فراموشی و انقراض مواجه شده این جشنواره همچون پناهگاهی برای صداهای در حال خاموشی عمل می‌کند. از نغمه‌های عاشقانه عاشیق‌های آذربایجان تا ضرباهنگ پرشور دف‌نوازان کرد، از نواهای گرم و صمیمی جنوب تا زمزمه‌های آسمانی خراسانی‌ها. جشنواره موسیقی نواحی محملی است برای هم‌نشینی این همه تنوع و تلاشی برای ثبت و پاسداشت آنچه ممکن است نسل‌های آینده تنها در آرشیوها بشنوند، اگر امروز برای آن اقدامی نشود.

صیانت از میراثی ناملموس

در دوره‌های مختلف این جشنواره، پژوهشگران، نوازندگان سالخورده و جوان و حاملان سنت‌های شنیداری گرد هم آمده‌اند تا آنچه را که نسل به نسل شفاهی منتقل شده، با اجرا و گفت‌وگو به حیات جمعی بازگردانند. برخی از نغمه‌هایی که در این جشنواره به صدا درآمده‌اند، سال‌ها در سایه فراموشی خاموش بودند؛ اما این بستر فرهنگی، فرصت دوباره‌ای برای دیده و شنیده شدن آنها فراهم کرده است. این جشنواره نه فقط یک رویداد نمایشی، بلکه حرکتی بنیادین برای صیانت از میراث ناملموس ایران است. تلاشی برای اینکه موسیقی بومی، تنها در آرشیوها و پژوهش‌ها باقی نماند، بلکه در جان مردمان این سرزمین زنده بماند. با نگاهی به تاریخچه این جشنواره، می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن، پیوند میان نسل‌های مختلف است. جایی که استادان سالخورده و نوازندگان جوان کنار یکدیگر می‌نشینند، آموخته‌ها را به اشتراک می‌گذارند و صدای نیاکان، رنگی تازه از حیات می‌گیرد. در بسیاری از موارد، هنرمندانی که در این جشنواره دیده و شنیده شدند، نخستین‌بار بود که در سطح ملی یا حتی بین‌المللی معرفی می‌شدند.

موسیقی نواحی برای مردم شناخته شده نیست

«فواد توحیدی» که در سالِ جاری دبیری این رویداد را برعهده دارد، درباره نحوه انتخاب گروه‌های حاضر در این دوره از جشنواره چنین توضیح داده است: «پس از دریافت حکم دبیری، گروهی مشورتی از متخصصان تشکیل دادیم که هر یک از اعضا، گروه‌هایی را برای شرکت در جشنواره پیشنهاد کردند. بخشی از گروه‌های حاضر نتیجه این فرایند مشورتی هستند. در کنار آن، گروه‌هایی را نیز خود برگزیدم و تلاش کردم تا اجراها تکراری نباشند و هنرمندانی را شامل شوند که سال‌ها پیش در جشنواره حضور داشته‌اند و حالا فرصتی دوباره برای ارائه هنر خود یافته‌اند. خوشبختانه تعدادی از هنرمندان امسال برای نخستین‌بار در جشنواره حضور دارند، که این موضوع را می‌توان نقطه قوت جشنواره دانست.» او همچنین به این نکته اشاره دارد که اغلب مخاطبان جشنواره آشنایی قبلی با موسیقی نواحی ندارند و به صورت تصادفی جذب اجراها می‌شوند. مثلا فردی که شناختی از موسیقی منطقه بلوچستان یا بختیاری ندارد، در حین عبور یا گردش، با اجرای گروهی مواجه می‌شود و به آن علاقمند می‌شود. این ویژگیِ مواجهه تصادفی با تنوع موسیقایی، از جذاب‌ترین وجوه جشنواره است. ضمن اینکه اجراها هم در فضای بسته (سالن) و هم فضای باز برای مردم برگزار می‌شود تا ارتباط مستقیم‌تری میان هنرمندان و مخاطبان شکل بگیرد.»

جشنواره موسیقی نواحی ایران
IRANIAN FOLK MUSIC FESTIVAL

جشنواره‌ای که یک ضرورت فرهنگی است

درواقع جشنواره موسیقی نواحی تنها یک گردهمایی نیست، بلکه یک «ضرورت فرهنگی» است. ضرورتی که در نبود آن، بسیاری از زبان‌ها، لهجه‌ها، ریتم‌ها، ابزارها و شیوه‌های منحصربه‌فرد نواختن، در خاموشی و فراموشی گم خواهند شد. اهمیت چنین رویدادی، زمانی بیشتر درک می‌شود که بدانیم بسیاری از مناطق ایران دیگر نسل جدیدی برای ادامه این راه ندارند و تنها همین گردهمایی‌هاست که می‌تواند انگیزه‌ای برای احیای سنت‌ها باشد. جشنواره موسیقی نواحی، با تمام کاستی‌هایی که گاه به آن وارد است، همچنان یکی از مهم‌ترین نمودهای سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه موسیقی است. نمونه‌ای روشن از آن‌که چگونه می‌توان با نگاه بومی به صیانت از سرمایه‌های ملی پرداخت. از این رو، هر دوره برگزاری این جشنواره، نه فقط یک رخداد هنری، بلکه جشنی برای حیات دوباره فرهنگی است. جشن بازگشت نغمه‌هایی که از اعماق تاریخ برخاسته‌اند و هنوز می‌توانند در قلب ایرانیان طنین بیندازند.

نجات صداهای در آستانه فراموشی

فواد توحیدی از پژوهشگران و آهنگسازان شاخص حوزه موسیقی نواحی ایران است که سال‌هاست در زمینه گردآوری، مستندسازی و معرفی موسیقی بومی جنوب شرق ایران به ویژه مناطق کرمان، بلوچستان و سیستان فعالیت می‌کند. او یکی از چهره‌های تاثیرگذار در حفظ و معرفی مقام‌ها، نغمه‌ها و آیین‌های صوتی مناطقی است که کمتر در کانون توجه رسانه‌ها و نهادهای رسمی قرار داشته‌اند. توحیدی با گردآوری و ضبط صدها ساعت موسیقی نواحی، نقش به‌سزایی در نجات صداهایی داشته که در آستانه فراموشی قرار داشتند. آثار مستند، پژوهش‌های صوتی و همکاری‌های او با سازمان‌های فرهنگی از جمله حوزه هنری، مرکز موسیقی و جشنواره‌های داخلی و خارجی باعث شده نام او به عنوان یکی از متعهدترین صیانت‌گران موسیقی اقوام در دهه‌های اخیر ثبت شود.

از ویژگی‌های مهم کارنامه توحیدی، پیوند میان پژوهش میدانی و فعالیت هنری است. او نه تنها محقق و مستندساز است، بلکه در زمینه آهنگسازی و بازآفرینی موسیقی‌های بومی نیز آثاری ارائه داده است. توحیدی صدای کرمان، نغمه‌های کویر و ضرب‌آهنگ قبایل بلوچ را با دقت و وفاداری گردآوری کرده و در قالب جشنواره‌ها، کنسرت‌ها، یا رسانه‌ها در اختیار عموم قرار داده است.

این یک جشنواره نیست رخدادی هنری با جنبه پژوهشی است

همچنین کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های پژوهشی و میزگردهای تخصصی که هم‌زمان با این جشنواره برگزار می‌شوند، فرصتی فراهم کرده‌اند تا علاوه بر شنیدن موسیقی، درباره خاستگاه، شیوه اجرا، اسطوره‌شناسی و ارتباط این نغمه‌ها با آداب و آیین‌های محلی نیز گفت‌وگو شود. این جنبه پژوهشی، جایگاه جشنواره موسیقی نواحی را فراتر از یک رخداد هنری صرف قرار داده و آن را به بستری برای بازاندیشی در باب موسیقی نواحی و احیای آن تبدیل کرده است.

یادداشت

رفاقت‌های ممنوع

از میز شـــام تا گروه‌های دوستی؛ سیاست چگونه فاصله می‌اندازد؟

محمد حاجی مومنی
هفت صبح

در جوامع استاندارد، دوســـتی، رابطه‌ای انسانی، صمیمانه و بی‌تکلف است. آدم‌ها دوست می‌شوند چون علایق مشـــترک دارنـــد، خاطره‌های خوب می‌سازند یا صرفا از همراهی یکدیگر لذت می‌برند. اما در جوامعی که دچار قطبی‌شـــدگی سیاســـی شده‌اند، حتی ساده‌ترین روابط انسانی نیز بی‌گناه نمی‌ماننـــد. ناگهان، دوســـتی‌ها بوی سیاســـت می‌گیرنـــد و رفاقت‌های روزمره بـــار ایدئولوژیک پیدا می‌کنند.

در چنین فضایی، دیگر مهم نیســـت شـــما چقدر با دوســـتی قدیمی خاطره دارید یـــا چقدر تفاهم شـــخصی بینتان برقرار اســـت؛ مهم این است که طرف مقابل در کدام سوی معادله سیاسی ایستاده اســـت. رفیق دیروز ممکن اســـت به دشمن امروز تبدیل شـــود، تنها به این دلیل که برداشت شما از یک رویداد اجتماعی یا رای شما در یک انتخابات متفاوت بوده است.

این پدیده، فقط مختص ایران نیســـت. در آمریکا، پـــس از انتخابات ریاســـت جمهوری ســـال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰، پژوهش‌هـــای زیادی نشـــان داد که میلیون‌ها نفر به دلیل اختلاف سیاســـی روابط خانوادگی یا دوستی‌های دیرینه‌شان را قطع کردند. در برخی کشورها، حتی ازدواج‌ها به خاطر اختلاف نظرهای سیاسی از هم پاشیده است. سیاست، که قرار بود مدیریت اختلافات باشـــد، تبدیل شده به منشا خصومت‌های جدید.

در جامعه ایران نیز نشـــانه‌های روشنی از این روند دیده می‌شـــود. از دورهمی‌های خانوادگی گرفته تا فضای مجازی، دوســـتی‌ها دیگـــر آن بی‌خیالی گذشـــته را ندارند. هر اظهار نظر ســـاده‌ای درباره مسائل اجتماعی یا سیاســـی می‌تواند تبدیل شود به معیاری برای قضاوت: «همراه مایی یا نه؟» این ســـوال پنهان، ناخودآگاه روابط انسانی را مسموم می‌کند. ناگهان، فرد به جای آنکه دوست، همکار یا آشنا باشد، به نماینده یک «طیف سیاسی» تصور می‌شود.

این وضعیت، تبعات اجتماعی عمیقی دارد:

نخستین آســـیب، فروپاشی شـــبکه‌های طبیعی اعتمـــاد اجتماعی اســـت. جوامع برای بقا نیازمند شـــبکه‌های اعتماد متقابل‌اند؛ روابطی که بر مبنای اطمینان انسانی، نه محاسبات سیاسی، اســـتوار باشـــد. وقتی این پیوندها سیاسی شوند، اعتماد فرو می‌ریزد و جای آن را سوءظن، احتیاط و فاصله می‌گیرد. مردم دیگر کمتر به یکدیگر تکیه می‌کنند، کمتر به هم کمـــک می‌کنند و کمتر به حرف هم اعتماد دارند.

آسیب دوم، رشـــد انزوای فـــردی است. در جامعه قطبی، افراد ترجیح می‌دهند فقط با کسانی معاشرت کنند که دقیقا دیدگاه‌های مشابه دارند. این گرایش، به «اتاق پژواک» می‌انجامد؛ محیطی بسته که در آن فقط صدای مشابه شنیده می‌شود و تفاوت‌ها حذف می‌شـــوند. در نتیجه، تاب‌آوری اجتماعی کاهش می‌یابد و افراط‌گرایی نیز شدت می‌گیرد.

آسیب ســـوم، فرســـایش مفهوم مـــدارا و همزیستی است. یکی از نشانه‌های بلوغ اجتماعی، توانایی انســـان‌ها در کنار آمدن با تفاوت‌هاســـت. جامعه قطبی ایـــن ظرفیت را تخریـــب می‌کند. اختلاف نظر، که می‌توانـــد فرصتی برای یادگیری و رشد باشد، به تهدیدی برای هویت فردی تبدیل می‌شود. در نتیجه، هر کسی که «دیگری» است، تبدیل می‌شود به دشمنی بالقوه.

در این شـــرایط، چه می‌توان کرد؟ شاید نخستین گام، پذیرش این واقعیت باشـــد که هویت سیاسی انسان‌ها تنها یکی از ابعاد وجودی آنهاست، نه تمام آن. دوستی، عشق، همکاری یا حتی گفت‌وگوهای روزمره، نیازی به همســـویی کامل سیاسی ندارند. انسان‌ها فراتر از برچسب‌های سیاسی ارزشمندند. رسانه‌ها، نخبگان فکری، معلمان و خانواده‌ها نقش مهمی در بازسازی این نگرش دارند. باید بار دیگر به جامعه آموخت که مدارا، یک فضیلت اخلاقی نیست و پیش‌شرط حیات اجتماعی سالم است. اختلاف نظر، دشمنی نیست. کســـی که دیدگاه متفاوتی دارد، الزاما نادان یا خائن نیست.

جامعه‌ای که بتواند رفاقت‌ها را از معرکه سیاســـت بیرون بکشـــد، جامعه‌ای اســـت که امید به آینده در آن زنده خواهد مانـــد. در غیر این صورت، حتی ســـاده‌ترین لبخندها و ســـلام‌ها رنـــگ تردید و بی‌اعتمادی به خود خواهند گرفت؛ و این، شـــاید بزرگ‌ترین خطری باشد که همزیستی ما را تهدید می‌کند.

سیر تطور گفت‌وگو با فنجان قهوه

کافه؛ محل تولد بی‌سروصدای دموکراسی

● قهوه‌خانه‌ها در روزگار گذشته محلی برای نقد سیاست حاکم و تبادل افکار بودند

ایمان برین
هفت صبح

در گوشه دنج یک کافه در هیاهوی شهر، چند جوان سرشان را به نشانه رازداری نزدیک هم برده‌اند و آرام در مورد آخرین رویدادهای سیاسی نجوا می‌کنند. صدای اسپرسوساز پس‌زمینه و همهمه ملایم اطراف، سپری طبیعی در برابر گوش‌های کنجکاو پدید آورده است. کافه در نگاه اول صرفا محیطی برای نوشیدن قهوه و رفع خستگی روزمره است اما کارکردی فراتر از یک فضای تفریحی دارد. جامعه‌شناسان، فضای کافه را «فضای سوم» یا عرصه‌ای نیمه‌خصوصی می‌دانند که چیزی میان خانه (فضای خصوصی) و خیابان (فضای عمومی کاملا باز) است. این ویژگی دوسویه باعث می‌شود کافه محلی مطلوب برای گفت‌وگوهای جدی اما غیررسمی باشد؛ جایی که می‌توان بی‌آنکه تریبونی رسمی در کار باشد، درباره مسائل سیاسی و اجتماعی تبادل نظر کرد. چنانکه محققان اشاره کرده‌اند، همین گردهمایی‌های به‌ظاهر عادی اما شبه‌خصوصی در مکان‌های عمومی هستند که در گذر تاریخ به شکل‌گیری حوزه‌های عمومی انجامیده‌اند و افراد همفکر را به شبکه‌های گفتمانی بزرگ‌تر پیوند داده‌اند. کافه از این منظر صرفا محلی برای اوقات فراغت نیست و عرصه‌ای برای شکل‌گیری افکار عمومی بی‌صداست.

تاریخچه: از قهوه‌خانه‌های قدیم تا حوزه عمومی مدرن

نگاهی به تاریخ نشـــان می‌دهد کافه‌ها همواره بستر جوشش اندیشـــه‌های نو بوده‌اند. یورگن هابرماس، نظریه‌پرداز آلمانی، در واکاوی تاریخ اجتماعی اروپا به اهمیـــت قهوه‌خانه‌های قرن هجدهم در پیدایش حـــوزه عمومی بورژوایی اشاره می‌کند. او قهوه‌خانه‌های لندن را یکی از نهادهای محوری حوزه عمومی می‌داند؛ فضایی که به‌گفته او «نوعی معاشـــرت اجتماعی را به نمایش می‌گذاشت که فارغ از پیش‌فرض‌های منزلتی، همـــگان می‌توانســـتند در آن اخبار بشـــنوند و دربـــاره‌اش بحث کننـــد». در این قهوه‌خانه‌هـــا، با پرداخت یک پنـــی بابت یک فنجان قهوه، مشـــتری حق داشـــت ساعت‌ها بر گرد میز بنشـــیند و از تازه‌ترین روزنامه‌ها و نشریات باخبر شـــود یا با دیگران مباحثه کند؛ تا جایی که اصطلاح «دانشگاه یک پنی» برای این مکان‌ها رایج شـــد. به تعبیر هابرماس، در چنیـــن فضاهایی گفتمـــان عقلانی_انتقادی میان شهروندان شکل می‌گرفت و افکار عمومی مستقل از دولت و بازار قوام می‌یافت.

این وضعیت البته همیشـــه خوشایند اصحاب قدرت نبـــود. همان‌گونه کـــه هابرماس یادآور می‌شود، مقامات حاکم گاه کافه‌ها را به چشم تهدیدی برای نظم سیاســـی می‌نگریســـتند. برای نمونه، چارلز دوم پادشـــاه انگلســـتان در ســـال ۱۶۷۵ میلادی فرمانی بـــرای تعطیلی قهوه‌خانه‌ها صادر کرد و اســـتدلالش این بود که این اماکن به «بستر انتشار گفتارهای رسوا و فتنه‌جویانـــه» تبدیل شـــده‌اند. هرچند این تلاش به‌دلیل مقاومت پنهان مشتریان و نادیده گرفته شدن فرمان ناکام ماند اما نشان می‌دهد که کافه از دیرباز نقشـــی فراتر از تفنن داشته و قدرت معناسازی سیاسی آن حتی زمامداران را نیز به واکنش واداشته است.

جالب اینجاست که سنت گفت‌وگوی سیاسی در کافـــه، محدود بـــه اروپا نبـــوده و در تاریخ ایران نیز ســـابقه‌ای دیرینه دارد. گزارش‌های جهانگـــردان از دوران صفویه تصویر زنده‌ای از رونق قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان کانون هم‌نشـــینی و تبادل افکار به دســـت می‌دهند. ژان شاردن، ســـیاح فرانســـوی که در دهه ۱۶۶۰ میلادی به اصفهان ســـفر کـــرده بود، می‌نویســـد در قهوه‌خانه‌هـــای اصفهـــان مـــردم گـــرد هم می‌آمدند، تازه‌ترین اخبار را با یکدیگر در میان می‌گذاشـــتند و حتی علاقه‌مندان سیاست «با آزادی کامل و بدون ترس» به انتقاد از حکومت می‌پرداختند، بی‌آنکه کســـی مزاحم‌شان شود. نقل اســـت که در این قهوه‌خانه‌های وسیع و زیبای میدان نقش‌جهان، از صبح علی‌الطلوع تا غروب، همهمـــه گفت‌وگوهـــا و حتی بازی شطرنج و تخته‌نرد جریان داشت و در گوشه‌ای واعظ یا درویشی نیز به سخنرانی می‌پرداخت. چنین توصیف‌هایی نشـــان می‌دهد قهوه‌خانه در فرهنگ شهری ایران هم به‌مثابه یک حوزه عمومی اولیه عمل می‌کرده اســـت. این فضاها نه فقط در پایتخـــت (اصفهان صفوی) بلکه در شهرهایی چون تبریز، یزد و شـــیراز هم دیده می‌شد و محمل اختلاط‌های اجتماعی بدیع و خلاقیت‌های فکری بود. به تعبیر یک پژوهشگر، قهوه‌خانه ایرانی آن عصر، آمیـــزه‌ای از عناصر بومی و جهانی و نیز دینی و سکولار را در خود داشت.

در ســـده‌های بعد، بـــا ظهور روشـــنفکران و جنبش‌های فکـــری مدرن در ایـــران، کافه‌ها دوباره نقش سیاسی_فرهنگی پررنگی یافتند. بـــرای نمونـــه، در دهه‌هـــای ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ تهران، کافه‌هایـــی همچون «کافـــه نادری» پاتوق نویســـندگان و روشـــنفکرانی شدند که گرایش‌هـــای ایدئولوژیک نوگرایانـــه (عمدتا برآمـــده از غرب) داشـــتند. همین امر شـــاید زمینه‌ساز آن شد که بعدها دستگاه رسمی، کافه و فرهنگ کافه‌نشینی را معادل «غرب‌زدگی» بپندارد و به دیده تردید بنگرد. با این حال، نباید فراموش کرد که ریشه‌های محلی این فرهنگ در تاریخ ایران بسی پیشـــتر شکل گرفته بود و کافه الزاما وارداتی غربی نبود.

معناسازی در فضا: از نظریه تا واقعیت

چرا کافه تا این اندازه قابلیت سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند؟ پاسخ را باید در ویژگی‌های خاص این فضا و نحوه استفاده مردم از آن جست‌وجو کرد. از منظر جامعه‌شناســـی فضـــا، مکان‌ها صرفا ظرف‌های بی‌روح نیستند بلکه محصول عملکرد ما در درون‌شـــان‌اند. میشل دوسرتو، فیلســـوف و مردم‌شناس فرانســـوی، در کتاب «تمرین زندگی روزمره» نشان می‌دهد چگونه انســـان‌های عادی با تاکتیک‌هـــای زیرکانه، فضاهای تحمیل‌شده از سوی صاحبان قدرت را به نفع خودشان بازتعریف و مصرف می‌کنند. به بیـــان او و همفکرانش، کاربـــران فضاهای شـــهری با کنش‌های هرروزه مثـــل قدم‌زدن، گردهم آمدن یا گفت‌وگو، در حال معناسازی برای مکان هستند و به شـــکلی خلاقانه، آن را مطابق نیاز و میل خود در می‌آورند. نمونه‌اش والدینی که بخشـــی از یک پارک یا کافی‌شاپ را با حضور مســـتمر خود تبدیل بـــه قلمروی دوســـتانه بـــرای کودکان‌شـــان می‌کنند، یا دانشـــجویانی که کافه‌ای نزدیک دانشگاه را به پاتوق فکری خود بدل کرده و با جابه‌جا کردن میزوصندلـــی و نشســـتن‌های طولانی، مکان را مطابق خواسته‌شان ســـامان می‌دهند. این فرایند کـــه «تملک فضا» نام گرفتـــه، البته به گفته اندیشـــمندانی چون دان میچل، میدانی از کشـــمکش و جدال قدرت نیز هست؛ چراکه مالک یا مدیر فضا ممکن است قواعدی بگذارد یا مقاومتی نشـــان دهد و گروه‌هـــای دیگر نیز برای بهره‌برداری از همـــان فضا رقابت کنند. با این حال، جوهره کار در استفاده روزمره از فضا این است که مردم عادی تا حد توان، آن را از آنِ خود می‌سازند.

از منظر نظریه‌هـــای حوزه عمومـــی نیز، کافه فضایی جالب توجه است. یورگن هابرماس تأکید دارد که حوزه عمومی هنگامی پدیدار می‌شود که افراد از دل فضای عمومی، به گفت‌وگو درباره امور خصوصی و جمعی می‌پردازند. گردهم آمدن آدم‌ها در یک محیـــط عمومی (مثل کافه) برای مباحثه در مورد دغدغه‌های مشـــترک، به تولد یک حوزه عمومی کوچک مقیاس منجر می‌شود؛ حوزه‌ای که ماهیتی دوگانه دارد: هم خصوصی اســـت (چون جمعی محدود دور یک میز قرار گرفته‌اند) و هم عمومی (چون در منظر جامعه و بیـــرون از چهاردیواری منزل اســـت). همین ماهیـــت بینابینی به گفت‌وگوی شـــکل گرفته کیفیتی متفاوت می‌بخشد. افراد احساس راحتی و خودمانی‌بـــودن محیط خصوصـــی را دارند، در حالی کـــه از آزادی و تنـــوع برخورد موجود در فضای عمومی نیز بهره‌مندنـــد. نتیجه آنکه ایده‌ها و روایت‌هایی شکل می‌گیرد که شاید در فضای رســـمی امکان ظهور نداشت. این ایده‌ها در عین خاموشی و غیررســـمی بودن، بخشی از فرهنگ سیاسی را می‌ســـازند. به بیان دیگر، کافه‌ها کارکرد پنهانی در تولید معنا و گفتمان سیاســـی دارند: گفتمان‌هایی که ممکن است به گوش حکومت نرســـد اما در لایه‌های زیرین جامعه انتشـــار می‌یابد و بر ذهنیت عمومی اثر می‌گذارد. در گذشته، پادشاهان اروپایی از همین گفت‌وگوی پنهان بیمناک بودند؛ در امروز ما نیز این گفت‌وگوهای خاموش برای جوامع معاصر معنادار است.

کافه‌های ایران: پاتوق یا پناهگاه؟

در سال‌های اخیر، با گســـترش شهرنشینی و تغییر ســـبک زندگی، کافه‌ها در ایران به عنـــوان یکی از عرصه‌های نوین معاشرت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. برخلاف گذشـــته که قهوه‌خانه‌های سنتی نقش اصلی را در زندگـــی روزمره ایفـــا می‌کردند، کافی‌شاپ‌ها امروز بخشی از فرهنگ شهری به شمار می‌آیند. در این فضاها، نسل جوان امکان می‌یابد در محیطی آرام و دوستانه به تبادل نظر، گفت‌وگوهای فرهنگی و حتی مباحثات اجتماعی بپردازد. کافه‌ها محیطی نســـبتا راحت و غیررسمی فراهم می‌کنند کـــه در آن، گفت‌وگوی فکری و تبـــادل دیدگاه‌ها با سهولت بیشـــتری جریان می‌یابد. این ویژگی باعث شده است کافه‌ها در کنار نقش تفریحی و اقتصادی، کارکردی فرهنگی نیز پیدا کننـــد؛ به‌ویژه در پیوند زدن میـــان گروه‌های مختلف اجتماعـــی و تقویت حس مشارکت اجتماعی. برخی پژوهش‌های داخلی نشـــان می‌دهند کافه‌ها به مرور زمان به پاتوق‌های فکری و هنری تبدیل شده‌اند، جایی که هنرمندان، دانشـــجویان و فعـــالان فرهنگی ضمـــن برقراری ارتباط با یکدیگر، ایده‌هـــا و دغدغه‌های روزمره را در فضایی دوستانه به اشتراک می‌گذارند. در واقع، این محیط‌های نیمه‌خصوصی بســـتری مناســـب برای تمرین گفت‌وگوهای ســـالم و فرهنگ بحث و تبادل اندیشه فراهم آورده‌اند. با توجه به اهمیت ارتباطات چهره‌به‌چهره در تحکیم ســـرمایه اجتماعی، وجود چنین فضاهایی می‌تواند به انسجام اجتماعی و تقویت حس همبستگی مدنی کمک کند. حضور جوانان در کافه‌ها، چه برای گفت‌وگوی آزاد و چه برای مطالعه یا خلاقیت هنری، بخشی از تحولات فرهنگی معاصر را بازتاب می‌دهد. البته کارشناسان اجتماعی بر این نکته تأکید دارند که حفظ این فضاهای اجتماعی نیازمند مدیریت صحیح، رعایت هنجارهای فرهنگی و توازن میان آزادی‌های فردی و قواعد عمومی است. ایجاد کافه‌هایی با رویکرد فرهنگی، هنری یا کتاب‌محور، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه گفت‌وگوی اجتماعی، ارتقای فرهنگ شهروندی و تعمیق مشارکت مدنی ایفا کند. کافه‌ها امروز، بیش از آنکه صرفا محلی برای نوشیدن قهوه باشند، به بخشـــی از حیات اجتماعی شهرهای مدرن ایران تبدیل شده‌اند؛ عرصه‌هایی که گفت‌وگو، تبادل ایده و همدلی در آن جریان دارد و به شکل‌گیری جامعه‌ای پویاتر یاری می‌رساند.

فنجان آخر

«گفت‌وگوهایی که شنیده نمی‌شوند» به خوبی گویای وضعیت کافه‌ها در مقام پاتوق‌های سیاسی خاموش است. در ظاهر، کافه فضایی آرام و فارغ از جنجال سیاسی به نظر می‌رسد؛ اما در باطن، هر میز کافه می‌تواند سنگر کوچکی برای گفتمان عمومی باشد. تاریخ نشان داده که ایده‌های بزرگ گاه از دل همین میزهای کوچک و فنجان‌های قهوه برخاسته‌اند. امروز نیز در شهرهای ما، کافه‌ها بی‌هیاهو وظیفه خود را انجام می‌دهند: فراهم کردن خاک حاصلخیز برای بذرافشانی فکرهایی که شاید فردا به ثمر بنشینند. به قول نویسنده‌ای غربی، «یک فنجان قهوه می‌تواند دنیا را تغییر دهد؛ حتی اگر این تغییر آهسته و در سکوت بحث‌های در گوشی اتفاق بیفتد.» در نهایت، کافه به مثابه یک حوزه عمومی خاموش، همچنان نقشی ظریف اما مهم در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی و مدنی جامعه ایفا می‌کند؛ نقشی که شاید در خیابان شنیده نشود، اما در زیر پوست شهر جریان دارد و آینده را آرام‌آرام رقم می‌زند.

بازگشت به مسقط

سفرهای عراقچی به مسکو و پکن و حضور چهره‌ای تندرو در رأس تیم آمریکا، معادلات مذاکرات را پر ابهام‌تر از همیشه کرده است

تحلیل بر اساس گزارش «جِی‌آن گمبْرِل» برای آسوشیتدپرس

۲۵ آپریل

مذاکرات هســـته‌ای میان ایران و آمریکا، پس از وقفه‌ای پرحاشیه، بار دیگر به مسقط بازمی‌گردد؛ پایتخت آرام عمان که در دو دهه گذشـــته بارها نقش پُشت‌پرده در منازعات تهران و واشنگتن ایفا کرده است. این بار گفت‌وگوها در حالی آغاز می‌شود که وضعیت برنامه هسته‌ای ایران وارد فازی حساس شده؛ از یک سو، سطح غنی‌ســـازی اورانیوم در تهران به نزدیکی محدوده تسلیحاتی رسیده و از ســـوی دیگر، تحریم‌های آمریکا همچنان فشاری سنگین بر اقتصاد کشور وارد می‌کنند. تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اقدام نظامی در صورت عدم توافق، فضای مذاکرات را با نوعی از بی‌ثباتی و هشـــدار آمیخته است. مقامات ایرانی هم به صراحت هشدار داده‌اند که در صورت ادامه فشار، ممکن است مسیرهای جدیدی را بررسی کنند.

در سطح بین‌المللی، چین و روسیه آشـــکارا حمایت خود را از حق ایران برای اســـتفاده صلح‌آمیز از انرژی هســـته‌ای اعلام کرده‌اند. ســـفرهای اخیر عباس عراقچی به مسکو و پکن و نیز دیدار سه‌جانبه ایران، چین و روسیه با رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از تلاش تهران برای بازسازی توازن در میز مذاکرات حکایت دارد.

در سوی دیگر، حضور چهره‌ای چون «مایکل آنتون» در رأس تیم فنی آمریکا، نشـــانه‌ای از چرخش در ترکیب و شاید در ماهیت مذاکرات است؛ فردی که نه سابقه‌ای در حوزه انرژی اتمی دارد و نه دیدگاه میانه‌رویی. او پیش‌تر سیاست هیلاری کلینتون را «رولت روسی با اسلحه نیمه‌اتوماتیک» توصیف کرده و از سیاست‌های ضدایرانی دفاع کرده بود. در حالی که اروپا در حاشیه قرار گرفته و اسرائیل همچنان با روش‌های خبیثانه سایه‌ای بر سر راه مذاکرات است، مسقط بار دیگر صحنه‌ای می‌شود برای آزمون دیپلماسی؛ آزمونی که آینده آن، همچنان در هاله‌ای از ابهام است.

چه کسی وزیر اقتصاد می‌شود؟

بحران بودجه، بانک‌ها و اعتماد بازار؛ سه چالش اصلی وزیر جدید

مهدی خاکی فیروز
دبیر گروه اقتصادی

رایزنی‌ها برای انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی به نقطه حساس رسیده و موقعیت وزارت اقتصاد بیش از هر وزارتخانه‌ای به کانون کشمکش‌ها و امیدها بدل شده است. فراتر از وزن اقتصادی این وزارتخانه، به‌خاطر آنکه سکان «بسته اقتصادی دولت» عملاً در اختیار وزیر اقتصاد قرار می‌گیرد؛ کسی که باید کسری بودجه، اصلاحات مالیاتی، بحران بانکی، تقویت سرمایه‌گذاری و اعتماد بازار سرمایه را همزمان مدیریت کند. از میان نام‌هایی که این روزها در محافل سیاسی و اقتصادی زمزمه می‌شود، هفت چهره اصلی برجسته‌ترند. این چهره‌ها هر کدام مزایا، سوابق و چالش‌های خاص خود را دارند. اما نکته مهم آن است که لابی‌های پنهان، سوابق تنش‌های مدیریتی و صف‌بندی‌های درون‌جناحی نیز در انتخاب نهایی بی‌تاثیر نخواهد بود. وزیر اقتصاد جدید، علاوه بر مدیریت یک وزارتخانه، معمار هماهنگ‌کننده تمام بسته‌های اقتصادی کشور خواهد بود؛ از بانک مرکزی و سازمان برنامه گرفته تا بورس و مالیات و مسائل مالی تجارت خارجی. در فضای تلاقی تجربه، فشار سیاسی و مطالبات جدید اقتصادی، آیا دولت به «چهره‌ای امتحان‌پس‌داده» اعتماد خواهد کرد؟ یا جوانی که ریسک‌پذیرتر است، هرچند تجربه مدیریت بحران بزرگ را نداشته باشد. پاسخ به این سوال، در روزهای آینده، چهره اقتصادی دولت را برای سه سال آینده مشخص خواهد کرد.

علی طیب‌نیا

طبیب اقتصاد با چالش‌های سیاسی

استاد اقتصاد دانشگاه تهران و وزیر اسبق اقتصاد دولت یازدهم، با کارنامه‌ای موفق در مهار تورم، انضباط مالی و تعامل نهادی با بانک مرکزی. در دوره‌ای که اقتصاد ایران به شدت درگیر رکود تورمی بود، از او به‌عنوان «طبیب اقتصاد» یاد شد. ویژگی ممتاز او، درک دقیق از سازوکارهای مالی دولت و برنامه‌ریزی برای ثبات میان‌مدت بود. با این حال، بازگشت طیب‌نیا به کابینه با چالش‌هایی مواجه است. از جمله تضاد دیدگاهی و مدیریتی میان او و محمدجعفر قائم‌پناه که سابقه اختلافات فنی جدی در دولت دارند. برخی منابع، این تنش را به‌عنوان مانعی جدی در راه بازگشت طیب‌نیا تلقی می‌کنند. همچنین عدم گرایش او به جناح‌های سیاسی فعال در دولت فعلی، سهم‌خواهی سیاسیون را در تصمیم‌گیری نهایی دشوارتر کرده است.

شمس‌الدین حسینی

وزیر دوران تحریم

اقتصاددان و سیاست‌گذار دوران دولت احمدی‌نژاد، با تجربه‌ای وسیع در مواجهه با فشارهای تحریمی، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و توسعه بازارهای مالی. از جمله دستاوردهای او، توسعه بورس انرژی و تلاش برای متنوع‌سازی منابع درآمدی دولت بود. اما حساسیت افکار عمومی نسبت به میراث اقتصادی دولت نهم و دهم و همچنین نقدهایی در خصوص کاهش شفافیت مالی دولت در سال‌های پایانی مسئولیتش، ممکن است هزینه بازگشت او را بالا ببرد.

سید کامل تقوی‌نژاد

چهره مالیاتی و اجرایی

دارای سابقه ریاست سازمان امور مالیاتی، معاونت وزارت اقتصاد و حضور در بدنه مدیریتی بیمه و بانک. یکی از معدود مدیران باسابقه‌ای است که از دوران بعد از انقلاب، پیوسته در ساختار اقتصادی کشور ایفای نقش کرده است. در دوره مسئولیتش، پیش‌نویس اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم تدوین و طرح جامع مالیاتی اجرا شد. گرچه کمتر رسانه‌ای و نه‌چندان محبوب میان تکنوکرات‌هاست، اما برخی او را گزینه‌ای «امن» و «بدون حاشیه» می‌دانند.

سیدعلی مدنی‌زاده

نظریه‌پرداز نسل جدید

دانشیار اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و عضو سابق شورای هماهنگی اقتصادی دولت. از منظر فکری، یکی از طراحان سیاست‌های مقابله با تورم و بازآفرینی رابطه دولت با بازار سرمایه است. گرچه تجربه مدیریتی محدودی دارد، اما در سطح کلان به‌عنوان ذهنی تحلیل‌گر و استراتژیک شناخته می‌شود. برخی منابع، مدنی‌زاده را گزینه مطلوب تیم اقتصادی مجلس می‌دانند، اما احتمالاً برای نقش‌های مشورتی یا معاونت‌های وزارت اقتصاد، مناسب‌تر از صندلی وزارت باشد

حمید پاداش

چهره دانشگاهی با حمایت‌های پنهان

اقتصاددان رفتاری و چهره‌ای کمتر شناخته‌شده در افکار عمومی. دارای سابقه تدریس در دانشگاه‌های معتبر و آشنا با نظام حکمرانی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. خبرها حاکی از آن است که مهدی جهانگیری، برادر معاون اول اسبق رئیس‌جمهور، با واسطه‌گری از دفتر محمدرضا عارف در حال لابی برای معرفی او به‌عنوان گزینه نهایی است. نگاه اصلاح‌گر پاداش به ساختارهای انگیزشی دولت و تمرکز بر بهره‌وری نهادی، از او چهره‌ای متفاوت ساخته، اما نبود تجربه اجرایی مستقیم، او را در معرض نقد قرار داده است.

سیدمحمدهادی سبحانیان

جوان اهل عمل

از چهره‌های جوان اما دارای سابقه اجرایی مهم. در وزارت اقتصاد به‌عنوان معاون اقتصادی و سپس قائم‌مقام وزیر، در اصلاح وضعیت مالیاتی نقش آفرینی کرد. از دید مدافعانش، او مصداق نسلی از جوانان «با کارنامه» است، نه صرفاً جوان. هرچند همچنان با نقدهایی درباره محدودیت تجربه در سطح ملی و نداشتن روابط سیاسی کافی مواجه است

حجت‌الله صیدی

چهره اجرایی با دستاوردهای ملموس

از معدود گزینه‌هایی است که نه یک نظریه‌پرداز صرف، بلکه مدیر اجرایی موفق در میدان بحران بوده است. صیدی در شرایطی سکان بانک صادرات ایران را در دست گرفت که بانک تحت تحریم، زیان‌ده و مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت بود. با راهبردی متکی بر اصلاح مالی، فروش دارایی‌های منجمد، تمرکز بر افزایش کارمزدها و تقویت شفافیت، موفق شد بانک را از ورشکستگی نجات داده و به سودآوری مستمر برساند. او همچنین در هلدینگ غدیر نقشی کلیدی در افزایش بهره‌وری، حذف رانت‌های پنهان و جذب سرمایه از بازار سرمایه ایفا کرد. در مقایسه با سایر گزینه‌ها، صیدی به واقعیت‌های بنگاهی اقتصاد ایران و ابزارهای مهار بحران مالی آشناتر است. از سوی دیگر، با اینکه کمتر در رسانه‌ها دیده شده، اما دستاوردهایش در بورس و شبکه بانکی، به او مشروعیت تکنوکراتیک ویژه‌ای داده است.

پرسش‌های بی‌پاسخ

هنوز هم برای بسیاری از تحلیلگران مشخص نیست که کدام جریان، در ساخت قدرت اقتصادی دولت چهاردهم، دست بالاتر را دارد. مثلاً آیا حمایت عارف در دولت فعلی امتیاز محسوب می‌شود یا تهدید؟ آیا تضاد طیب‌نیا و قائم‌پناه، به لحاظ ساختاری قابل جمع است یا نه؟

در بسیاری از دولت‌ها وزیر اقتصاد عملاً یا با رئیس کل بانک مرکزی هماهنگ بوده یا تضاد آنها عامل ناکامی سیاست‌ها شده است. آیا رئیس‌جمهور بعد از انتخاب وزیر اقتصاد و کسب رای اعتماد، به سراغ هماهنگ سازی بانک مرکزی خواهد رفت؟

چالش رای اعتماد و ضرورت آماده‌سازی پارلمان

انتخاب وزیر اقتصاد در درون کابینه و حلقه‌های سیاسی پایان نمی‌یابد و مرحله حساس‌تر، رای اعتماد در مجلس است که تعیین‌کننده عضویت در کابینه و توان اجرایی او خواهد بود. هر یک از گزینه‌ها باید علاوه بر ارائه برنامه اقتصادی، توان لابی با نمایندگان و جلب حمایت فراکسیون‌های مختلف را نیز داشته باشد. این به معنای تسلط بر مباحث فنی و در عین حال مهارت دیپلماتیک در مذاکرات با طیف متنوع نمایندگان است. از این رو، شناخت دقیق اولویت‌های منطقه‌ای و خواسته‌های صنفی نمایندگان و همچنین ارایه پلن شفاف و متقاعدکننده برای مدیریت بحران‌های کسری بودجه، تورم و اصلاح نظام بانکی، پیش‌شرط عبور موفق از مرحله رای اعتماد است.

چالش‌های اقتصادی دولت چهاردهم همراه با پیشنهادهای سیاستی هفت صبح

ردیف		شرح چالش	پیشنهاد سیاستی
۱	ناترازی بودجه و رشد کسری مزمن	وابستگی بودجه به نفت، اتکای زیاد به فروش دارایی و هزینه‌های جاری بالا، موجب کسری ساختاری و افزایش تورم شده است.	اصلاح ساختار بودجه با کاهش هزینه‌های جاری، توسعه پایه‌های مالیاتی جدید (مالیات بر ثروت و سوداگری) و کنترل هزینه‌ها در سطح ملی و استانی.
۲	ناترازی بانک‌ها و بحران نقدینگی	خلق پول بی‌ضابطه، رقابت در نرخ سود و ضعف نظارت بانک مرکزی موجب اختلال در سیاست‌های پولی شده است.	سامان‌دهی ترازنامه بانک‌ها واگذاری دارایی‌های مازاد، افزایش شفافیت صورت‌های مالی و تقویت عملکرد بانک مرکزی در اعمال سیاست‌های ضدتورمی.
۳	نرخ تورم بالا و بی‌ثباتی قیمتی	تورم بالای ۴۰ درصد موجب کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی بازارها و فرار سرمایه شده است.	اتخاذ سیاست پولی انقباضی، مدیریت انتظارات تورمی، تثبیت نرخ ارز با مداخله هدفمند و جلوگیری از رشد پایه پولی ناشی از کسری بودجه.
۴	کاهش سرمایه‌گذاری و فرسایش سرمایه	افت شدید سرمایه‌گذاری باعث کاهش ظرفیت تولید، بیکاری و افت بهره‌وری شده است.	تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات مقررات، تسهیل صدور مجوزها و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تأمین مالی پروژه‌های مولد بخش خصوصی.
۵	بی‌ثباتی ارزی و ناترازی تجارت خارجی	کمبود ارز، تعدد نرخ‌ها و تحریم‌ها منجر به رانت، قاچاق و بی‌ثباتی اقتصادی شده است.	یکسان‌سازی نرخ ارز به‌صورت تدریجی، ایجاد بازار رسمی ارز تحت نظارت بانک مرکزی و تقویت صادرات غیرنفتی با رفع موانع گمرکی و لجستیکی.
۶	نظام ناکارآمد یارانه‌ها	یارانه‌های پنهان انرژی و کالا باعث تشویق مصرف، قاچاق و نابرابری در توزیع منابع شده است.	هدفمندی تدریجی یارانه‌ها با حفظ ملاحظات اجتماعی، تخصیص نقدی/کالایی به دهک‌های پایین و افزایش قیمت انرژی برای صنایع پرمصرف با بازتوزیع منابع.
۷	افزایش بدهی دولت و بحران اعتماد مالی	بدهی دولت به صندوق‌ها و پیمانکاران، بدون راهبرد بازپرداخت، موجب بی‌اعتمادی بازار و تنگنای مالی شده است.	تهیه نقشه راه بازپرداخت بدهی‌ها، انتشار اوراق بدهی با سررسید مشخص و قابل معامله و تعیین سقف بدهی کمتر در قوانین بودجه سالانه.
۸	بحران جمعیت، اشتغال و مهاجرت نخبگان	نرخ پایین اشتغال، مهاجرت گسترده و پیری جمعیت، اقتصاد را با کاهش نیروی کار و افت خلاقیت تهدید می‌کند.	تدوین بسته‌های حمایتی برای کارآفرینی جوانان، جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور، هوشمندسازی مشوق‌های فرزندآوری و ارتقای بهره‌وری نیروی کار از طریق به روزرسانی آموزش مهارتی.

خبر

واردات گوشت رکورد زد؛ بازار آرام نشد

با تزریق میلیاردها دلار ارز، همچنان صف‌های طولانی برای خرید گوشت در میادین تره‌بار و فروشگاه‌های برگزیده مشاهده می‌شود.

در شرایطی که دولت با تخصیص بیش از یک میلیارد دلار ارز به واردات گوشت قرمز تلاش کرده است تا بازار این کالا را کنترل کند، هنوز نشانه‌هایی از ناپایداری و نارضایتی در بازار مشاهده می‌شود. براساس داده‌های گمرک ایران، واردات گوشت قرمز در سال ۱۴۰۳ به رکورد بی‌سابقه ۲۲۹ هزار تن رسید که نسبت به سال گذشته رشد ۷۷.۵ درصدی را نشان می‌دهد. این میزان واردات، رکوردی در ۱۴ سال اخیر به شمار می‌رود و در حالی به دست آمده که سال‌های پیشین واردات گوشت قرمز به طور چشمگیری کاهش یافته بود. به‌طور مشخص، در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب تنها ۳۶، ۳۱ و ۴۸ هزار تن گوشت وارد کشور شده بود.

۱ میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار ارز از کشور خارج شد

واردات ۲۲۹ هزار تن گوشت قرمز در سال ۱۴۰۳ منجر به خروج ۱ میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار ارز از کشور شده است. این رقم قابل توجه، مسئله‌ای جدی برای تحلیلگران اقتصادی به‌وجود آورده است: آیا تخصیص این میزان ارز به واردات گوشت، هدف اصلی خود را در کنترل قیمت‌ها و بهبود عرضه تحقق بخشیده است؟

چرا تزریق ارز نتوانسته است بازار را آرام کند؟

با وجود این حجم واردات، صف‌های طولانی در میادین تره‌بار و فروشگاه‌های زنجیره‌ای همچنان برای خرید گوشت سهمیه‌ای ادامه دارد. این سوال مطرح می‌شود که چرا با وجود تزریق منابع ارزی فراوان، بازار گوشت قرمز همچنان درگیر مشکلات است؟ شاید یکی از دلایل این وضعیت، عدم توجه کافی به مشکلات زیرساختی و ساختاری بازار گوشت باشد. در حالی که واردات گوشت افزایش یافته، تأمین نهاده‌های دامی و مشکلات مرتبط با تولید گوشت هنوز به‌طور کامل حل نشده است. این مشکلات ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر عرضه و قیمت‌های بازار داشته باشد.

بحران نهاده‌های دامی؛ چالش‌های پنهان در پشت واردات گوشت

یکی از اصلی‌ترین عواملی که به این بحران دامن می‌زند، کمبود نهاده‌های دامی مانند ذرت، سویا و کنجاله است. واردات این نهاده‌ها به‌دلیل مشکلات ارزی و محدودیت‌های تجاری با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. تامین کافی این نهاده‌ها برای دامداران از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر این مشکل حل نشود، تولید گوشت تحت‌تاثیر قرار خواهد گرفت. بنابراین، صرف‌نظر از واردات گسترده گوشت، نبود نهاده‌های دامی می‌تواند بر روند تولید و قیمت‌ها تاثیرگذار باشد.

آیا این بحران به سرنوشت مشابه پرونده‌های گذشته دچار خواهد شد؟

در این شرایط، برخی تحلیلگران نگران هستند که شبیه برخی تجربه‌های گذشته، منابع ارزی تخصیص یافته نتواند به‌طور موثر به دست مصرف‌کنندگان برسد. در پرونده‌هایی مانند «چای دبش»، تخصیص ارز دولتی به کالاهای اساسی موجب سوءاستفاده‌های احتمالی شد که در نهایت هدف اصلی خود را محقق نکرد. در حال حاضر نیز برخی پرسش‌ها در این زمینه مطرح است: آیا این منابع ارزی به‌درستی در جهت رفع مشکلات بازار هزینه شده است؟ آیا نظارت کافی بر این فرآیند وجود دارد؟

فناوری اطلاعات

دوگانه عرضه و تقاضا، تعادل نفت را شکست

نفت جهانی زیر فشار

فشار همزمان عرضه مازاد و افت تقاضا، بازار جهانی نفت را با نوسانات شدید مواجه کرده است؛ تحلیلگران از چشم‌اندازی محتاطانه با احتمال کاهش بیشتر قیمت‌ها سخن می‌گویند

در هفته‌های اخیر، قیمت جهانی نفت تحت تأثیر نگرانی‌ها از مازاد عرضه و کاهش رشد تقاضا، روندی نزولی به خود گرفته است. نفت برنت به حدود ۶۶.۹۸ دلار و نفت خام آمریکا (WTI) به ۶۳.۲۱ دلار در هر بشکه رسیده که هر دو شاخص در مسیر ثبت کاهش هفتگی قرار دارند. این روند کاهش عمدتا ناشی از برهم خوردن تعادل میان عرضه و تقاضا در بازار جهانی است؛ تعادلی که با انتشار گزارش‌های جدید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی و تصمیمات برخی کشورهای صادرکننده نفت بیش از پیش شکننده شده است. چشم‌انداز بازار جهانی نفت همچنان در هاله‌ای از عدم قطعیت قرار دارد. ادامه روند فعلی افزایش عرضه و رکود نسبی در تقاضا، به تثبیت یا حتی کاهش بیشتر قیمت‌ها منجر می‌شود. با این حال، تصمیمات آتی اوپک پلاس و تحولات ژئوپلیتیکی به ویژه در خاورمیانه و شرق اروپا، معادلات بازار را به سرعت دگرگون می‌کنند. سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و دولت‌ها با حساسیت بالا تحولات آینده را رصد می‌کنند، چراکه هر تغییر کوچکی در این زمینه، پیامدهای بزرگی برای اقتصاد جهانی به همراه خواهد داشت.

تازه‌ترین داده‌ها نشان می‌دهد که تولید جهانی نفت در ماه مارس به ۱۰۳.۶ میلیون بشکه در روز رسیده، رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل، افزایش قابل‌توجهی نشان می‌دهد. در همین حال، کشورهای عضو ائتلاف اوپک پلاس نیز در آستانه افزایش تولید از ماه مه هستند، اگرچه برخی کشورها پیش از موعد، سهمیه‌های خود را بالا برده‌اند. این افزایش تولید در شرایطی صورت می‌گیرد که نشانه‌های روشنی از کاهش سرعت رشد تقاضای جهانی در افق دیده می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش ماه آوریل خود، پیش‌بینی رشد تقاضای جهانی نفت را به ۷۳۰ هزار بشکه در روز کاهش داده است؛ نرخی که در پنج سال اخیر بی‌سابقه تلقی می‌شود. علت اصلی این کاهش، تداوم نگرانی‌ها از کند شدن رشد اقتصادی در جهان و افزایش تنش‌های تجاری میان اقتصادهای بزرگ به‌ویژه آمریکا و چین است. افزون بر این، تغییر الگوهای مصرف انرژی در بسیاری از کشورها و حرکت به سمت منابع تجدیدپذیر، در افت رشد تقاضا بی‌تأثیر نبوده است.

از سوی دیگر، تحولات ژئوپلیتیکی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری انتظارات نزولی ایفا کرده‌اند. نشانه‌هایی از نزدیکی مواضع ایران و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، این گمانه را تقویت کرده که ممکن است بخشی از تحریم‌های نفتی علیه ایران برداشته شود و صادرات نفت این کشور افزایش یابد. همچنین، برخی تحلیلگران به احتمال پایان جنگ در اوکراین و کاهش تنش‌ها میان کشورهای بزرگ اقتصادی اشاره می‌کنند که به گشایش‌های بیشتری در مسیر عرضه جهانی نفت منجر می‌شود.

با وجود این فشارهای نزولی، برخی ملاحظات همچنان مانع از سقوط شدید قیمت‌ها شده‌اند. برای نمونه، تولیدکنندگان نفت شیل در آمریکا با کاهش قیمت‌ها و افزایش هزینه‌های تأمین تجهیزات به دلیل تعرفه‌های وارداتی، فعالیت حفاری خود را کاهش داده‌اند. هرچند پیش‌بینی می‌شود تولید نفت شیل آمریکا در سال ۲۰۲۵ به ۹.۷ میلیون بشکه در روز برسد اما نرخ رشد آن نسبت به برآوردهای قبلی کاهش یافته است.

گزارشی از مراسم چهاردهمین سالگرد انتشار روزنامه هفت صبح

فرصتی برای بازنگری و پیشرفت

گروه هفت صبح

ظهر یک روز آخر هفته، در گرمای بسیار دلچسب دومین ماه بهار، جمعی از اهالی رسانه دور هم جمع شدند تا تولد چهاردهسالگی هفت صبح را جشن بگیرند. مراسمی خودمانی، بی تکلف، با طعم رفاقت، خاطره و کمی هم شوخی های خبرنگاری! از پیشکسوتان تا نام آشنا از رفقای رسانه‌ای نسل جدید. همه آمده بودند. بعضی ها بعد از مدت ها همدیگر را دیدند، با حوالپرسی هاکش دارشد، خندده ها بلند و خاطره هایکی یکی سر رسیدند. هیچ تیر بوئی هم که طبق معمول بر قرار. فضای مراسم گرم و صمیمی بود، حتی آنقدر بی رتکه می شد فرامونش کرد وسط یک مراسم سالگرد ایستاده! نیمه‌ونده در کافه‌ای برازدفیق قدیمی ماهها از این فرصت نابسنده کرد دیوه تا نوانستیم از مهمانان گرامی قول گرفتیم اقول مصاحبه، یادداشت حتی بعضی ها قول دادند بالاخره آن مطلب نا تمام را که همیشه قولش را داده بودند برای ما بنویسند و تمامش کنند. حالا باید در روزهای آینده منتظر مجموعه‌ای جذاب از روایت ها و تحلیل ها در قالب مصاحبه های تصویری و احیانا یادداشت های اختصاصی باشیم. هفت صبح دیروز به سن بلوغ رسید. البته این بلوغ از آن بلوغ های نوجوانی نیست که با جوش های صورت و سوال های فلسفی بی پاسخ همراه باشد: بلوغ یک روزنامه یعنی با یادری، تجربه، آزمون، خطا و البته محبوب ماندن نزد مخاطب. چهارده سال برای یک روزنامه، خودش یک داستان مفصل است. اما دیروز، هفت صبح در حضور بزرگان روزنامه نگاری، با نشاط بود و صمیمی، پر انرژی و امیدوار به فردا هایی روشن تر.

ما هنوز هستیم

هادی خانیکی
استاد ارتباطات

وقتی از من پرسیدند بعد از چهارده سال انتشار روزنامه، چه تیتری انتخاب می کنید. گفتم ما هنوز هستیم. این هنوز، پشتوانه و فلسفه دارد. فلسفه‌اش این است که ما یامی شود روزنامه نگاری مکتوب در این فضای منحول و مغیر رسانه‌ای اجتماعی باقی بماند؟ که به نظر ما بدیاقی بماند. بیش از هزار سال پیش عنصری سرود «هر روزنامه‌ایا هر، همه پیداست: اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان» پس امروز روزنامه‌ایا باید باشد. نی که چگونه‌ایا بدیماند؟! این کما چنه‌ای کما امانه‌ها: به نظر ما قرار دادن زندگی و سبک زندگی در کانون توجهش و نگاه اجتماعی داشتن به همه مسائل حتی مسائل سیاسی، اقتصادی و بین المللی می تواند بماند.

روزنامه‌نگاری پیشه سختی است یکی از تهدیدهایش شتابزدگی است و اینکه در موج مسائل روزمره گرفتار می شود. به همین دلیل شاید کمتر بتواند بیندیشد نگرانه به مسائل نگاه کند. روزنامه‌نگاری از مسائل روز غفلت نمی کند اما در مسائل روز محاط نمی شود. مسئله‌ام روز ایران فهم اجتماعی همه مسائل کشور است. اما ما خیلی زود تحت تأثیر قرار می گیریم با رفهم اجتماعی دست سرمی دارد یم و مقابل فهم سیاسی که عمدتا فهم اکنون زدگی است تسلیم می شویم. امید وارم «هفت صبح» بتواند بنگاه اجتماعی به مسائل ایران جای خود را در چند سال رسانه‌ای بازگند. چرا که روزنامه‌نگاری مثل انرژی می ماند: نابود نمی شود.

از جرأت نوآوری تا رسیدن به عرصه بین المللی

بهروز بهزادی
مدیرمسئول روزنامه اعتماد

افتخار دارم که ۱۵ سال پیش، زمانی که هنوز هفت صبح متولد نشده بود، به دفتری دعوت شدم؛ احمد توکلی، حسین الهامی و چند نفر دیگر از دوستان حضور داشتند، آنان گفتند می خواهیم روزنامه‌ای منتشر کنیم. سوال این بود چه کنیم؟ من به این فکر بودم که راه اندازی روزنامه‌ای کلاسیک در کنار سایر روزنامه های کلاسیک، فایده چندانی ندارد. بعد از چند ماه، روزنامه‌ای متمایز به میدان آمد که توجه‌ها را به خود جلب کرد. روزنامه‌ای که با دیگر روزنامه‌ها تفاوت های چشمگیری داشت. آرش خوشخو، با علاقه و دید خاص خود روزنامه را به این صورت در آورد. در همه این سال ها، این روزنامه در نوع خود پیشرو بوده است. مهم است که یک روزنامه متفاوت از سایر رقبای خود باشد و در برابر چالش ها بافت و شجاعت ایستادگی کند. «هفت صبح» با استفاده از نگاه تیزبین و جرأت نوآوری، همواره سعی کرده است تا در جهت بهبود فرهنگ رسانه‌ای و توجه به مطالبات جامعه گام برداشته. روزنامه‌ای که همزمان با حفظ استقلال خود، همواره در تلاش برای ارتقاء کیفیت و تنوع در محتوای خود بوده است. آرزو می کنم در آینده این روند برای هفت صبح ادامه داشته باشد و با پیشرفت روز افزون و گام های استوار در مسیر رشد و نوآوری، در عرصه رسانه های ایرانی و بلکه در سطح بین المللی نیز شناخته شود. این امید را دارم که تیم «هفت صبح» با نگاه روشن و صادقانه، گام های مؤثری در جهت ارتقای کیفیت روزنامه‌نگاری و پاسخگویی به نیازهای جامعه بردارد.

روشنی شمع پرفروغ رسانه‌های مکتوب

حسین سلاح ورزی
رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران

امروز، روز خوبی بود چون در یک جمعه بهاری این توفیق را پیدا کردم که در چهاردهمین سال تأسیس روزنامه «هفت صبح» شرکت کنم. به عنوان یک فعال اقتصادی که علاقه‌مند به پیگیری فضای روزنامه‌نگاری هستم، حضور جمع گسترده‌ای از پیشکسوتان و طیفی از جوانان و نسل جدید روزنامه‌نگاران در جشن تأسیس «هفت صبح» را نشانه موفقیت این روزنامه می دانم. ۱۴ سال فعالیت بی وقفه و مستمر در فضای پر چالش رسانه، موفقیت و شاهکار است. عشق، استقامت و تعهد کسانی که در این مسیر گام برداشته‌اند، قابل تحسین است. روزنامه‌نگاری مستقل مانند حرکت روی لبه تیغ و راه رفتن روی طناب باریک در هوای توفانی است. گاهی تنگناهای مالی مانند دیوار بلندی جلوی حرکت رسانه‌ها را می گیرد. در دهه اخیر، محدودیت های متعددی بر سر راه رسانه‌ها قرار داشته است.

اکوسیستم رسانه‌های ایران نمونه‌های تلخ و شیرین زیادی دارد. با وجود تیم های حرفه‌ای و عاشق، برخی نتوانسته‌اند از پس چالش ها بر آیند. تداوم حیات یک رسانه مستقل دشوار و ارزشمند است. «هفت صبح» با ایستادگی و درخشش خود، موفقیت های خوبی در حوزه اجتماعی و سبک اجتماعی رقم زد. این روزنامه صداهای خاموش جامعه را بازتاب داد و به همین دلیل، شایسته دیده شدن است.

در این روز قشنگ، آرزوی صمیمانه برای دست اندرکاران «هفت صبح» دارم و امیدوارم این رسانه به رسالت خود ادامه دهد و همیشه با قلم آزاد و نگاه صادقانه‌اش پیشگام باشد.

به قدمت هفت، به مبارکی هفت صبح

امیر تاجیک
مدیرمسئول روزنامه هفت صبح

«نشان هفت قلم» را زنده کسانی است که از راه قلم زیست می کنند. البته با تغییر شرایط مکان و زمان مفاهیم هم عوض می شوند و امروز قلم نه فقط نوشتن، بلکه ثبت کردن و به تصویر کشیدن، رأیز شامل می شود. مفتخریم قلمویه دستان زنده اتکو یم کنیم، مگر نا اینکه خدا نیز در قرآن به قلم و آنچه می نویسد قسم یاد کرده است.

اگر در فرهنگ و ادب فارسی «هفت پیکر»، «هفت شهر عشق»، «هفت خان رستم»، «هفت طبقه آسمان»، «هفت اورنگ»، «هفت اقلیم»، «هفت سین» دارم چرا در هفت صبح «نشان هفت قلم» نداشته باشیم می کوشیم به عدد هفت تشخیص بدهیم و حتی مرا مامه هفت صبح هم هفت بند دارد. هفت قلم مبارک کسانی است که قلم را پاس می دارند. صد البته که طی این مرحله‌ایی هم رهی خضر ممکن نیست سوی تردید این مسیر بر بلا همه امید مالول به لطف خدا و دم به یاری و کمک اساتید، صاحبان اندیشه و تفکر، اساتید زبر ده دلسوز و پاک اندیشان و بزرگان خواهد بود.

جایزه‌ای برای فرمانروایی محتوا!

داتیس خواجه‌نیان
مدیر گروه و مدیریت رسانه دانشگاه تهران

اتفاق مبارکی در روزنامه «هفت صبح» افتاد اتفاقی که قدرت محتوا را تمیین می کند و در دانشگاه تهران به آن «قلمرو پادشاهی و قرمانروایی محتوا» می گوییم. تمرکز مادر دانشگاه توزیع است. توزیع محتوایی با اهمیتی که تلاش می کنیم تا به سمع و نظر افراد بیشتری آن را برسانیم.

«هفت صبح» همواره این اهمیت گذاری در حوزه‌های مختلف، برای توزیع سرمایه گذاری می کند. چند رسانه‌ای اشاره به انطباق محتوا با سلیقه نسل جدید مخاطبان و اهمیت به توزیع است. ما مسعی می کنیم در این حوزه در کنار «هفت صبح» و دیگر رسانه‌ها باشیم. تمرکز ما بر این است که مخاطبان بیشتری مثل نسل زد بتوانند محتوا را به تناسب نیاز خودشان در قالب ویدئو لاک یا خبر آنلاین و کوتاه نوشت ها در دسترس داشته باشند. مشارکت ما در این جشنواره و رونمایی از جایزه مهم «هفت قلم» برای همین مهم است: تا بتوانیم بهترین نوشته ها را که مطابق با نسل جدید خوانندگان و مصرف کنندگان رسانه‌ای است را بشناسیم و مورد تشویق قرار دهیم. خوشحالم که کنار این مجموعه هستیم و می توانیم کنار مجموعه اثر گذار باشیم.

روشنی شمع پرفروغ رسانه‌های مکتوب

ایمان شمسایی
رئیس مرکز ارتباطات رسانه و امور فرهنگی مجلس

روزنامه «هفت صبح» از روزنامه‌هایی است که از سبک زندگی و امید گفته است. ارزو زمره‌ای گفته که روزمره نیست و از شرایطی کمی تولد نیز باشد. من از زمان معاونت مطبوعاتی، همیشه عاشق این سبک روزنامه‌نگاری بودم. فرم صفحه را آبی و سبک پرداختن به موضوعات در این روزنامه بسیار جذاب است. این روزنامه هم سعی کرده بنوبه خود چراغ رسانه‌های مکتوب را روشن نگه دارد.

این رسانه به معنی واقعی کلمه خصوصی است. همیشه می دانستیم این رسانه با همان میزان کافد در بافتی روزنامه منتشر می کند و این ستودنی است. ضمن اینکه باید از تیم قبلی تشکر کرد، امید دارم تیم جدید این شمع پرفروغ رسانه‌های مکتوب را همچنان زنده، پاینده و پر فروغ نگاه دارد و در سبد خرید خانوار مالز اش بدهد. باید گفت کم مردم از رسانه گریزان نیستند، تنها ذائقه‌هایشان عوض شده و به سمت دیگری کوچ کرده‌اند که ما باید با آن توجه کرد. این میراث مکتوب را باید حفظ کرد یکی از جاهایی که خیلی خوب در این زمینه تلاش می کند روزنامه «هفت صبح» است.

روزنامه‌نگار نشوید

محمد مهاجری
روزنامه نگار پیشکسوت

می گویند اگر دنیا می خواهید حتما روزنامه‌نگار نشوید، اگر به دنبال آخرت هستید هم حتما روزنامه‌نگار نشوید اما من گاهی دوست دارم کافندی جلو یم بگذارم و رویش چیزی بنویسم.

خودمانی جدی

مراسم تولد مان خودمانی بود، آنقدر که بعضی تصمیم گرفتند با لباس اسپرت و بزه تولد بیایند. پیشکسوتان ما برای تولد هم کت و شلوارهای خط انوداز شان را پوشیده بودند. همان نسلی که تولد شان به کعد مهم بدل می شد و حرفشان از جنس نقد و تحلیل زیر صدای آهنگ تولد گل می انداز د! بنجا هم میان صدای آگاردئون که آهنگ تولد می نواختند از گذشته و آینده مطبوعات می گفتند.

عکس یادگاری

به رسم تولدها، برای ماندگاری در حافظه‌مان، عکسی به یادگار گرفتیم. کنار پیشکسوتان و فعالان رسانه به آسمان نگاه کردیم به آینده درخشانی که به آن امیدوار بود از حمایت هم صنفی ها و بزرگان مطبوعات مطمئن خواهیم بود.

آقای نیکی دعوت شد، خانیکی آمد

مهمانان مراسم انیروی تازه نفسی که دوست دارد روزی خبرنگار باشد دعوت کرد! هادی خانیکی وقت سخنرانی سراغ نیروی تازه نفس مان را گرفت و گفت: «خانم جوانی زنگ زد و گفت آقای نیکی شما برای جشن تولد چهارده سالگی روزنامه دعوت هستید. به او گفتم من نیکی نیستم، خانیکی ام. ضرورتی هم ندارد که ما قدیمی ها را بشناسند».

مراسم رونمایی از پوستر «هفت قلم»

روزنامه «هفت صبح» در تلاشی برای ایجاد ارتباط مستمر با مراکز علمی و ایجاد اتفاقی در مرسوم برای اهالی رسانه از یک خداد فرهنگی - علمی رونمایی کرد در مراسم تولد چهارده سالگی، خبر از اهدای نشان «هفت قلم» داده شد. روزنامه با همکاری دانشگاه تهران نشان «هفت قلم» را در هفت حوزه رسانه اهدا خواهد کرد.

کیک تولد

کیک تولد بدون شمع بریده شد. کیکی که به یمن خون تازه در رگ های یک روزنامه، مقابل دیدگان بزرگان مطبوعات و پیشکسوتان بریده شد.

نوجوان قد علم کرده در دنیای رسانه

چهارده سالگی تا چند سال پیش او اخر نوجوانی و مرز سپیدن به جوانی بود. اما چندی پیش دانشمندان تصمیم گرفتند، نوجوانی را تا بیست سالگی کش دهند. همین تصمیمات دانشمندان باعث شد که ۱۴ سالگی «هفت صبح» میانه یک مسیر طولانی به نظر برسد. تا پیش از این خیال می کردیم، مسیر آزمون و خطا را گذراندیم و حالا شبیه یک جوان می توانیم قد علم کنیم. راستش را بخواهید، دیروز که جشن تولدمان را برگزار کردیم، مهمانان ما به همین خیال ما صحه گذاشتند. آنان گفتند که نوجوانی «هفت صبح» چیزی از جوانی کم ندارد. که از لحظه تولد تا کنون تمام آزمون و خطاهایمان سری از سرها جدا داشته است. گفتند «هفت صبح» از روز پا گذاشتنش به عرصه نشان داده که قرار است جریانی بسازد که در میان همه سیاسی نویس های مهم، متفاوت مهم باشد؛ و توانست.

در میانه راه مان جشن تولدی گرفتیم تا بار دیگر به خودمان یاد آوری کنیم که هر روز می تواند شروع دوباره‌ای باشد. شروعی برای جریان سازی و ایجاد تفاوت؛ که نشان دهیم اگر هنوز هستیم، چهارده سال دوام آوردیم، به رخوت و کندی نرسیدیم. با محبت نگاه مهمانان مان، با محبت نوجوانی مان دمید یم و با شور بیشتری ادامه خواهیم داد.

تیترهای پیشنهادی فردای چهارده سالگی

کامبیز نوروزی: «پوست کلفت»

اسدالله امرایی: «چهارده سال قره العینی»

مجید رضائیان: «روزنامه هفت صبح صبحانه آگاهی»

ماشاءالله شمس الواعظین: «چهارده سال هفت صبح»

عباس عبدی: «با هفت صبح شروع کنید، روزتان ۲۵ ساعت است»

محمد مهاجری: «چهارده سال سر ساعت هفت صبح شما را سر کار گذاشتیم»

درباره هم‌زیستی با حیوانات خانگی که بخشی از سبک زندگی شهری ایرانیان شده‌اند

رابطه‌ای از جنس بی‌قید و شرط

هزینه نگهداری حیوانات خانگی از مرزهای عادی گذشته و وارد قلمرو تجمل شده است

حدیث ملا حسینی
هفت صبح

ساعت حدود ۶ بعدازظهر است و نسیم عصرگاهی شروع به وزیدن می‌کند. عده‌ای با چهره‌های خسته و تکیده از محل کار به خانه برمی‌گردند. عده‌ای دیگر هم احتمالا با دوست یا محبوب خود تصمیم می‌گیرند که با پرسه زدن در خیابان‌ها لحظاتی را در کنار هم بگذرانند. در میان این رفت و آمدها، کسانی دیده می‌شوند که موجودات پشمالویی در اشکال و نژادهای مختلف نه شانه به شانه‌شان، بلکه پا به پایشان راه می‌رود. مدت‌هاست که دیدن چنین صحنه‌هایی در سطح شهر همچون دو-سه دهه پیش باعث تعجب و حیرت نمی‌شود. چرا که به نظر می‌رسد روز به روز بر تعداد آدم‌هایی که بنا به انتخاب یا اجبار شرایط زندگی، این موجودات پشمالو را به دوستی و همزیستی برگزیده‌اند افزوده می‌شود. این دوستی و هم‌زیستی با حیوانات خانگی در کنار جذابیت‌ها و ماجراجویی‌هایی که دارد، مثل هر پدیده دیگری در زندگی هزینه‌های قابل توجهی را به همراه خود دارد. اکنون در بسیاری از خیابان‌ها و محله‌های مختلف شهر پت شاپ‌های پرزرق و برق و مجهزی دیده می‌شوند که همه نیازهای یک حیوان خانگی را از انواع خوراکی‌ها گرفته تا اسباب‌بازی‌های متنوع و لباس‌های زمستانی و تابستانی تامین می‌کنند. با سرک کشیدن به داخل این مغازه‌های پرزرق و برق و رنگارنگ، می‌بینیم که یک پاکت دو کیلویی غذای رویال حدود ۴ میلیون تومان آب می‌خورد و در قبال یک کاپشن کلاهدار مخصوص سگ باید ۷۵۰ هزار تومان پول پرداخت کنید!

ماجرا فقط به اینجا ختم نمی‌شود و سر درازتری دارد. به این دلیل که غذاها و ملزومات این همدم‌های چهارپای آدمیزاد مدتیست که جای خود را به پلتفرم سفارش آنلاین غذا و کالا هم باز کرده‌اند. همه این‌ها حاکی از این است که حیوانات خانگی، با وجود گاردهای منفی‌ای که از جانب مجریان قانون و قشر سنتی جامعه نسبت به آن وجود دارد، بخشی از زندگی ما ایرانیان شده‌اند.

و اما آیا باید این موجودات چهارپای پشمالو را که همدم انسان شده‌اند را «مصرف کنندگان بی‌مصرف» تلقی کرد؟ در پس پشت همه این هزینه‌ها چه نیاز عاطفی و اجتماعی‌ای نهفته است؟ آیا حیوانات خانگی واسطه‌هایی هستند که هزینه‌های مادی را به سود عاطفی و اجتماعی تبدیل می‌کنند؟ این سوالات ما را به این واداشت که در ابتدا قیمت‌های عجیب و غریب غذاها و ملزومات حیوانات خانگی را بررسی کنیم و سپس به روایت چند سرپرست حیوان گوش فرا دهیم.

دنیای شگفت‌انگیز خدمات حیوانات خانگی: از غذای لوکس تا زیبایی‌های مدرن

از سر کنجکاوی یکی از پلتفرم‌های سفارش آنلاین غذا و قسمت مربوط به غذاها و ملزومات حیوانات خانگی را زیر و رو می‌کنیم. با دریای بی‌انتهایی از کالاها مواجه می‌شوید که ممکن است امواج آن شما را غرق کند. شاید هرگز در مخیله‌تان نمی‌گنجید که یک گربه خانگی می‌تواند از چنین امکانات متنوعی بهره‌مند شود. کالاهایی همچون توپ هوشمند شارژی سگ و گربه به قیمت ۶۹۰ تومان، غذای خشک مختص گربه‌های با گوارش و پوست حساس به قیمت ۴ میلیون تومان، کیف حمل فضایی لوکس به قیمت ۱ میلیون و ۳۳۰ تومان، زنجیر کارتیه طلایی به قیمت ۷۴۷ تومان، غذای خشک سگ بالغ رویال کنین ۳ کیلویی به قیمت ۶ میلیون و ۶۰۰ تومان و... در گوشه دیگری از این دریای بی‌انتها، ناگهان با پدیده دیگری روبه‌رو می‌شویم که شاید غافلگیرمان کند؛ و آن این است که حیوانات هم مثل آدم‌ها می‌توانند موهایشان را مدل‌دار کوتاه کنند و حتی از خدمات زیبایی مثل رنگ کردن مو هم بهره بگیرند. هزینه رنگ مو از ۷۰۰ هزار تومان و هزینه اصلاح هم از ۶۵۰ هزار تومان شروع می‌شود که بسته به خوش‌اخلاقی یا بداخلاقی حیوان متغیر است! با غوطه‌ور شدن در این دریا، به لیستی از جالب توجه‌ترین کالاها و خدمات رسیدیم:

توپ رباتیک فراری طرح موش پشمالو	۷۵۵ هزار تومان
ظرف غذا دوقلوی پاپیونی	۶۶۰ هزار تومان
ست مسواک و خمیر دندان با طعم مرغ مخصوص سگ	۴۷۵ هزار تومان
قمقمه آب مسافرتی پمپی	۲۶۶ هزار تومان
قلاده آلمانی، مدل دستمال گردن	۳۲۰ هزار تومان
لباس مستر کاپالو	۸۶۰ هزار تومان

دریافت عشق بی‌قید و شرط و درمان تنهایی یک پزشک

مردی حدودا پنجاه ساله پس یک روز طولانی کاری، در حالی که بر روی مبل دراز کشیده و لبخند رضایت بر لب دارد، سگ کوچک قهوه‌ای رنگش را در آغوش می‌گیرد و نوازش می‌کند. سگ با حرکاتی بازیگوشانه در آغوش او می‌جنبد؛ گویی به زبان خودش در حال احوالپرسی کردن با اوست. «فرزاد» سال‌هاست به همراه تنها دخترش زندگی می‌کند و نزدیک به دو سال از ورود «بابی» سگ خانگی‌شان به این خانواده دو نفره می‌گذرد. او طی این مدت آنچنان دلباخته این موجود شده که او را بچه دوم و پسرش خطاب می‌کند و از حضور این حیوان در زندگی‌اش احساس شادی و سرمستی می‌کند. فرزاد درباره انگیزه‌ای که باعث شد بابی را در خانه بپذیرند گفت: «دخترم به دلیل یک تک فرزند بودن همیشه یک خلأیی را احساس می‌کرد. حالا با اطمینان می‌توانم بگویم که به عنوان یک خواهر یا برادر و یک همدم به سگمان نگاه می‌کند. او همیشه دوست داشت که یک موجودی کنارش باشد که بتواند نوازشش کند و چون از داشتن خواهر و برادر محروم بود، سگ برایش یک آرزو بود». فرزاد حیوان خانگی را یک موسیقی دل‌انگیز و لطیف همیشگی می‌داند که مانند انسانی که اشرف مخلوقات قلمداد می‌شود، دمدمی مزاج و غیرقابل پیش‌بینی نیست و دقیقا همین خصوصیت آن‌هاست که این چنین عزیز و ارزشمندشان کرده است. او در میان حرف‌هایش، با حرارت زیادی درباره محبت بی‌چشم‌داشتی که همواره از جانب حیوانش دریافت می‌کند، سخن می‌گوید. به طوری که روزی را به‌خاطر می‌آورد که بابی به علت ضعف بیماری آنژیوکد در دستش بود و با این حال، دوان دوان به سمت در خانه آمده، با عشق به او نگاه می‌کرده و برایش دم تکان می‌داده. فرزاد می‌گوید که همه هزینه‌های حیوان خانگی‌اش را با علاقه قبول کرده است؛ چرا که در ازای آن پول‌هایی که خرج می‌کند، عشق، سرگرمی و حال خوبی را دریافت می‌کند که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست: «وقتی به حیوان خانگی بخشندگی می‌کنید، او هم به شما عشق بی‌قید و شرط می‌ورزد». «سعید» پزشک ۴۵ ساله‌ای است که به گفته خودش سال‌هاست با زندگی مجردی و تنها زیستن خو گرفته. اما اکنون مدتی است که با آمدن گربه‌اش «لئو» توانسته اوقات تنهایی خود را پر کند و به او به عنوان یک همدم و همراه نگاه کند و در کنارش لحظات زندگی را سپری کند. او یکی از اتاق‌های خانه‌اش را به لئو اختصاص داده و همه وسایلش را در همان جا چیده است. سعید ارتباط با لئو را از جهاتی به ارتباط با انسان‌ها ترجیح می‌دهد؛ به این دلیل که چنین رابطه‌ای از بسیاری از دردسرها و مشکلات به دور و مدیریت آن به مراتب راحت‌تر است: «انسان‌ها خیلی پیچیده هستند و انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای دارند که ممکن است نتوانم برآورده کنم. گاهی هم توقعات بجا و درستی دارند، اما به دلیل خصوصیات شخصیتی و موقعیت شغلی‌ام برآورده کردنش برای من امکان‌پذیر نیست... مثلا این توقع وجود دارد که دائم وقتم را در اختیارشان بگذارم و خیلی از اولویت‌هایم را به فراموشی بسپارم که خب چنین چیزی نمی‌شود».

شاید سعید هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد که روزی به قدری دلبسته این گربه پشمالو شود که در همه حال نیازهای او را مقدم بر نیازهای خود قرار دهد؛ حتی اگر مجبور باشد که از هزینه‌های زندگی شخصی‌اش کم کند: «یک زمانی دندانش آبسه کرد و سنگ کلیه گرفت که جراحیش حدود ۲۰ میلیون تومان شد. این‌ها اتفاقات غیرمترقبه است، اما همواره باید برای آن‌ها آماده بود».

گربه‌های خانگی، احساس مادرانه و معلم زندگی

نامش «شاتوت» است. گربه سفیدی که حدود چهار سال پیش وارد زندگی زن جوانی به نام «لیدا» و همسرش شد و توانست با گذشت زمان کمی جای خود را در قلب آن‌ها باز کند. لیدا زمانی که شاتوت را به سرپرستی گرفت از کرده خود پشیمان شد. اما پس از چند صباحی این گربه آرامشی را برایش به ارمغان آورد که از جانش برایش عزیزتر شد. او از یک احساس مسئولیت خوشایند و حس مادرانه‌ای صحبت می‌کند که او را بی‌نیاز از حضور یک فرزند در زندگی‌اش کرده است: «نیازی به این نمی‌بینم که بچه‌ای در خانه ما باشد، چرا که در کنار شاتوت حس مادر بودن در وجودم دارد بروز می‌کند. اصلا کمبودی در این رابطه احساس نمی‌کنم؛ چون مثل یک بچه‌ای است که هر روز به امید او به خانه می‌آیم و این به من خیلی آرامش می‌دهد». از نظر لیدا شاتوت احتیاجات زیادی ندارد و نیازی نیست که آن میزان ایثار و فداکاری که یک مادر در قبال فرزندش می‌کند را داشته باشد. این همان ویژگی مطلوب و ایده‌آل گربه سفید قصه ماست که باعث شده او از همه نظر داشتن حیوان خانگی را بر فرزند ترجیح دهد؛ چرا که بدون آن که بار سنگینی را بر دوش خود حمل کند می‌تواند به همه امورات زندگی خود به راحتی رسیدگی کند.

هزینه نگهداری از شاتوت ماهیانه بیش از دو میلیون تومان می‌شود. این مبلغ روز به روز در حال افزایش است و لیدا کاملا بر این مسئله آگاه است. اما او حیوان خانگی‌اش را عضوی از خانواده می‌داند که یک آرامش دو طرفه را در کنار هم احساس می‌کنند. «علی» با لحن شوخی که کمی رنگ جدیت دارد، می‌گوید که اگر روزی روزگاری دعواهای زناشویی بخواهد اوج بگیرد، حاضر است سهام شرکت و تمام اموالش را ببخشد تا بتواند حیوان خانگی‌اش را حفظ کند. «هوراشیو» که نامش برگرفته از یک شخصیت خیالی در نمایش‌نامه «هملت» شکسپیر است، گربه مخملی و طوسی رنگیست که با نگاه نافذ و حرکات بامزه‌اش مهرش را در دل علی و همسرش انداخت. این علاقه قلبی تا جایی پیش رفته که چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی مالی، یک کارت بانکی را به هزینه‌های هوراشیو اختصاص داده‌اند. از نظر او رابطه انسان با حیوان خانگی، رابطه صرف غذا دادن و نگهداری نیست. بلکه بسیار فراتر از این‌ها است: «احساس می‌کنم عشق و انرژی بی‌دریغی که از هوراشیو می‌گیرم خیلی بیشتر از آدم‌های اطرافم و دوستانی است که در این سال‌ها داشتم. هوراشیو احساس غم و اندوه را از آدم دور می‌کند. او یکی از معلم‌های مهم زندگی من است، چه در عرصه فلسفی و چه در زیست روزمره... همنشینی با هوراشیو باعث شده که نگاه من به طبیعت تغییر کند و در قبال آن مسئولانه‌تر عمل کنم».

القای حس نشاط یا تجمل گرایی؟

«بی‌تا مدنی» جامعه‌شناس، نگهداری از حیوانات خانگی را یکی از نشانه‌های قدرت انتخابگری افراد در تعیین مؤلفه‌های سبک زندگیشان می‌داند. آدم‌ها در دنیای مدرن امروز احساس تنهایی می‌کنند و در عین حال ارتباط با انسان‌ها که مستلزم صرف هزینه‌های مالی، جنسی، عاطفی و اجتماعی بالایی است در حوصله‌شان نمی‌گنجد. به همین دلیل از مهر و محبت حیوانات بهره می‌گیرند تا مبادا در مقابل دشواری‌ها و پیچیدگی‌های ارتباطات انسانی دچار شکست و سرخوردگی شوند. با وجود زحمات و محدودیت‌های مراقبت از حیوان خانگی، نوعی حس نشاط و شادمانی به انسان بیگانه و منزوی در زندگی روزمره می‌دهد. این مسئله به خصوص در سالمندانی که دچار سندرم آشیانه خالی یا empty nest هستند، می‌تواند تاثیرات مثبتی بر بهبود سبک زندگی آنها بگذارد. از طرف دیگر «پوریا گل‌محمدی» جامعه‌شناس معتقد است که نگهداری از حیوانات خانگی این روزها جزو تجملات زندگی آدم‌ها شده و به یک نوعی متاثر از تقلید آدم‌ها از یکدیگر و چشم و هم چشمی است.

او معتقد است که در گذشته حیوانات برای انسان جنبه کاربردی داشتند، مثل گوسفند، گاو، سگ، مرغ و خروس و... اما این روزها مردم حیوانی را که می‌آورند چندان جنبه کاربردی ندارد و بیشتر بعد نمایشی و فانتزی آن مدنظر است. این اقدام به یک نوعی محدود کردن حیوان به حساب می‌آید و در این رابطه چیزی که برایمان خوشایند و ارضا کننده به حساب می‌آید، مطیع بودن حیوان است. او در این باره می‌گوید: «در رابطه انسان با انسان هم به همین شکل است. همسری خوب است که مطیع باشد، فرزندی خوب است که مطیع باشد و... ما این میل را داریم که در روابطمان این حالت را تعمیم دهیم». بدون شک نگهداری از حیوانات خانگی دلایل و ابعاد مختلفی دارد و تک عاملی نیست؛ اما آنچه این روزها به چشم می‌آید جنبه تجمل گرایی آن است.

ذره بین

ضرب‌الاجل برای رسیدگی به آسیب‌ها

دولت چطور می‌تواند به حل چالش‌های اجتماعی کمک کند؟

علیرضا شریفی یزدی
روانشناس اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی نیاز به برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت دارند و نمی‌توان انتظار داشت که با برنامه‌های کوتاه‌مدت به نتایج مطلوب دست یابیم. هر دولتی که سر کار می‌آید، با توجه به امکانات و منابعی که در اختیار دارد، می‌تواند برنامه‌هایی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی طراحی کند. نتایج این برنامه‌ها ممکن است با یک فاصله زمانی مشخص در جامعه خود را نشان دهند، اما مهم این است که این برنامه‌ها به‌طور مستمر و با جدیت اجرا شوند.

اگر این برنامه‌ها به درستی پیاده‌سازی نشوند، قطعاً با مشکلات بیشتری در آینده مواجه خواهیم شد. در این زمینه، نهادهای حکومتی و دستگاه‌های مختلف باید به‌طور هماهنگ و یکپارچه عمل کنند. قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه باید در این زمینه همکاری داشته باشند و به اولویت‌های مهم توجه کنند.

یکی از این اولویت‌ها، مسئله فروپاشی خانواده و طلاق است که به دو شکل طلاق رسمی و طلاق عاطفی وجود دارد. فروپاشی خانواده می‌تواند تأثیرات عمیق و منفی بر روی جامعه داشته باشد و به افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شود. بنابراین، باید برنامه‌های مؤثری برای حمایت از خانواده‌ها و پیشگیری از طلاق طراحی و اجرا شود.

این برنامه‌ها باید شامل مشاوره‌های خانوادگی، آموزش مهارت‌های زندگی و ایجاد فضاهای حمایتی برای خانواده‌ها باشد. توجه به این مسائل و برنامه‌ریزی برای آنها می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی و کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق و فروپاشی خانواده کمک کند. مسئله فروپاشی خانواده و طلاق، به‌ویژه در دو وجه طلاق رسمی و طلاق عاطفی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی است که نیاز به برنامه‌ریزی و اقدام فوری دارد. دولت باید برای این موضوع یک برنامه مشخص و ضرب‌الاجل تعیین کند تا بتواند به‌طور مؤثر به این معضل رسیدگی کند.

موضوع اعتیاد نیز یکی از آسیب‌های جدی است که بخش بزرگی از جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. الگوهای مصرف به‌طور مداوم در حال تغییر هستند. کاهش سن مصرف‌کنندگان و ورود مواد مخدر به مدارس، نشان‌دهنده نیاز به برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی مؤثر است. این موضوع باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها طراحی شود.

آسیب بیکاری نیز یکی از مسائل اساسی است که می‌تواند به مشکلات اجتماعی و اقتصادی دیگر منجر شود. بیکاری نه تنها به کاهش درآمد و کیفیت زندگی افراد منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت و فروپاشی خانواده نیز دامن بزند. بنابراین، دولت باید برنامه‌های مؤثری برای ایجاد اشتغال و حمایت از کارآفرینی طراحی کند.

علاوه بر این، مسائل دیگری مانند خشونت درون خانواده و خشونت‌های اجتماعی نیز باید در اولویت قرار گیرند. این موضوعات نیاز به توجه و برنامه‌ریزی دارند تا بتوانیم به بهبود وضعیت اجتماعی و کاهش آسیب‌های ناشی از آنها کمک کنیم. در نهایت، یک رویکرد جامع و هماهنگ از سوی دولت و نهادهای مختلف می‌تواند به حل این چالش‌ها کمک کند و به ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و پایدارتر منجر شود.

مسائل اجتماعی مانند خشونت درون خانواده و خشونت‌های اجتماعی، به‌ویژه در شرایط کنونی، نیاز به توجه و برنامه‌ریزی دارند. همچنین، اختلاف طبقاتی و وضعیت نامناسب ضریب جینی در جامعه ما، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده است. لاغر شدن طبقه متوسط و افزایش تعداد افرادی که به قشر فرودست جامعه می‌پیوندند، می‌تواند به بروز انواع آسیب‌های اجتماعی منجر شود.

نقل قول

ساختمان‌های ناایمن پایتخت شناسنامه‌دار می‌شود

علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب تهران: ساختمان‌های ناایمن پایتخت شناسنامه‌دار خواهند شد. این شناسنامه‌ها شامل جزئیات کاملی از وضعیت ایمنی، متراژ، تعداد ساکنین و اقدامات انجام شده برای ایمن‌سازی خواهد بود. از ۱۲۹ ساختمان بحرانی شناسایی شده، تنها ۶۰ مورد باقی مانده و ایمن‌سازی این موارد با اولویت ویژه در حال پیگیری است. سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران مسئول پیگیری وضعیت ساختمان‌های دولتی با مشکلات ایمنی و ارائه لیست آنها به دادستانی برای اقدامات بعدی است. با توجه به نقش محوری شهرداری در امر ایمن‌سازی، اهتمام ویژه شهرداران مناطق و همکاری کامل آنها با سازمان پیشگیری و مدیریت بحران، سازمان آتش‌نشانی و دادستانی تهران صورت گیرد.

همراه با تحریریه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید

7SOBH.COM

شناسه آگهی : ۱۹۱۳۲۹۹

آگهی تجدید ارزیابی کیفی
به شماره ۸۱۴/۰۱/۹۲۸۱ – نوبت دوم

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه خراسان رضوی

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه خراسان رضوی
موضوع مناقصه : برگزاری تجدیدمناقصه تجهیز تاسیسات /اماکن به سامانه حفاظت الکترونیک
تاریخ،مهلت ونشانی محل دریافت و تحویل استعلام ارزیابی: دارندگان گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر ، صادره از اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و نیز شرکت های دارای مجوز فعالیت از سازمان محترم مرکزی حراست وزارت نفت می توانند جهت دریافت فرم استعلام ارزیابی کیفی از تاریخ انتشار دومین نوبت آگهی (۱۴۰۴/۰۲/۰۶) به آدرس : درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir مراجعه نمایند . لازم بذکر است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، می بایست مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . ضمنا " جهت کسب اطلاعات بیشتر با سامانه ستاد برای انجام مراحل عضویت با شماره ۴۱۹۳۴ – ۰۲۱ تماس حاصل فرمایند .
نوع مناقصه : ارزیابی کیفی دو مرحله ای
مبلغ برآورد مناقصه : ۹۱/۵۴۱/۶۵۰/۰۰۰ ریال.
مبلغ نضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۴/۵۷۷/۰۸۲/۵۰۰ ریال
نوع نضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: شامل ضمانت نامه بانکی و سایر موارد مطابق مفاد ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ که مدت اعتبار آن سه ماهه و این مدت حداکثر برای یک نوبت برابر مدت پیش بینی شده قابل تمدید می باشد.
مدت اجرای کار : توسط دستگاه برگزارکننده مناقصه تعیین می گردد.
مهلت دریافت اسناد مناقصه : مناقصه گران صرفاً بایستی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و نسبت به دانلود اسناد اقدام نمایند.(در صورت دریافت اسناد و مدارک مناقصه از سایر منابع، امکان شرکت در مناقصه و بارگذاری پاکتها میسر نمی باشد)
امکان دریافت(دانلود) اسناد ارزیابی : از تاریخ چاپ دومین نوبت آگهی(۱۴۰۴/۰۲/۰۶) لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ساعت ۱۶
مهلت تحویل پیشنهادها (اپلود اسناد): پیشنهاد ها (اسناد ارزیابی از تاریخ (۱۴۰۴/۰۲/۱۵)) لغایت روزدوشنبه مورخ ۱۴۰۴۳/۰۲/۲۹ ساعت ۱۶ عصر از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) توسط مناقصه گر بارگزاری گردد.
جلسه توضیح و تشریح اسناد: متعاقباً از آن دسته مناقصه گران حائز حداقل ۶۰ امتیاز کیفی به صورت کتبی دعوت به عمل خواهد آمد.
ضمناً با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع مناقصه ارزیابی کیفی کلیه مناقصه گران با هماهنگی واحد محترم حراست منطقه و در صورت نیاز توسط فنی بازرگانی منطقه خراسان رضوی انجام و در صورت احراز حداقل امتیاز کیفی (۶۰ امتیاز کیفی) هریک از مناقصه گران سپس اقدامات بعدی بر اساس سامانه ستاد انجام خواهد پذیرفت.
محل اجرای کار: مشهد مقدس و حومه عملیاتی منطقه
آدرس سایت:
www.setadiran.ir
www.iets.mporg.ir

شرایط عمومی متقاضی :
۱ – ارائه تصویر گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی .
۲ - دارا بودن مجوز فعالیت (تاییدیه) در رابطه با موضوع مناقصه از سازمان محترم مرکزی حراست وزارت نفت
۳–ارائه تصویر آگهی ثبتی (تاسیس شرکت).
۴-ارائه تصویر آگهی ثبتی آخرین تغییرات شرکت.
۵ – ارائه تصویر اساسنامه شرکت ممهور به مهر و امضاء مجاز .
۶ – تمامی مستندات اعلام شده در بندهای (۱ الی ۴) می بایست بصورت برابر با اصل (محضری) باشد .
۷ – حد نصاب تعداد شرکت کنندگان در اولین تجدید مناقصه حداقل با حضور ۲ مناقصه گر می باشد .
۸- درج امضای الکترونیکی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه تاد) به هنگام بارگذاری اسناد الزامی می باشد.
دستگاه مناقصه گزار با توجه به معیارهای ذکر شده در فرم های تحویلی و مدارک دریافت شده نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران اقدام و بر اساس سامانه ستاد اقدامات مقتضی بعمل می آورد.
شماره ثبت مناقصه در سامانه ستاد : ۲۰۰۴۰۹۱۷۸۱۰۰۰۰۰۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶
روابط عمومی منطقه خراسان رضوی
۶۱

شناسه آگهی : ۱۹۱۵۷۵۱ نوبت دوم

ارزیابی کیفی برای انتخاب مشاور (QBS)

شرکت عمران شهر جدید تیس

شرکت عمران شهر جدید تیس در نظر دارد فراخوان **بازنگری طرح جامع شهر جدید تیس به شماره (سیستمی) ۲۰۰۴۰۹۳۲۶۷۰۰۰۰۰۳** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
مدارک صلاحیت و گواهی‌نامه‌های لازم:
* **مشاور اصلی (یکی از موارد زیر):**
- گواهینامه صلاحیت مشاور با پایه ۱ در تخصص شهرسازی و همزمان داشتن پایه ۱ یا ۲ یا ۳ تخصص های برنامه ریزی فضایی و طراحی شهری
* **مشاور همکار:**
- مشاور همکار بندرسازی و سازه‌های دریایی: گواهینامه صلاحیت مشاور معتبر با پایه ۱ در تخصص بندرسازی و سازه‌های دریایی و داشتن ظرفیت مجاز در تخصص‌های پیش گفته.
از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نیز ظرفیت آزاد می‌باشند (با ارایه گواهی‌نامه صلاحیت و اظهارنامه ظرفیت آماده به کار مشاور)، می‌توانند نسبت به ثبت مدارک اقدام نمایند.
معیارهای ارزیابی و امتیاز آنها : معیارهای ارزیابی ، وزن و روش محاسبه امتیازهای مربوطه، مطابق فرم پیوست می‌باشد.
حداقل امتیاز ارزیابی کیفی قابل قبول: ۷۰ (هفتاد) امتیاز جهت پروژه می‌باشد .
تبصره : کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه و گشایش پاکت ها از طریق سامانه ستاد (www.setadiran.ir) انجام می شود. لازم است متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ ساعت ۱۲:۰۰
- مهلت دریافت اسناد فراخوان/استعلام: روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ ساعت ۱۴:۰۰
- مهلت ارسال پاسخ فراخوان/ استعلام: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ ساعت ۱۰:۰۰
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : استان سیستان و بلوچستان- شهرستان چابهار- منطقه آزاد چابهار- جنب انبار D و بهداشت- شرکت عمران شهر جدید تیس - شماره تماس : ۰۹۴۲۶۰۰۱۲۳۵-۰۹۳۸۲۴۰۹۷۶۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ م الف ۱۸۱۶
۶۴

خرده حادثه

قتل همسر سابق در کارگاه خیاطی

مردی با مراجعه به یک کارگاه خیاطی در گلستان، همسر سابق خود را به قتل رساند. فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان در تشریح این خبر گفت:« ظهر ۴ اردیبهشت در جریان یک درگیری خانوادگی، مردی ۵۱ساله با مراجعه به یک کارگاه خیاطی در گلستان، همسر سابق خود را با سلاح سرد به قتل رساند و مالک کارگاه را نیز مجروح کرد.متهم بلافاصله پس از ارتکاب جرم، اقدام به خودزنی نافرجام کرد که با حضور سریع مأموران پلیس، وی به همراه مالک مجروح کارگاه برای مداوا به بیمارستان امام حسین(ع) منتقل شد و تحت نظر قرار گرفت.» تحقیقات تکمیلی درباره این پرونده در حال انجام است. این اقدامات می تواند از وقوع حوادث تلخ مانند این حادثه پیشگیری کند.

غرق شدن سه نوجوان در استخر کشاورزی

مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان شمالی از وقوع حادثه‌ای ناگوار خبر داد که طی آن، ۳ نوجوان اهل روستای تکل کوه جان خود را از دست دادند. این نوجوانان برای شنا وارد استخر کشاورزی در منطقه بهکده رضوی شده بودند. ابوالفضل محبان، اعلام کرد: رأس ساعت ۱۴:۰۶، تماسی با مرکز کنترل و هماهنگی عملیات (EOC) جمعیت هلال احمر خراسان شمالی برقرار شد. طبق این تماس، گزارش غرق شدن سه نوجوان در استخر کشاورزی واقع در بهکده رضوی از توابع شهرستان سملقان ارائه شد. محبان توضیح داد که این ۳ نوجوان در رده سنی ۱۵ و ۱۶ ساله، به قصد شنا وارد این استخر کشاورزی شده بودند. متأسفانه، یکی از این افراد در داخل استخر غرق شده و جان خود را از دست داد. همچنین، با وجود تلاش‌های امدادگران هلال احمر، دو نفر دیگر نیز در خارج از استخر تسلیم این حادثه تلخ شدند.

علت فوت ۶ نفر در خانه روستایی ارومیه

چند روز قبل در اتفاقی حیرت‌انگیز، جسد ۶ نفر در یکی از باغ‌ویلاهای اطراف ارومیه پس از دو روز کشف شد؛ آن هم در شرایطی عجیب و بی‌سابقه. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هر ۶ نفر در یک لحظه جان خود را از دست داده‌اند، بدون هیچ نشانه‌ای از گازگرفتگی، مسمومیت یا درگیری فیزیکی.نکته جالب‌توجه اینجاست که وضعیت اجساد گویای آن است که قربانیان در حال انجام کارهای روزمره خود بوده‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از آنها در آشپزخانه ایستاده بود و بشقاب از دستش رها شده است.

بعد از انجام بررسی‌های لازم رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی در مورد علت این حادثه دلخراش گفت:پس از کالبدگشایی و بررسی‌های اولیه پزشکی علت فوت ۶ نفر در خانه روستایی ارومیه در چند روز گذشته گاز گرفتگی با منواکسید کربن اعلام شده است.هیچ علائمی از درگیری هم در اجساد و هم در محل مسکونی اتفاق نیفتاده است.دلایل و مدارکی که نشان دهد که موضوع جنایی است، فعلا کشف نشده . برخی افراد رابطه خویشاوندی نزدیکی داشتند.

قتل دختر ناخن کار اسلامشهری به دست پدر به دلیل اطلاع از خیانت

پشت پرده ویدئوی فرزندکشی در اسلامشهر

برادر مقتول: خواهرم می‌خواست با پدرم گفت‌وگو کند ولی فکر نمی‌کرد پدرم قصد حمله به او را داشته باشد

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر سرویس حوادث

انتشار فیلم لحظه قتل دختر ۲۰ساله اسلامشهری به نام فاطمه سلطانی به دست پدرش در روزهای اخیر، سر و صدای زیادی در فضای مجازی به پا کرده است.در حالی که عواطف عمومی جریحه‌دار شده اما ماجرا از گزند شایعات نیز در امان نمانده است. ماجرا از چند روز قبل با انتشار خبر قتل فاطمه به دست پدرش آغاز شد اما بعد از آن انگیزه‌های مختلفی برای این اقدام پدر فاطمه بیان شد. در ادامه این گزارش حقیقت ماجرا را در گفت‌وگوی برادر فاطمه با خبرنگار روزنامه هفت‌صبح بخوانید.

پدرم شکاک بود

خانواده فاطمه این روزها حال خیلی بدی دارند. اولین شوک روحی به آنها را قتل هولناک دختر زیبای خانواده وارد کرد و شوک فجیع دوم با انتشار کلیپ لحظه جنایت به آنها وارد شد. برادر فاطمه در گفت‌وگو با خبرنگار هفت‌صبح در ابتدای صحبت خود می‌گوید:«پدر من مرد شکاکی بود.او دست بزن داشت و از زمانی که به یاد دارم با ما بد اخلاقی و بد دهانی و پرخاشگری می‌کرد.او اعتیاد داشت و در یک شرکت کار می‌کرد.سال‌ها قبل وقتی هفت ساله بودم یک روز به خانه آمدم و مادرم در خانه نبود.تا شب مقابل خانه نشستم تا یکی از همسایه‌ها به دادم رسید.آن روز اولین باری بود که مادرم از خانه قهر کرده بود و بارها اقدام به جدایی کرد.پرونده‌های زیادی برای جدایی آنها و شکایت‌های مادرم وجود دارد اما در نهایت به خاطر وجود من و خواهرم، مادرم هر بار به زندگی برگشت اما آزار و اذیت‌های پدرم کم نمی‌شد.» برادر فاطمه در ادامه گفت:«او حتی بارها روی ما هم دست بلند کرده بود، حتی وقتی کودک بودیم به بهانه‌های مختلف ما را کتک زده بود.چند سال قبل هم با سگ کمربند به صورت مادرم ضربه محکمی زد.این بار مادرم برای برگشت به زندگی حق طلاق را گرفت و پدرم خانه‌مان را هم به نام مادرم زد.مادرم می‌خواست سایه پدر بالای سر من و خواهرم باشد و به زندگی ادامه داد و طاقت آورد.» به گفته برادر فاطمه اما این اواخر توهین‌های پدرش به مادرش بیشتر شده بود:«او به مادرم تهمت می‌زد و فاطمه متوجه شده بود که پدرم به مادرمان خیانت می‌کند.وقتی فاطمه این موضوع را برایم تعریف کرد، من به پدرم اعتراض کردم و او من را از خانه بیرون انداخت و گفت به خانه برگردی می‌کشمت.قبل از این هم سه بار من را مورد اصابت ضربات چاقو قرار داد.»

انگیزه قتل چه بود؟

برادر فاطمه در مورد آنچه باعث شد پدرشان اینطور فجیعانه به فاطمه حمله کند، می‌گوید:«فاطمه موضوع خیانت پدرم را دیده بوده و به مادرم گفته بود.همین موضوع و بددهانی‌های پدرم باعث شد بار دیگر مادرم برای جدایی مصمم شود، چون حق طلاق هم داشت.برای همین من و مادرم و فاطمه چهار پنج روزی بود که به خانه دایی‌ام رفته بودیم. در تمام این روزها من خواهرم را به آرایشگاه محل کارش می‌رساندم.او سه سالی می‌شد که ناخن‌کار بود. مادرم هم سال‌ها کار آرایشگری کرده بود.روز حادثه فاطمه با دایی‌ام به محل کارش رفت و چند دقیقه بعد به مادرم زنگ زد و گفت پدرمان با ماشینش جلوی در آرایشگاه آمده است.وقتی مادرم موضوع را به من گفت، سریع با موتور خودم را به محل رساندم اما کار از کار گذشته بود و آمبولانس جلوی در بود. خواهرم را دیدم که روی تخت آمبولانس غرق در خون افتاده بود و گردنش تکه‌تکه بود؛ انگار سرش نصفه جدا شده بود. هنوز بدنش تکان می‌خورد اما روی دستان خودم جان داد.» برادر فاطمه در ادامه می‌گوید:«بعدا فهمیدم فاطمه به مادرم گفته بود برای صحبت با پدرم به داخل ماشینش می‌رود.گفته بود می‌خواهد با پدرم گفت‌وگو کند و از او بخواهد که دست از آزار ما بردارد و برای درمان روانش به پزشک مراجعه کند اما همین که داخل ماشین نشست، پدرم به او با چاقو حمله کرده بود.»

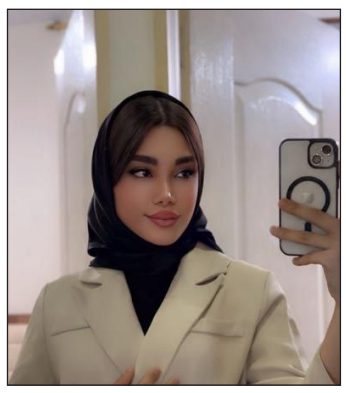

برادر مقتول در مورد مواجهه با پدرش بعد از قتل می‌گوید:«وقتی فهمیدم فاطمه تمام کرد، سراغ پدرم را گرفتم و متوجه شدم خودش را به کلانتری معرفی کرده است.خیلی سریع به کلانتری رفتم.پدرم را دیدم که دستانش خونی بود و سیگار می‌کشید.مامور گفت نباید در کلانتری سیگار بکشی که گفت نمی‌توانم نکشم، چون دخترم را کشته‌ام. این را گفت و خونسرد نشسته بود. نگذاشتند به او نزدیک شوم اما در همان مواجهه با من هیچ ابراز پشیمانی نکرد.»

از عامل انتشار فیلم شکایت می‌کنیم

برادر فاطمه در مورد انتشار فیلم می‌گوید:«از عامل انتشار فیلم شکایت می‌کنیم.من وقتی فیلم را دیدم همان دو ثانیه اول که پخش شد، بیهوش شدم. نه‌تنها من که خیلی از دوستان‌مان هم همین حال را داشتند.» برادر فاطمه از شایعات هم گله دارد:«شایعه شده بود فاطمه می‌خواست زندگی مستقل تشکیل دهد و پدرم به خاطر مخالفت با کارش او را به قتل رساند که چنین چیزی درست نیست.فاطمه من را دارد و من به عنوان برادر بزرگترش همیشه کنارش بودم و با هم کار می‌کردیم و زندگی‌مان را می‌گذراندیم.فاطمه سه سال بود کار می‌کرد اما خشم پدرم از او به خاطر این بود که او موضوع خیانتش را به مادرم گفته و پشتیبان مادرم بود.» برادر مقتول در آخر می‌گوید:«هرچند فرزندکشی‌های زیادی تا به حال رخ داده و مطابق قانون پدر به خاطر قتل فرزندش قصاص نمی‌شود؛ اما هیچ کدام از موارد قبلی اینقدر فجیع و در ملأعام نبوده. مادرم تقاضای اشد مجازات دارد و دلمان می‌خواهد پدرم قصاص شود.»

متهم به تجاوز در دارآباد برای دومین بار به اعدام محکوم شد

دی ان ای گویای جنایت بود

متهم در دادگاه: فکر کردم این زن سارق گوشی من است و او را بازرسی بدنی کردم

اواسط سال ۱۴۰۲ دختر جوانی با مراجعه به پلیس شکایت خود را با موضوع تجاوز ثبت کرد. او که به شدت آشفته بود، گفت: مردی موتورسوار در بزرگراه صیاد شیرازی من را ربود و بعد از انتقال به محل خلوتی در حوالی دارآباد؛ مورد آزار و اذیت قرار داد. بلافاصله تیم‌های تحقیقاتی آغاز به کار کردند و دختر به پزشکی‌قانونی معرفی شد. بعد از انجام معاینات، پرونده برای بررسی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری استان تهران رفت. دختر جوان در صحبت‌هایش به قضات گفت: در مسیر محل کار کنار بزرگراه داشتم راه می‌رفتم که مردی موتور سوار جلویم را گرفت. او مرا به‌زور سوار موتور کرد و راه افتاد. اطراف دارآباد بودیم که من را از موتور پیاده و با چاقو تهدیدم کرد و مورد آزار و اذیت قرار داد و رفت. قضات دستور بررسی دوربین‌های مداربسته منطقه‌ای که دختر مدعی بود موتورسوار، او را آنجا دزدیده است، صادر کردند. در این میان، پزشکی‌قانونی اعلام کرد از طریق آزمایش دی‌ان‌ای موفق شدند دی‌ان‌ای مردی را از روی بدن دختر جوان پیدا کنند و تایید کردند او مورد آزار قرار گرفته است اما آثار دیگری روی بدن دختر نبود. با بررسی دوربین‌های مداربسته، مرد جوان که فرهاد نام داشت، شناسایی و بازداشت شد. گزارش دوربین‌های مداربسته تایید می‌کرد دختر کشان‌کشان روی موتورسیکلت برده و بعد مرد راننده دور شده است. به این ترتیب، فرهاد مورد بازجویی قرار گرفت. او گفت: من تجاوز نکردم. هرچند قبول دارم که با این دختر رابطه داشتم. ضمن اینکه من چاقویی برای تهدید نداشتم و پیچ‌گوشتی دستم بود. این دختر دروغ می‌گوید. او درباره اینکه چرا دختر را کشان‌کشان روی موتور انداخته است، گفت: من مواد مصرف کرده بودم و کارهایم دست خودم نبود. متهم با تکمیل تحقیقات محاکمه شد. دختر جوان یک بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و خواستار مجازات شد. وقتی متهم پای میز محاکمه رفت، گفت: من به این دختر تجاوز نکردم. قبول دارم بدن او را لمس کردم اما تجاوزی انجام نشد. من اعتیاد دارم و چون مواد مصرف کرده بودم، این کار را کردم. گفته‌های متهم در حالی بود که قضات متوجه شدند متهم سوابق متعددی دارد و چند مورد زورگیری و رابطه نامشروع داشته که به خاطر آنها به شلاق و حبس محکوم شده است. در نهایت، قضات وارد شور شدند و دفاعیات متهم و وکیل مدافع او را نافذ تشخیص ندادند و پسر جوان را با توجه به اینکه دوربین‌های مداربسته نشان می‌داد دختر به زور و اجبار سوار موتور شده است و همچنین دی‌ان‌ای بر جای مانده روی بدن شاکی که با دی‌ان‌ای متهم مطابقت داشت، محکوم کردند. آنها در رأی صادره تاکید کردند با توجه به اینکه زمان وقوع جرم اسفندماه بوده و شرایط آب و هوایی و رانندگی با موتور در منطقه دارآباد دقت زیادی لازم داشته است، گفته‌های متهم درباره اینکه او مواد مصرف کرده و کنترلی بر خود نداشته، درست نیست، چرا که او چند کیلومتر را رانندگی کرده و به محلی خلوت رسیده و بعد تعرض کرده است. همچنین سوابق او در آزار و اذیت و زورگیری هم نشان‌دهنده این است که او جرات ارتکاب جرم جنسی را داشته است. به این ترتیب، متهم به اعدام محکوم شد. این حکم مورد اعتراض متهم قرار گرفت و پرونده به دیوان عالی کشور رفت. قضات شعبه ۴۹ اعلام کردند با توجه به اینکه متهم در هیچ مرحله‌ای به تجاوز اعتراف نکرده است و نظریه پزشکی قانونی نیز وجود رابطه را تایید کرده و درباره تجاوز اظهارنظری نشده است، بنابراین رأی صادره نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارسال شد.

در دادگاه

متهم بار دیگر در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت.او این بار در ادعایی عجیب گفت:«مدتی قبل گوشی من گم شده بود و من به این خانم بابت ربوده شدن گوشی‌ای مظنون شده بودم.برای همین روز حادثه او را با اجبار به پارک بردم و او را بازرسی بدنی کردم تا گوشی‌ام را پیدا کنم اما اتهام تجاوز را قبول ندارم.» قضات دادگاه بعد از بررسی محتویات پرونده متهم را بار دیگر به اعدام محکوم کردند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

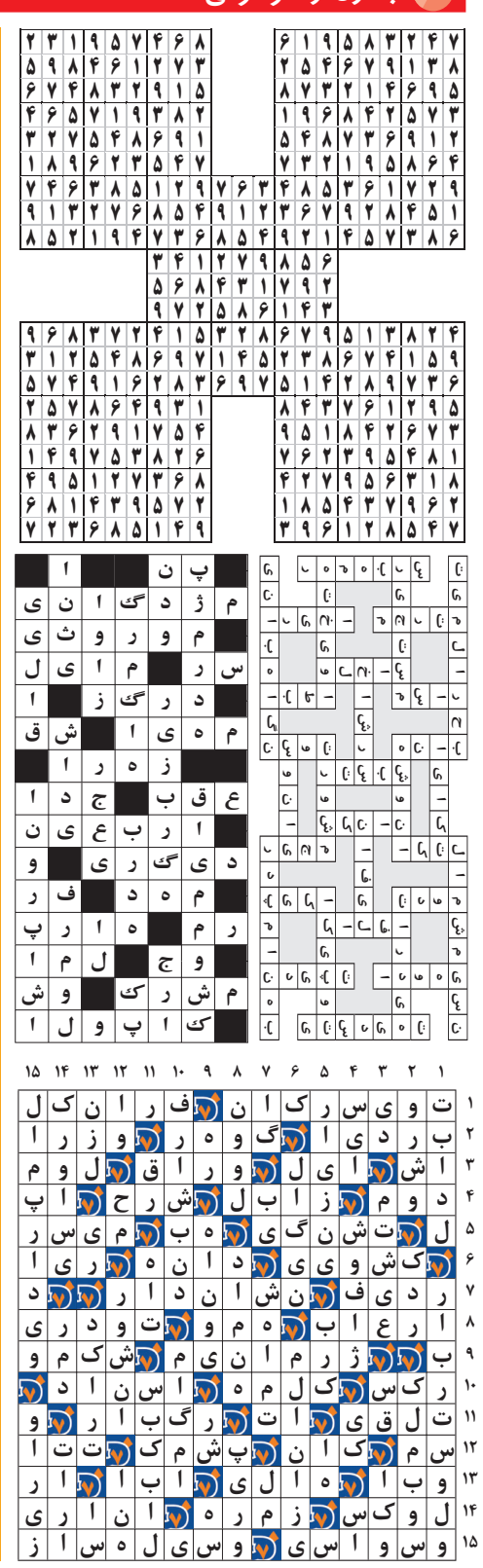

لغت‌یابی

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴حرفی: آذری، پیکر، دوزخ، زحمی، سفیر، غیبی، وانت، یک یک

۵حرفی: اجنبی، استخر، اصطبل، باتری، خشم ها، رمضان، روسیه، زیارت، طراوت

۶حرفی: استیلا، پیروزی، خاویار، یارغار

۷حرفی: غریزی، مترنم، نوزاد، واریز، یاقوت

۸حرفی: بازارساز، کارگردان، هومن‌سیدی، وادی مردم، فروردین، فیلمساز

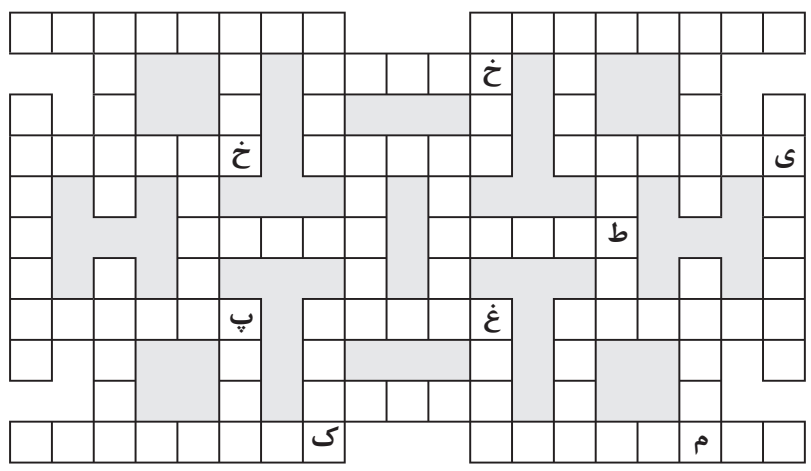

جدول شرح در متن

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

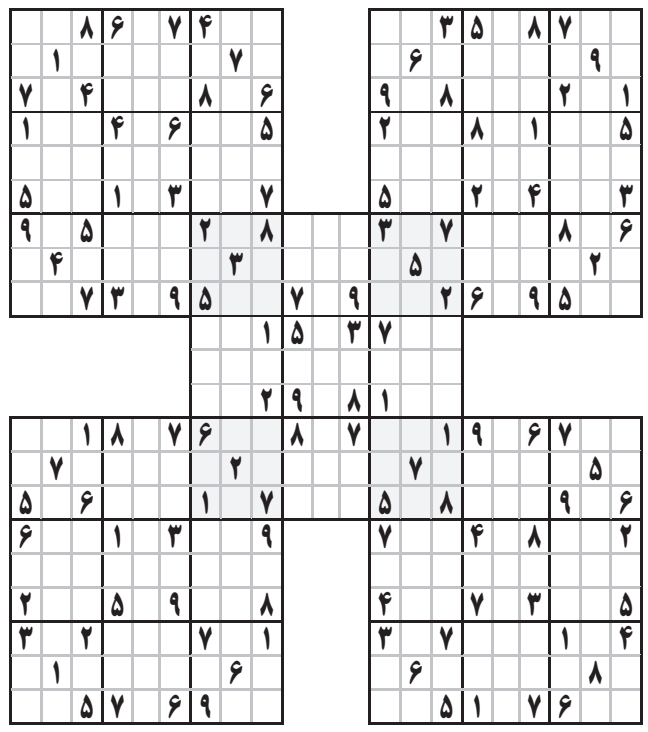

جدول کلمات متقاطع

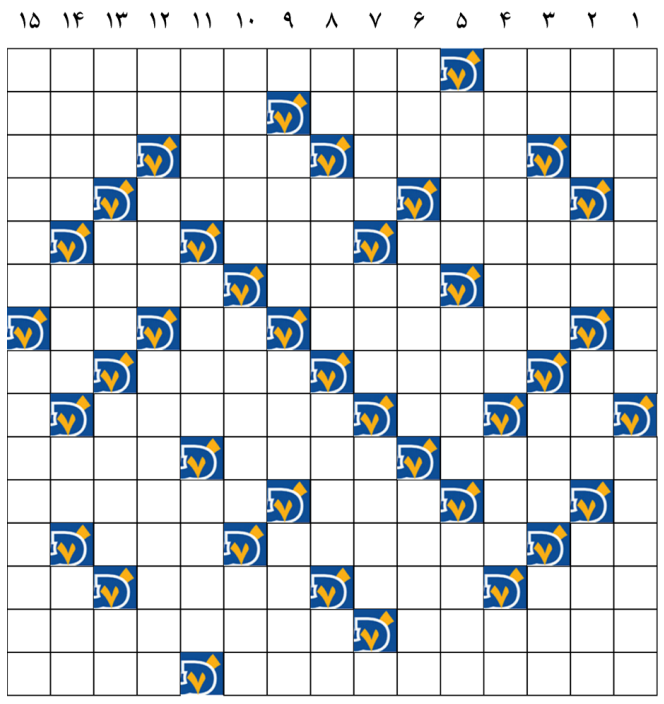

افقی

۱- آشکار و معلوم- دفتر وکالت
۲- محصل- حریر
۳- رود فرانسه- دانش سرشماری- از حروف یونانی- همراه چین
۴- گیجی و آشفتگی ذهنی- گاز جوشکاری- باران اندک
۵- پنهان شدن نظامی- چاقی- نمایش
۶- لقب پادشاهان فرانسه- میوه دارد- ناگهان و بدون اطلاع قبلی نزد کسی رفتن
۷- ابتکار و خلاقیت- ضمیر دوم شخص مفرد- غرور و تکبر
۸- پروردگار- مظهر- فرق سر- قدم یک پا
۹- نشانه مفعولی- مساوی- اقدام کردن به کاری
۱۰- اعتراف کردن- نوعی سرو- سیاهرگ
۱۱- مخالف- خرما- مشهور و سرشناس
۱۲- گذرگاه خون- .....اعضای یکدیگرند- شانه و کتف
۱۳- به اتم یا مولکول‌هایی گفته می‌شود که بار الکتریکی اضافه یا کم داشته باشند و این بار می‌تواند منفی یا مثبت باشد.- میوه نارس- محلی برای تصمیم گیری- عدد آخر یک‌رقمی
۱۴- موجودات- پیله ور
۱۵- از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا- بازگشت

عمودی

۱- سریالی خاطره انگیز با بازی مرحوم محمدعلی کشاورز- ینگه دنیا
۲- هذیان بیمار- طرف و جهت- اختراعی از ادیسون- شاهد
۳- رود آرام- سنگین و وزین- زمین- رود جاری در مصر
۴- نمونه کالا- نزاکت- ساز شبان
۵- از ذرات بنیادی- فرمانده- سخنان پرمعنا
۶- حرارت- اسب تندرو- برادر سینما!
۷- حصار- مقابل گرم- آراستگی صفات
۸- گل سرخ- ضعف و ناتوانی- درختچه‌ای همیشه سبز- مشک آب
۹- باقیمانده چیزی- بخشیدن- گیاهی درختی از خانواده توسکا
۱۰- زبان کهن دنیا- فرق داشتن- غیر شوخی
۱۱- سختی و عذاب- توانایی خواندن و نوشتن- دلایل
۱۲- نمی‌شنود- پراکنده کردن- نخستین قسمت جو خورشید
۱۳- زمین نوبتی- هر جسمی دارد- از وسایل دانش‌آموز- ردیف قالی
۱۴- قشون- اصطلاحی در بسکتبال- از ضمایر انگلیسی- گونه و جنس
۱۵- هم صحبت- از دسرهای تابستانی

چینی‌ها مشتری ندارند پژوها وقت خالی

بررسی و مقایسه بازار خرید و فروش خودروهای دست‌دوم

وضعیت رکود در بازار خودرو

بازار خودروی کشور از ۱۴ فروردین ۱۴۰۲، یعنی دو سال و نیم پیش تا به امروز وارد وضعیت رکود شد، تا جایی که این رکود هر روز و هر روز افزایش پیدا و طی این مدت بازار خودرو روزهای بدون معامله را نیز تجربه کرد.

این وضعیت در حالی رخ داد که تنها ۱۵ روز قبل، یعنی در اسفند ۱۴۰۱، هیچ اهمیتی نداشت که خودروی شما چیست. همین که شما صاحب یک خودرو بودید، برای کسب سود کافی بود و مطمئنا هر روز به قیمت خودروی شما افزوده می‌شد.

شکارچیان شکار شدند

در تمام مدت سال ۱۴۰۱، قیمت خودرو افزایشی بود و کمتر کسی تصوری از ریزش این بازار داشت. در نتیجه اغلب مردم بدون هیچ تخصص و آشنایی وارد این بازار شدند اما با اتمام این سال و تغییر وضعیت از رونق به رکود، مردم و فعالان بازار مجبور شدند تا هرچه سریع‌تر رویکرد و عملکرد خود را تغییر دهند. در این شرایط بود که تخصص خرید خودرو ارزشمند شد و سوالی که بسیاری از مردم از یکدیگر و رسانه‌ها دارند این است که چه بخریم؟ یا کی بفروشیم؟

بررسی بازار خودروهای دست‌دوم

وضعیت بازار خودروهای ایرانی

بازار خودروهای ایرانی همیشه خوب بوده و هست، چراکه متناسب‌ترین بازار با قدرت خرید مردم کشور بوده و هست. هرچند اغلب مردم از خودروهای ایرانی ناراضی هستند، اما پول در جیب‌شان نیز از بد روزگار با همین خودروها سازگار است. با بررسی میدانی که طی چند ماه اخیر در بازار داشتم، به وضوح دریافتم که غالب مردم قشر متوسط ساکن تهران به دنبال خودرویی با قیمت زیر ۵۰۰ میلیون تومان هستند که نهایتا سال تولید خودرو به سال ۹۵ بازگردد، چراکه در عین ضعف قدرت خرید، مردم معتقدند خودروها هرچه جدیدتر باشند، کیفیت ضعیف‌تری دارند. تمامی این موارد باعث شده‌اند تا بازار خودروهای ایرانی مانند انواع پژو و سمند با مدل‌های ۸۵ تا ۹۵ به شدت سکه شود.

بازار خودروهای ژاپنی و کره‌ای

در سوی دیگر بازار ما شاهد طبقه‌ای هستیم که از خودروهای نو و صفر کیلومتر ایرانی فراری است و به دنبال خودروهای ژاپنی و کره‌ای دهه ۲۰۰۰ میلادی مانند تویوتا کمری، کرولا یا سوناتا است و حاضر است بین ۹۰۰ میلیون تا ۲،۵ میلیارد تومان هم هزینه کند.

ویژگی این بازار که تمایز جالبی با دیگر بازارها دارد، در این است که خودروهای به اصطلاح تمیز و سالم کمی در این بازار پیدا می‌شود، چراکه طرفداران این خودروها اکثرا علاقه‌مند به یک خودروی باکیفیت هستند تا تمام جاده‌ها و مسیرها را با تمام سرعت و قدرت بروند و تا آخرین قطره عمر ماشین را مصرف کنند و سپس خودرو را به فروش برسانند. در این شرایط خودروی سالم و کم‌کار برای فروش حکم طلا را دارد.

بازار خودروهای مونتاژی چینی

اما متفاوت‌ترین بازار دست‌دوم متعلق به خودروهای مونتاژی چینی است، به‌ویژه خودروهایی که دارای رقیب قیمتی ایرانی هستند. خودروهایی مانند انواع ام‌وی‌ام‌ها، سری خودروهای جک در نسل‌های اول که وارد ایران شده‌اند، تیگو ۵ و تقریبا هر خودرویی که پس از کارشناسی بین ۴۰۰ تا ۱،۴۰۰ میلیون تومان ارزش‌گذاری قیمتی شود.

دلایل رکود بازار خودروهای چینی

حال اینکه چرا بازار دست‌دوم این خودروها تا این حد با مشکل و کمبود خریدار (در بازار ایران که حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون خودرو برای کل کشور کم دارد) مواجه است، دلایل جالب و تامل‌برانگیزی دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

تیراژ کم در برابر رقبا

خودروهای چینی در زمان ورود به بازار ایران به دلیل وجود خودروهای خارجی و همچنین قدیمی نبودن خودروهای موجود در بازار ایران و البته مهم‌تر از همه اینکه خود خودروهای چینی چندان چیزی در چنته نداشتند تا در بازار عرضه کنند، نتوانستند در بازار ایران قد علم کنند. در نتیجه این خودروها با تیراژ محدود در بازار ایران عرضه شدند و در پی آن خدمات پس از فروش، قطعات، تعمیرکاران تخصصی و هر موردی که امروز بعد از حدود ۱۰ تا ۲۰ سال برای این خودروها نیاز باشد، به شکلی که باید در بازار وجود ندارد.

افت کیفیت زیاد خودروهای چینی

حتی امروز نیز خودروهای چینی اقتصادی از متریال و کیفیت بالایی در کابین و اجزای فنی خود استفاده نمی‌کنند، البته این موضوع را نباید به خودروهای لوکس چینی هم تعمیم داد.

نیاز به تعمیرات و افت کیفیت

این افت کیفیت و نیاز به تعمیرات خودروهای چینی که اکنون خودروهای دست‌دوم بازار محسوب می‌شوند، معمولا ۳ تا ۵ سال پس از گذشتن از سال تولید آن‌ها و مصرف از خودرو رخ می‌دهد. حال این عامل در کنار ضعف شبکه پشتیبانی در بعضی محصولات قدیمی، طبیعی است که مشتری را به سمت یک خودروی ایرانی متمایل کند.

فروش اقساطی‌های متعدد

فروش اقساطی‌های متعددی که مونتاژکاران در زمان ضعف عرضه خودروسازان ایرانی انجام دادند، موجب شد تا حجم کثیری از مردم به سوی خرید خودروهای چینی بروند. در نتیجه قیمت بازار خودروهای چینی در بسیاری از موارد از قیمت کارخانه آنها ارزان‌تر شد. در چنین شرایطی قیمت خودروهای دست‌دوم چینی قطعا افت محسوسی را تجربه کرد.

رکود کلی بازار

آخرین عاملی که تمام بازارها را تحت تاثیر خود قرار داد، رکود کلی بود که بر تمام بازارهای کشور سایه افکند و این بازار را هم مستثنا نگذاشت.

چراغ چک

نوسان قیمت بنزین در بهارستان

افزایش قیمت بنزین همواره موضوعی حساس در ایران بوده و تأثیرات گسترده‌ای برجامعه و اقتصاد کشور دارد. از دهه ۶۰ تاکنون، مشکلاتی همچون قاچاق و ناترازی بنزین به چالش‌های اقتصادی افزوده شده است. قیمت پایین بنزین در ایران در مقایسه با کشورهای همسایه، به دلیل عوامل پیچیده‌ای است که موجب کاهش ارزش واقعی این حامل انرژی شده است. اخیرا، در مجلس شورای اسلامی، موضوع افزایش قیمت بنزین و طرح‌های جدید برای اصلاح یارانه‌ها مطرح شده است.

در روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، در کمیسیون انرژی مجلس، طرح سه‌نرخی شدن بنزین با اصلاحات جزئی مطرح شد. براساس این طرح، قرار است کارت سوخت حذف شود و هر فرد ایرانی روزانه یک لیتر بنزین یارانه‌ای با نرخ ۳۰۰۰ تومان دریافت کند؛ معادل ۳۰ لیتر در ماه. ملاک تخصیص، تعداد اعضای خانوار است، نه تعداد خودرو. مثلا خانواده‌ای چهار نفره با یک خودرو، ماهانه ۱۲۰ لیتر بنزین یارانه‌ای خواهد داشت.

مصرف بیش از این سقف، مشمول نرخ‌های پلکانی می‌شود: از ۱۲۰ تا ۲۰۰ لیتر با نرخ ۱۰هزار تومان و بالاتر از آن با نرخ آزاد ۲۰هزار تومان به ازای هر لیتر. با این حال، این طرح در صورت تصویب، نمی‌تواند عدالت را به طور کامل محقق کند. بسیاری از افرادی که مصرف بالاتری دارند، همچنان از یارانه بهره‌مند خواهند شد و در نتیجه عدالت در تخصیص یارانه‌ها رعایت نمی‌شود. در حالی که اگر دولت بنزین را با قیمت واقعی عرضه و درآمد حاصل از آن را در بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی هزینه کند، این مشکل حل خواهد شد. یکی از اصلی‌ترین چالش‌های مصرف بنزین که با صنعت خودرو رابطه مستقیم دارد، عدم استفاده از تکنولوژی‌های روز و همچنین کم بودن حجم اسقاط سالانه خودروهای در حال تردد کشور است. این موضوع در مورد خودروهای حمل و نقل عمومی به مراتب بدتر است، چراکه این خودروها به دلیل میزان تردد بیشتر، بسیار مستهلک‌تر و فرسوده‌تر هستند و همچنین به دلیل تردد بیشتر، مصرف سوخت بیشتری دارند. در نتیجه، زیان آن‌ها دو برابر است. قاچاق سوخت یکی دیگر از چالش‌های جدی است. روزانه میلیون‌ها لیتر سوخت از ایران قاچاق می‌شود که موجب از دست رفتن منابع مالی کشور می‌گردد. دولت باید برای مقابله با این پدیده، هزینه‌های بیشتری صرف کرده و عرضه بنزین با قیمت‌های واقعی را در دستور کار قرار دهد.

تعمیرگاه

دنده مرده؛ موتور زنده را می‌کُشد!

دنده مناسب برای سربالایی رفتن حیاتی است

رانندگی در مسیرهای سربالایی نیازمند شناخت دقیق از توان پیشرانه و استفاده بهینه از جعبه‌دنده است. یکی از رایج‌ترین اشتباهاتی که رانندگان مرتکب می‌شوند، انتخاب دنده نامناسب هنگام صعود از سربالایی است؛ اشتباهی که می‌تواند پیامدهای جدی برای خودرو و راننده در پی داشته باشد.

رانندگان و تعمیرکاران با سابقه به این کار اصطلاحا رانندگی با دنده مرده هم می‌گویند.

استفاده از دنده سنگین‌تر (مثلا دنده ۴ یا ۵ در سرعت‌های پایین و شیب زیاد) باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتور در چنین شرایطی تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد و توان لازم برای غلبه بر مقاومت شیب را ندارد. نتیجه این فشار، افزایش دمای موتور، ناک‌زدن، مصرف سوخت بیشتر و حتی آسیب به قطعات داخلی موتور مانند رینگ و پیستون است. در موارد حاد، این وضعیت می‌تواند منجر به خاموش شدن خودرو در میانه سربالایی شود؛ اتفاقی که نه‌تنها استرس‌زاست، بلکه در جاده‌های کوهستانی یا پررفت‌وآمد، خطرآفرین نیز هست.

از سوی دیگر، استفاده از دنده بیش از حد سنگین می‌تواند باعث افزایش فشار بر کلاچ و داغ شدن آن شود. به‌ویژه در خودروهای دنده‌ای، نیم‌کلاچ مداوم برای جبران ضعف کشش ناشی از دنده نامناسب، باعث کاهش عمر دیسک و صفحه و هزینه‌های نگهداری بالاتر در بلندمدت می‌شود.

در نقطه مقابل، استفاده از دنده سبک‌تر (مثلا دنده ۲ یا ۳ در سرعت‌های متناسب با شیب) باعث افزایش گشتاور و توان بهینه خروجی از موتور می‌شود. در این حالت، موتور با دور مناسب کار کرده، مصرف سوخت کنترل‌شده‌تر است و کشش خودرو کاملا پاسخگوی شرایط مسیر است.

در نهایت، انتخاب دنده مناسب هنگام سربالایی، نه‌تنها عملکرد خودرو را بهینه می‌کند، بلکه نقش مؤثری در ایمنی، دوام قطعات و تجربه رانندگی روان‌تر دارد. آگاهی از این موضوع برای هر راننده‌ای، به‌ویژه در جاده‌های کوهستانی یا شهری با شیب‌های تند، ضروری است.

کلاس خودرو

تعریف اسپرت کار، کمیاب‌ترین سگمنت ایران

خودروهای اسپرت به عنوان یکی از سگمنت‌های تخصصی در صنعت خودروسازی، باتمرکز بر عملکرد فنی بالا، تجربه رانندگی هیجانی و طراحی خاص شناخته می‌شوند. برخلاف خودروهای شهری یا خانوادگی که اولویت‌شان مصرف سوخت، فضای کابین یا راحتی است، خودروهای اسپرت با هدف ارائه حس سرعت، فرمان‌پذیری دقیق و پویایی دینامیکی توسعه یافته‌اند. این خودروها عمدتا در کلاس‌های کوپه (Coupe) و هاچ‌بک (Hatchback) طراحی می‌شوند تا با مرکز ثقل پایین‌تر، سیستم تعلیق سفت‌تر و وزن سبک‌تر، هندلینگ بهتری داشته باشند. علاوه بر این، استفاده از پیشرانه‌های قدرتمند بنزینی و طراحی آیرودینامیک، به بهبود شتاب، تعادل و فرمان‌پذیری کمک می‌کند. اغلب خودروهای اسپرت بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ اسب بخار قدرت تولید می‌کنند و نسبت وزن به توان در آنها پایین‌تر از متوسط خودروهای شهری است. خودروهای اسپرت معمولا برای جوانان، رانندگان علاقه‌مند به سرعت و افراد ماجراجو طراحی می‌شوند. تمرکز اصلی در این سگمنت، لذت رانندگی است، نه امکانات لوکس. بنابراین، بسیاری از مدل‌های اسپرت از لحاظ آپشن‌های رفاهی در سطح پایین‌تری نسبت به خودروهای سدان یا کراس‌اوورها قرار می‌گیرند. نمونه‌ها و تقسیم‌بندی جهانی از خودروهای مطرح این سگمنت در سطح جهانی می‌توان به خودروهایی مانند: نیسان ۳۷۰Z، تویوتا GR۸۶ / GT۸۶، جنسیس کوپه و فولکس‌واگن گلف GTI اشاره کرد. در آمریکا بخش خاصی از بازار خودروهای اسپرت با عنوان ماسل کار (Muscle Car) شناخته می‌شود؛ خودروهایی که با تمرکز بر قدرت موتور، بدنه‌های حجیم و طراحی کلاسیک تولید می‌شوند. از نمونه‌های شاخص این گروه خودروها می‌توان به شورولت کامارو، فورد موستانگ و دوج چلنجر اشاره کرد.

چهار چرخ

هامر ۳X EV مدل ۲۰۲۵؛ هیولای تمام‌عیار برقی با ژن نظامی

هامر EV در نسخه ۳X، یکی از جسورانه‌ترین محصولات برقی در بازار جهانی است؛ خودرویی که با ظاهر نظامی‌وار، ابعاد عظیم و فناوری‌های خیره‌کننده، فاصله‌ای محسوس با هر آنچه از یک SUV معمول انتظار می‌رود، ایجاد می‌کند. این مدل، با وزنی فراتر از ۴۱۰۰ کیلوگرم و طولی معادل ۵/۲ متر، نه‌فقط یک خودرو بلکه یک آبرجسم متحرک است که بیشتر به تجهیزات نظامی شباهت دارد.

قلب تپنده برقی

قلب تپنده این هیولا، سه موتور الکتریکی با فناوری Permanent Magnet است که به‌صورت ترکیبی، ۶۲۰ کیلووات قدرت و ۱۶۲۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کنند. این توان خارق‌العاده، امکان شتاب‌گیری صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت را تنها طی ۳/۴ ثانیه فراهم می‌آورد؛ عددی که در کلاس SUVهای غول‌پیکر، کمتر دیده می‌شود. وظیفه تغذیه این سیستم عظیم، برعهده باتری لیتیوم-یونی ۲۰۵ کیلووات‌ساعتی است که در شرایط ایده‌آل تا ۵۰۰ کیلومتر پیمایش را ممکن می‌سازد، گرچه در استفاده روزمره و رانندگی در شرایط واقعی، این عدد بسته به نوع رانندگی و مسیر می‌تواند کاهش یابد.

طراحی بیرونی و فضای داخلی

هامر ۳X EV همانطور که از نامش برمی‌آید، هویتی مستقل و کاملا متمایز از هر SUV برقی دیگر دارد. خطوط بدنه خشن، جلوپنجره LED اختصاصی، تناسبات عضلانی و رنگ‌های منحصربه‌فردی مانند Deep Aurora و Afterburner، هویتی نظامی‌گونه و خشن به آن می‌بخشند. طراحی ظاهری این خودرو، بدون تعارف و صریح است؛ انگار آمده که اعلام کند: «من از دسته خودروهای معمولی نیستم.»

طراحی داخلی، کاملا در امتداد استایل بیرونی حرکت می‌کند؛ فضایی فضامحور با متریال صنعتی شامل پلاستیک فشرده، فلز برس‌خورده و لاستیک سخت. این طراحی گرچه با الهام از تجهیزات نظامی و زبان طراحی مدرن جلوه‌گر شده اما در عمل، حس راحتی و آسایش را به‌اندازه رقبا منتقل نمی‌کند. امکانات رفاهی در سطح بالایی هستند اما نبود متریال نرم در بخش‌هایی از کابین، می‌تواند در سفرهای طولانی تجربه‌ای نسبتا خشک و خشن ایجاد کند.

فناوری‌ها و ویژگی‌های خاص

هامر ۳X EV فراتر از یک SUV قدرتمند است؛ این مدل با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، یک ابزار واقعی برای ماجراجویی و آفرود به‌حساب می‌آید.

فناوری CrabWalk اجازه می‌دهد خودرو به‌صورت مورب حرکت کند، در حالی که سیستم فرمان‌پذیری چهارچرخ، مانورپذیری در فضاهای محدود را تسهیل می‌کند. سقف Infinity قابل جداسازی، حس رانندگی در فضای باز را منتقل می‌کند و پکیج آفرود Extreme قابلیت عبور از مسیرهای سخت را به‌طور جدی تقویت کرده است.بدون تردید، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های هامر EV همان چیزی است که آن را خاص و نمادین می‌کند: ابعاد غول‌آسا. پارک کردن در محیط‌های شهری، عبور از خیابان‌های باریک یا حتی چرخیدن در پارکینگ‌ها، به تجربه‌ای چالش‌برانگیز تبدیل می‌شود. همچنین مصرف بالای انرژی و نیاز به ایستگاه‌های شارژ قدرتمند، به‌ویژه در سفرهای طولانی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است.

جمع‌بندی نهایی

اگر به‌دنبال یک SUV منحصربه‌فرد، تمام‌برقی، فوق‌العاده پرقدرت و مملو از تکنولوژی هستید—و در عین حال خیابان‌های عریض و بودجه‌ای قابل‌توجه در اختیارتان قرار دارد—هامر ۳X EV قطعا یکی از هیجان‌انگیزترین گزینه‌های بازار جهانی است. خودرویی که فقط یک وسیله حمل‌ونقل نیست، بلکه یک «بیانیه» است؛ بیانیه‌ای از قدرت، جسارت و فناوری.

دنده عقب

مازراتی ایندی؛ کوپه‌ای از عصر طلا

در جهان خودروهای کلاسیک، برخی مدل‌ها کمتر فریاد می‌زنند اما بیشتر در دل می‌نشینند. مازراتی ایندی یکی از همان‌هاست؛ یک گرن‌توریسموی اصیل ایتالیایی که ترکیب قدرت، وقار و شخصیت را با چنان ظرافتی درهم می‌آمیزد که هنوز هم پس از نیم قرن، احترام‌برانگیز است.

در بخش فنی، ایندی به یک پیشرانه V۸ تنفس طبیعی مجهز بود که در سه نسخه مختلف با سه حجم بزرگ و جذاب ۴/۲، ۴/۷ و در نهایت ۴/۹ لیتری عرضه شد. قدرت تولیدی در نسخه‌های بالاتر به ۳۲۰ اسب بخار می‌رسید و این نیرو از طریق یک گیربکس ۵ سرعته دستی ZF یا یک گیربکس خودکار ۳ سرعته به چرخ‌های عقب منتقل می‌شد. شتاب صفر تا ۱۰۰ در حدود ۷/۲ ثانیه و سقف سرعت تا ۲۵۵ کیلومتر بر ساعت بود؛ اعدادی که برای کوپه‌ای چهار نفره در دهه ۷۰ میلادی، چشمگیر به‌حساب می‌آیند. ترمزهای دیسکی در هر چهار چرخ و سیستم تعلیق نرم، ایندی را در کنار سرعت، به خودرویی امن و متعادل تبدیل کرده بود.

طراحی بیرونی ایندی، به قلم کاروزریا ویگناله، مجموعه‌ای از خطوط کشیده، چراغ‌های خوابیده و شیشه عقب پانورامیک است که فرم بدنه را بسیار اسپرت‌تر از یک کوپه خانوادگی نشان می‌دهد. کاپوت کشیده، گلگیرهای عضلانی و تناسب وزنی عالی، ایندی را در نمای جانبی شبیه یک شکارچی ایتالیایی می‌کند؛ بی‌آنکه فریاد بزند، خودنمایی می‌کند.

کابین ایندی، شاهکار طراحی مینیمال و کلاسیک است. صندلی‌های چرمی نرم، پنل‌های چوبی، کنسول میانی متمایل به راننده و نشانگرهای آنالوگ با قاب‌های کرومی، هر راننده‌ای را به سفری در دهه ۷۰ می‌برند. هیچ خبری از فناوری نیست اما همه چیز دقیق و کاربردی‌ست. فرمان سه‌شاخه نازک و صدای خالص موتور، تجربه‌ای خام و خالص از رانندگی ارائه می‌دهد.

مازراتی ایندی تنها در ۱۱۰۴ دستگاه ساخته شد و با وجود اینکه کمتر از بورا یا گیبلی شناخته شده اما برای کلکسیونرها یک جواهر پنهان است. خودرویی که هم در گاراژ ارزش دارد، هم در جاده؛ نه تنها به خاطر اسم مازراتی، بلکه برای اصالتی که در تار و پود آن موج می‌زند. در واقع ایندی را می‌توان جزو دسته خودروهایی دانست که برای ثروتمندان موناکونشین ساخته شده است.

آمپر

بیشترین افزایش داخلی

۱	سمند سورن پلاس – ۱۴۰۴	-۲۰	۹۰۰ میلیون تومان
۲	پژو ۲۰۷i دنده‌ای – ۱۴۰۴	-۱۰	۹۰۵ میلیون تومان
۳	سورن پلاس دوگانه – ۱۴۰۴	-۱۰	۸۵۰ میلیون تومان
۴	ساینا اتوماتیک S – ۱۴۰۴	-۱۰	۶۳۰ میلیون تومان
۵	ساینا دنده‌ای S دوگانه – ۱۴۰۳	-۵	۵۴۰ میلیون تومان

بیشترین کاهش داخلی

۱	زامیاد کارون – ۱۴۰۴	-۴۵	۹۴۵ میلیون تومان
۲	پژو ۲۰۷i اتو MC – ۱۴۰۲	-۱۵	۹۲۰ میلیون تومان
۳	دناپلاس تیپ ۱ دنده‌ای – ۱۴۰۴	-۱۵	۸۷۵ میلیون تومان
۴	تارا دنده‌ای	-۵	۸۳۰ میلیون تومان
۵	رانا پلاس – ۱۴۰۳	-۳	۷۴۲ میلیون تومان

بیشترین افزایش خارجی

۱	هوندا HR-V-eHEV – ۲۰۲۴	+۲۰۰	۵،۵۰۰ میلیون تومان
۲	مکث موتور تیارا پرایم – ۱۴۰۳	+۱۱۰	۲،۶۶۰ میلیون تومان
۳	هیوندای النترا ۱۶۰۰cc – ۱۴۰۲	+۱۰۰	۳،۰۰۰ میلیون تومان
۴	کی‌ام‌سی T۸ – ۱۴۰۴	+۴۸	۱،۹۵۰ میلیون تومان
۵	فونیکس آریزو ۶ GT – ۱۴۰۴	+۹	۲،۱۵۰ میلیون تومان

بیشترین کاهش خارجی

۱	دیگنیتی پرستیژ – ۱۴۰۳	-۸۰	۲،۶۲۰ میلیون تومان
۲	دیگنیتی پرایم – ۱۴۰۴	-۵۰	۱،۸۵۰ میلیون تومان
۳	کی‌ام‌سی J۷ – ۱۴۰۴	-۴۰	۱،۹۰۰ میلیون تومان
۴	فیدلیتی پرایم ۷ نفره – ۱۴۰۴	-۳۰	۲،۰۳۵ میلیون تومان
۵	کی‌ام‌سی X۵ – ۱۴۰۴	-۱۰	۱،۹۹۰ میلیون تومان

حذف خدمات و چالش‌های پیش رو

مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران اظهار می‌کند: «اغلب کودکان در سنین طلایی رشد هستند و اگر بهنگام خدمات دریافت نکنند، مشکلات‌شان تشدید می‌شود.» میری بیان می‌کند: «با خدمات درمانی بسیاری از کودکان با طیف شدید به طیف متوسط و خفیف رسیده‌اند و حالا در مدارس عادی تحصیل می‌کنند.» او می‌گوید: «به عنوان نمونه ۱۰۰ و خرده‌ای کودک با دریافت خدمات توانبخشی از کلینیک‌های انجمن وارد مدارس عادی شدند.» بنابر گفته‌های او، خدمات آموزشی و توانبخشی به این کودکان کمک می‌کند تا زندگی راحت‌تری داشته باشند و در مقابل بار روانی و هزینه‌ای بر دوش خانواده‌ها و در آینده بر دوش دولت‌ها کاهش می‌یابد. او بیان می‌کند: «محروم شدن این کودکان از خدمات و درمان‌های موردنیازشان سبب می‌شود آنها برای همیشه وابسته به خانواده و در ادامه جامعه باشند. نکته قابل تامل اینکه نیازهای درمانی و دارویی این کودکان به مرور زمان روند افزایشی دارد.» مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران اظهار می‌کند: «کودکی که خدمات و دارو به موقع دریافت نمی‌کند به مرور نیازهای بیشتری پیدا می‌کند و برای همین یکی از والدین باید ۲۴ساعته در خدمات او باشد و این یعنی از دست دادن یک نیروی کارآمد در چرخه اقتصادی.» او ادامه می‌دهد: «البته افسردگی، چالش‌های جسمانی و هزینه‌های مازادی که به خانواده تحمیل می‌شود را هم نمی‌توان نادیده گرفت.» به اعتقاد میری درمان و خدمات موردنیاز کودکان اوتیسم اولویتی است که باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد تا سیکل معیوبی به راه نیفتد که آسیب‌های آن به مرور گسترده‌تر شود.

گزارشی از چالش‌های درمانی مبتلایان به اوتیسم

هرجلسه درمان معادل نانِ یک ماه خانواده

● با بالا رفتن تورم، نرخ خدمات توانبخشی هم روند افزایشی پیدا می‌کند

لیلا مهداد
هفت صبح

چندوقتی است قید کار و کسب و درآمد را زده و خانه‌نشین شده تا مراقب ۲۴ساعته کودکش باشد. پدر یا مادری که دلش شکسته. همه هم‌وغمش این است، پاره تنش از کلاس‌های آموزشی و جلسات توانبخشی جا نماند. دغدغه فردا را دارد. زمانی که کودکش باید راهی مدرسه شود. مثل هر پدر یا مادری به روزی می‌اندیشد که فرزندش بتواند روی پای خودش زندگی مستقلی را تجربه کند اما هزینه‌های سنگین، بار مسئولیتی که زیر سایه پدر یا مادر بودن به دوش گرفته، نگاه آدم‌هایی که با دنیای اوتیسم بیگانه‌اند حالش را ناخوش کرده.

قانون‌های من‌درآوردی مراکز توانبخشی

پورشعبانی یکی از پدرهایی است که قید کار و کسب را زده و خانه‌نشین شده تا همه حواسش را بدهد به «یاشار» ۶ساله‌اش. او مثل اغلب والدینی که کودک مبتلا به اوتیسم دارند، دلش شکسته: «در مراکز توانبخشی و عامه مردم گاهی به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند گویی کودکم وبا دارد و هر بار دیدن این صحنه‌ها دلم را می‌شکند.» سال که نو شد هزینه‌های توانبخشی و دارو روند افزایشی پیدا کرد تا دغدغه پدرانی همچون پورشعبانی چندبرابر شود: «هزینه‌ها زیادتر شده مثلا ۴۵دقیقه جلسه توانبخشی می‌شود ۷۰۰هزار تومان.» «یاشار» هر ماه باید جلسات توانبخشی‌اش را برود تا زندگی بهتری را تجربه کند: «به غیر از پنجشنبه و جمعه‌ها هر روز هفته «یاشار» را کلاس می‌برم؛ تقریبا هر روز دو کلاس.» در کنار هزینه‌ها رفتار دیگران درد مضاعفی است بر دل این اولیا: «به غیر از هزینه‌ها متاسفانه رفتارشان هم با ما بد است. نگاهشان کاملا تجاری است. انگار نه انگار که ما پدر و مادر این بچه‌ها هستیم.» پورشعبانی از قانون‌های من‌درآوردی مراکز توانبخشی هم جانش به لب آمده: «به هیچ دلیلی نمی‌شود کلاس‌ها را کنسل کرد. در هر صورت باید هزینه پرداخت شود. برخی اوقات این کودکان حالشان خوب نیست و نمی‌توانند در جلسات آماده شوند، در چنین مواقعی هم هزینه برگشت داده نمی‌شود.»

واقعا دلم شکسته

اولیا شاکر خدا هستند برای راه‌اندازی انجمن اوتیسم: «خیرین را دور هم جمع کرده‌اند و به برخی خانواده‌ها کمک می‌شود. خدا خیرشان بدهد بهترین کاردرمان‌ها را در توانبخشی دارند. هر جلسه توانبخشی در انجمن ۵۰هزار تومان هزینه دارد اما چون تعداد بچه‌ها بالاست به هر کدام دو جلسه بیشتر نمی‌رسد.» اولیا از رفتار برخی شهروندان هم دل خون‌اند. دلگیر از زمانی که کودکشان در مهد یا زمین بازی و پارکی مورد بی‌مهری اولیای دیگر است. پورشعبانی چند سال پیش ماهانه ۳میلیون و نیم می‌داده تا پسرش در یکی از مهدهای مجهز در کنار بچه‌های دیگر باشد: «یک روز سرزده رفتم دیدم مهد خلوت است. متوجه شدم بچه‌ها را بردند پارک. اما یاشار را در اتاقی با یک مربی تنها گذاشته بودند.» او می‌گوید: «بعد از مدتی پسرم برای مهد رفتن رغبتی نداشت و وقتی آن صحنه را دیدم متوجه شدم تمام مدت در مهد او را در اتاقی مجزا به دور از بچه‌ها نگه می‌داشتند و همین مسئله باعث شده بود او شوقی برای رفتن به مهد نداشته باشد.» پدر برای اینکه پسرش در محیط جامعه باشد هر روز او را به یکی از پارک‌های محله می‌برده تا با بچه‌های دیگر مشغول بازی شود اما چند بار شاهد رفتار اولیایی بوده که با دیدن پسرک کودکانشان را از پارک می‌بردند: «واقعا این رفتارها دلم را می‌شکند.»

بیمه بخشی از هزینه‌ها را می‌دهد اما...

دوندگی‌های انجمن گره یکی از مشکلات خانواده‌ها را باز کرده: «خدا را شکر بخشی از هزینه‌ها را بیمه می‌دهد. فیش ۴۰میلیون هزینه را بردم بیمه گفتند ۸-۹ میلیون پرداخت می‌شود اما ۴-۵ ماه زمان می‌برد.» به گفته پورشعبانی، در تهران تنها یک شعبه آیت‌الله کاشانی به این اولیا خدمات بیمه‌ای ارائه می‌دهد. حذف جلسات توانبخشی و درمان کودکان اوتیسم یک معنا بیشتر ندارد؛ پسرفت پروسه درمان: «ما به هزار امید و زحمت جلسات را می‌بریم تا کودکمان روند بهبود طی کند اما با این هزینه‌ها کار کمی برایمان سخت شده. ادامه ندادن پروسه درمان هم باعث می‌شود کودک روند نزولی داشته باشد. درواقع ما در یک برزخ گیر افتاده‌ایم.» اولیا امید دارند نهاد یا سازمانی به دستور دولت نیم‌نگاهی به آنها و کودکانشان داشته باشد تا خیال آنها از آینده کودکشان کمی آسوده شود: «کاش مدرسه‌ای جایی با امکانات توانبخشی و آموزشی برای این کودکان راه‌اندازی شود.»

۲۴ سازمان مسئول

اوتیسم؛ بیماریی که تا همین چنددهه پیش، به جرم ناشناخته بودن، بچه‌های اوتیستیک را در مظان «روانی مزمن» قرار می‌داد. در آن روزگاران مشکل این کودکان در محدوده بیش‌فعالی، وسواس، ناآرامی یا درخود ماندگی خلاصه و باقی می‌ماند. اما حالا اوتیسم در زمره معلولیت‌های جدی است و نیاز به خدمات ویژه دارد. سعیده صالح‌غفاری، مدیرعامل انجمن اوتیسم ایران از جمعیت ۷۰درصدی کودکان و نوجوانان مبتلا به اوتیسمی می‌گوید که ترک درمان کرده‌اند. مجرم اصلی این وضعیت هم هزینه‌های سرسام‌آور توانبخشی و آموزش اعلام شده. مدیرعامل انجمن اوتیسم ایران بر این باور است بودجه اختصاص‌یافته از صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج به درستی هزینه نمی‌شود، بنابراین خانواده‌ها احساس نمی‌کنند بیمه‌ها بار مالی این هزینه‌ها را پوشش می‌دهند. در این میان این پرسش جدی مطرح است که این بودجه کجا صرف می‌شود؟ صالح‌غفاری می‌گوید: «در ایران ۲۴ سازمان با وظایف مشخص در قبال مبتلایان به اوتیسم شناسایی شده‌اند که وزارت بهداشت، وزارت رفاه، سازمان بهزیستی و وزارت آموزش‌وپرورش از جمله سازمان‌های اصلی متولی هستند.» مدیرعامل انجمن اوتیسم ایران بیان می‌کند: «انجمن اوتیسم ایران تلاش کرده تا سند ملی اوتیسم را تدوین کند که در دوسال گذشته به صورت برنامه اقدام مشترک شکل گرفته است.» او ادامه می‌دهد: «در هر دو دولت قبلی و جدید، معاون اول رئیس‌جمهور بر تسریع و الزام اجرای این برنامه در سطح هیات وزیران تاکید داشته است. جامعه اوتیسم شامل بیماران، خانواده‌ها، درمانگران، خیرین و فعالان سازمانی، خواستار امضا و ابلاغ فوری این برنامه هستند.»

۷

بیمه‌ها هم در مقابل، عنوان می‌کنند استقبالی از طرف کلینیک‌ها برای عقد قرارداد وجود ندارد و در این میان بیشترین بار بر دوش خانواده است. خانواده‌ها از پرداختی بیمه‌ها گلایه دارند و این در حالی است که آنها از مصوبه و بندهای قانونی بی‌خبرند

بیش از ۲۵۰خانواده ۲ یا ۳ فرزند مبتلا به اوتیسم دارند

۹هزار و ۴۳نفر عضو انجمن اوتیسم هستند، اعضایی که اغلب از اهالی پایتخت‌اند. هرچند بنابرنظر سینا توکلی، معاون انجمن اوتیسم ایران، آمار مبتلایان باید چیزی حدود ۵برابر این جمعیت باشد، یعنی چیزی در حدود ۴۰هزار نفر. در میانه اعداد و ارقام مربوط به اختلال اوتیسم نام بیش از ۲۵۰خانواده وجود دارد که ۲ یا ۳ فرزند مبتلا به اوتیسم دارند؛ خانواده‌هایی نیازمند به حمایت‌های ویژه. معاون انجمن اوتیسم ایران به «هفت‌صبح» از ۱۹۷خانواده عضو انجمن می‌گوید که مادران سرپرست خانوار هستند و این یعنی چالش‌های مضاعف اقتصادی این خانواده‌ها. او از ۳هزار و ۲۰۰ عضوی خبر می‌دهد که از پوشک بزرگسال استفاده می‌کنند و این یعنی هزینه قابل‌ملاحظه ماهانه خانواده. توکلی بیان می‌کند: «هزینه ویزیت روانپزشک فوق‌تخصص حدودا ۸۹۰هزار تومان محاسبه می‌شود، البته در بخش خصوصی.» به گفته معاون انجمن اوتیسم ایران، ۲۵درصد مبتلایان به داروهای ضدتشنج نیاز دارند که هزینه‌های دارویی را افزایش می‌دهد.

۱۰تا ۱۲میلیون تومان، هزینه ماهانه توانبخشی!

بنابرنظر توکلی هزینه هر جلسه کاردرمانی و گفتاردرمانی به‌طور متوسط ۵۰۰هزار تومان است این در حالی است که یک کودک اوتیسم به‌طور معمول به ۲۰ تا ۲۵ جلسه توانبخشی در ماه نیاز دارد؛ به عبارت ساده ماهانه ۱۰ تا ۱۲میلیون تومان هزینه توانبخشی است. معاون انجمن اوتیسم ایران با اشاره به اینکه حدود ۲۰درصد از کودکان اوتیسم در بزرگسالی نیز فاقد تکلم‌اند و نیاز به خدمات توانبخشی بیشتر دارند، می‌گوید: «بسیاری از شهرهای کوچک فاقد مراکز توانبخشی هستند و خانواده‌ها مجبور به جابه‌جایی بین شهرها می‌شوند که هزینه‌های حمل‌ونقل هم به سایر هزینه‌هایشان اضافه می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «در دو سال اخیر، هزینه‌های دارویی به‌شدت افزایش یافته و کیفیت برخی داروهای داخلی نیز پایین است.»

بالا رفتن نرخ خدمات توانبخشی پا به پای تورم

به گفته محمدعلی میری، مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران به «هفت‌صبح» سال ۱۴۰۱ شورای عالی بیمه مصوب کرد ۷۰درصد هزینه توانبخشی در هر کلینیکی که مجوز دارد توسط بیمه پایه و صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج پرداخت شود. میری بیان می‌کند: «مسئله اساسی این است که با بالا رفتن تورم نرخ خدمات توانبخشی هم روند افزایشی پیدا می‌کند و همین موضوع به نگرانی خانواده‌ها دامن زده است.» مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران عنوان می‌کند: «متاسفانه به دلیل بدعهدی‌ها و سوءتفاهم‌هایی که وجود دارد، کلینیک‌ها با بیمه‌ها قرارداد نمی‌بندند و اغلب ترجیح می‌دهند، هزینه را مستقیم از مراجعه دریافت کنند و در قبال آن فاکتور ارائه بدهند.» او ادامه می‌دهد: «بیمه‌ها هم در مقابل، عنوان می‌کنند استقبالی از طرف کلینیک‌ها برای عقد قرارداد وجود ندارد و در این میان بیشترین بار بر دوش خانواده است.» مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران از گلایه خانواده‌ها در تاخیر پرداخت بیمه‌ها می‌گوید: «خانواده‌ها از پرداختی بیمه‌ها گلایه دارند و این در حالی است که آنها از مصوبه و بندهای قانونی بی‌خبرند.»

۶۱کلینیک ظرفیت خدمات‌رسانی به ۴هزار نفر را دارند؟

بنابر گفته‌های میری ۶۱کلینیک با بیمه‌ها قرارداد دارند. مدیر مطالبه‌گری انجمن اوتیسم ایران اظهار می‌کند: «در انجمن ۹هزار پرونده داریم و جمعیت زیر ۱۲سال حدود ۴هزار و خرده‌ای است. سوال اصلی این است که ۶۱کلینیک ظرفیت خدمات‌رسانی به ۴هزار نفر را دارند؟» او بیان می‌کند: «کلینیک‌ها هم به دلیل مسائل مالی و هم زیرساختی زیر بار قرارداد با بیمه‌ها نمی‌روند.» میری ادامه می‌دهد: «برخی کلینیک‌ها شماره کارت درمانگر را به خانواده می‌دهند و سر هر ماه ۵یا ۱۰درصد مبلغ توافقی را درمانگر به حساب کلینیک واریز می‌کند. این کلینیک‌ها معتقدند این رویه برایشان راحت‌تر و به‌صرفه‌تر است.»

آمار دقیقی وجود ندارد

در ماجرای آمارهای اوتیسم در ایران، دسترسی به اعداد و ارقام دقیق و جامع به همین سادگی‌ها نیست. هرچند برخی منابع و مطالعات بر این مسئله تاکید دارند که برآوردها نشان از این دارند که شیوع اوتیسم در ایران حدود ۱ تا ۲ درصد از جمعیت کودکان را شامل می‌شود؛ این رقم مشابه، آمار جهانی است که بین ۱ تا ۲درصد تخمین‌زده می‌شود. هرچند به دلیل کمبود آگاهی و منابع، بسیاری از موارد اوتیسم در ایران تشخیص داده نمی‌شوند. البته آگاهی پایین در مورد اوتیسم و علائم آن هم می‌تواند منجر به تشخیص دیرهنگام یا عدم تشخیص شود. دسترسی محدود به خدمات درمانی و آموزشی مناسب برای کودکان مبتلا به اوتیسم در برخی مناطق را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

آمار جهانی چه می‌گوید؟

در دو دهه گذشته نرخ تشخیص اوتیسم به‌طور پیوسته افزایشی بوده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰از هر ۱۵۰ کودک یک نفر مبتلا به اوتیسم شناخته می‌شد. این نرخ در سال ۲۰۰۸ تغییر پیدا کرد و از هر ۸۸ کودک یک نفر مبتلا شناخته شد. تقویم به سال ۲۰۱۶ که رسید آمارها بر این مسئله تاکید داشتند که از هر ۵۴ کودک یک کودک مبتلاست. چند سال بعد در سال ۲۰۲۳این آمار تغییر یافت و از هر ۳۶ کودک یک نفر به اوتیسم شناسایی شد و در نهایت در سال ۲۰۲۵ آمارها گواه این هستند که از هر ۳۱کودک یک نفر به اوتیسم مبتلاست. البته این افزایش عمدتاً به بهبود روش‌های تشخیصی، افزایش آگاهی و گسترش معیارهای تشخیصی نسبت داده می‌شود. واقعیت امر این است که افزایش آمار اوتیسم در سطح جهانی عمدتاً به دلیل پیشرفت در تشخیص و افزایش آگاهی است، نه لزوما یک «همه‌گیری واقعی». هرچند این روند نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در خدمات حمایتی، تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های بهداشتی را برجسته می‌کند.

چهره روز

آلودگی هوا؛ پای مدیران در میان است

رئیس کل دادگستری استان تهران: آلودگی هوای تهران ناشی از نقض قوانین و ترک فعل برخی مدیران است

رئیس کل دادگستری استان تهران وضعیت فعلی آلودگی هوای پایتخت را ناشی از نقض قوانین و ترک فعل برخی از مدیران در انجام وظایف قانونی دانست و از محکومیت کیفری برخی مدیران در زمینه قانون هوای پاک خبر داد. علی القاصی مهر در سومین همایش حقوق شهروندی با تاکید بر اینکه موضوع «حقوق شهروندی» یکی از موضوعات و مطالبات به حق مردم است که با آن مواجه هستیم، اظهار کرد: برای تامین حقوق شهروندان و وظایفی که نهادهای متولی در بخش‌های مختلف عهده‌دار هستند قوانین و نظامات مختلف و متعددی را داریم، اما با وجود این قوانین شاهد این هستیم که هم حقوق عمومی مردم نادیده گرفته می‌شود و هم حقوق افراد در آن حوزه مشخص نقض می‌شود، به عنوان مثال یکی از مهمترین حقوق شهروندی که در کلانشهر تهران نقض می‌شود مسئله سلامت مردم و حق حیات و تنفس هوای پاک است. امروز مسئله زیست و ادامه حیات و برخورداری از یک تنفس طبیعی برای شهروندان تهرانی با مخاطره همراه است و در روزها و ایامی از سال زندگی برای مردم این کلانشهر به دشواری می‌انجامد و موجب تهدید سلامت جانی و روانی مردم می‌شود و تمام فعالیت‌ها و کسب و کارهای مردم را تحت شعاع قرار می‌دهد.

القاصی مهر وضع فعلی آلودگی هوای پایتخت را ناشی از نقض قوانین و ترک فعل برخی از مدیران در انجام وظایف قانونی دانست و تاکید کرد: اینکه مسئولی بدون رعایت ضوابط قانونی اقدام به تراکم فروشی می‌کند نتیجه آن ایجاد این مخاطرات می‌شود.

وی در ادامه از برخورد با دستگاه‌های متخلف در اجرای قانون هوای پاک خبر داد و گفت: در قانون هوای پاک دستگاه‌های اجرایی وظایف و تکالیف مهمی را بر عهده دارند که باید به انجام برسانند، اما به دلیل کوتاهی در این حوزه مردم با مخاطرات جدی مواجه شدند که امنیت و سلامت آنها را تهدید می‌کند؛ لذا ما به عنوان دستگاه قضایی به این موضوع ورود پیدا کردیم.

القاصی مهر با اشاره به اینکه در این رابطه جلساتی در دادستانی تهران تشکیل شده و دستگاه‌های ذی‌ربط را به این جلسات کارشناسی دعوت و حقوق وظایف آنها را گوشزد کردیم گفت: بر اساس گزارشاتی که از دستگاه‌های نظارتی و دادستانی اخذ شده پرونده‌هایی را برای برخی از مدیران و مسئولانی که در اجرای این قانون کوتاهی کردند تشکیل دادیم و برخی از مدیران نیز به جهت سوءاستفاده از موقعیت شغلی محکومیت قضایی پیدا کردند.

وی گفت: در حال حاضر نیز چند پرونده در این خصوص در دستگاه قضایی در حال رسیدگی است و دستگاه قضایی با هر مسئول و دستگاهی که در اجرای این قانون کوتاهی کرده و به وظایف قانونی خود عمل نکند برخورد خواهد کرد.

جنجالی روز

دور تلگرام را خط بکش!

ماجرای دستگیری ۸۴ کلاهبردار سایبری کنکور چه بود؟

معاون اجرایی پلیس فتای فراجا از دستگیری ۸۴ کلاهبردار سایبری کنکور خبر داد و گفت: فروش سوالات کنکور ترفند کلاهبرداران مجازی است و به داوطلبان کنکور و والدین آنها توصیه می‌کنیم فریب این افراد را نخورند. سردار حسین ابراهیمی در نشست مسئولان و روسای حفاظت از آزمون سراسری سال ۱۴۰۴ که در سازمان سنجش برگزار شد، گفت: با نزدیک شدن به ایام برگزاری کنکور، برخی کلاهبرداران سایبری از این شرایط سوءاستفاده می‌کنند و از داوطلبان و خانواده‌های آنها کلاهبرداری می‌کنند. وی افزود: در چند ماه اخیر، ۸۴ متهم در این باره شناسایی و دستگیر شدند. بیشترین ترفند آنها فروش سوالات آزمون سراسری، امتحانات نهایی، قبول تضمینی در کنکور، کلید سوالات و غیره است.

معاون اجرایی پلیس فتا توضیح داد: ۴۵درصد از این کلاهبرداری‌ها در بستر تلگرام رخ می‌دهد و در اینستاگرام و سایر سایت‌ها نیز این افراد فعال هستند و طعمه‌های خود را پیدا می‌کنند. این افراد از شیوه‌های مختلف کار خود را تبلیغ می‌کنند و سپس از طریق چت کردن با افراد اعتماد آنها را جلب می‌کنند و اینچنین مبالغ زیادی پول از افراد کلاهبرداری می‌کنند. برای دریافت پول نیز یا از حساب‌های اجاره‌ای استفاده می‌کنند و یا با ارزهای دیجیتال خرید و فروش می‌کنند. او هشدار داد: در سال‌های اخیر این کلاهبرداران اطلاعات هویتی داوطلبان را نمی‌خواستند اما امروزه عکس کارت ملی، عکس شناسنامه و حتی یک ویدیو زنده از فرد خریدار می‌خواهند تا مطمئن شوند فرد حتما داوطلب است. ابراهیمی گفت: یعنی به داوطلب می‌گویند با در دست داشتن کارت‌های هویتی و کارت ورود به جلسه، از خود فیلم بگیرند و برای آنها بفرستند و اعلام کنند که اگر در کنکور قبول شوند مابقی پول را برای آنها می‌فرستند که این مسئله خود می‌تواند باعث اخاذی در آینده شود.

علت افزایش موارد مالاریا در کشور پس از ۱۰ سال چیست؟

زنگ خطر همسایگان شرقی

رئیس اداره کنترل بیماری‌های منتقله توسط ناقلین وزارت بهداشت در آستانه روز جهانی مالاریا، ضمن آخرین وضعیت این بیماری در کشور، تاکید کرد: طی دو سال گذشته، متاسفانه پس از حدود یک دهه که کاهش بیماری مالاریا را تجربه کردیم، شاهد افزایش موارد ابتلا بوده‌ایم و تاکید می‌شود که تمام موارد این بیماری وارده از مرزهای جنوب و جنوب‌شرقی کشور بوده‌اند. دکتر احمد رییسی با بیان اینکه ۲۵ آپریل مطابق با ۵ اردیبهشت ماه به عنوان روز جهانی مالاریا است، به ایسنا گفت: این روز، فرصت مغتنمی برای ارائه دستاورد کشورها در مهار مالاریا، مشکلات ناشی از این بیماری در سطح جهان و بیان چالش‌هایی است که ممکن است کشورها به ویژه در قالب استراتژی‌ها و برنامه‌های سازمان جهانی بهداشت با آنها مواجه باشند.

دستاوردهای ایران در مبارزه با مالاریا

رییسی با اشاره به کمک‌های سازمان بهداشت جهانی برای تلاش در جهت مبارزه علیه بیماری مالاریا اظهار کرد: در کنار کمک‌های سازمان بهداشت جهانی، تلاش همکاران ما به ویژه در دانشگاه‌های علوم‌پزشکی جنوب و جنوب شرقی کشور سبب تحقق دستاورد کنترل بیماری مالاریا در استان‌های سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان و بخش جنوبی استان کرمان یعنی محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم‌پزشکی جیرفت، شده است. این دستاورد بزرگ در شرایطی محقق شده که ایران در همسایگی کشوری مانند پاکستان با تخمین بیش از ۲ میلیون مورد سالیانه مالاریا قرار دارد.

موارد غیربومی مالاریا در کشور در ۱۴۰۳

وی ادامه داد: با وجود ثبت مواردی از بیماری مالاریا طی سال گذشته که با بررسی‌های کارشناسان وزارت بهداشت همه غیربومی بوده‌اند، کشور جمهوری اسلامی ایران در بین ۲۲ کشور منطقه مدیترانه شرقی سازمان جهانی بهداشت همچنان یک کشور موفق در کنترل این بیماری شناخته می‌شود.

رئیس اداره کنترل بیماری‌های منتقله توسط ناقلین وزارت بهداشت با بیان اینکه عدم بروز موارد بومی مالاریا طی چهار سال از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ در کشور، پیشتازی ایران در منطقه در زمینه مبارزه با مالاریا را نشان می‌دهد، افزود: متاسفانه از آنجا که مالاریای کشورمان کاملا متاثر از موارد بیماری در کشورهای همسایه شرقی است، در سال ۱۴۰۱ به دنبال افزایش بیش از حد بیماران در پاکستان و افغانستان و به تبع آن افزایش موارد مالاریا وارده، ضمن بالا رفتن ریسک برقراری مجدد چرخه انتقال، شاهد افزایش موارد مالاریا در شهرستان‌های مرزی کشور به شکل قابل توجهی بوده‌ایم.

شناسه آگهی : ۱۹۱۶۱۴۱ نوبت دوم

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۷ عملیات انتقال گاز

فراخوان مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)
شماره : ۸۷۴۴۰۰۰۰

منطقه هفت عملیات انتقال گاز در نظردارد « تکمیل سوله های انبار کالا مرکز بهره‌برداری خطوط لوله همدان » را به روش مناقصه عمومی و ارزیابی کیفی (یکپارچه) و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ۲۰۰۳۰۹۱۵۰۹۰۰۰۰۲۶ به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه و کار برگ استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد اقدام نمایند .

۱- نام و نشانی مناقصه گزار: منطقه ۷ عملیات انتقال گاز
۲- موضوع مناقصه: تکمیل سوله های انبار کالا مرکز بهره برداری خطوط لوله همدان
۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۸/۵۵۸/۳۶۳/۵۷۸ ریال مطابق آخرین آیین نامه تضمین معاملات دولتی .
۴- بر آورد کارفرما: ۱۷۱/۱۶۷/۲۷۱/۵۵۳ ریال
۵- محل دریافت و تحویل اسناد:
۱-۵) محل دریافت اسناد : از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir)
۲-۵) مهلت دریافت اسناد : از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵
۳-۵) زمان تحویل اسناد : ۱۴۰۴/۰۲/۲۹
۴-۵) زمان بازگشایی : ۱۴۰۴/۰۲/۳۰
۶ - محل گشایش پاکت‌ها : همدان- بلوار سی متری سعیدیه - منطقه ۷ عملیات انتقال گاز
۷-شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه:
- ارائه گواهینامه حداقل رتبه ۵ ابنیه و ساختمان از نظام فنی اجرایی کشور و کسب امتیاز لازم از کمیته فنی بازرگانی الزامی می‌باشد. مابقی شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه در کاربرگ های استعلام ارزیابی کیفی درج گردیده است . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه ستاد به آدرس setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق نمایند . شماره تماس با امور پیمانها : ۰۸۱-۳۸۴۱۲۰۰۰ فکس : ۰۸۱-۳۸۲۱۸۷۷۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ م الف ۲۵۰
روابط عمومی منطقه ۷ عملیات انتقال گاز

مردی با اره‌برقی و زنجیرهای آرژانتین

خاویر میلی پس از ۵۰۰ روز با سیاست‌های جنجالی، بازار آزاد آرژانتین را زیرورو کرده؛ اما آیا مردم طعم خوشبختی را چشیده‌اند؟

رامتین لطیفی | خیابان‌های بوینوس‌آیرس، قلب تپنده آرژانتین، قصه‌ای دوپاره را زمزمه می‌کنند. خاویر میلی، رئیس‌جمهور لیبرتارین، پس از ۵۰۰ روز رهبری با سیاست‌های تندوتیز خود جهان را به حیرت واداشته است. برخی او را منجی اقتصادی ورشکسته می‌دانند که تورم را مهار کرده، دیگران نیز او را مسبب تنگناهای معیشتی که فقر را به اوج ۵۳درصدی رسانده است. این شکاف و دوپارگی را می‌توان در متن زندگی مردم آرژانتین هم دید؛ در محله بوئدو، پوستری روی درب مغازه‌ای نصب شده است که روی آن نوشته شده «ورود میلی و وزیرانش ممنوع!» اما چند قدم آن‌سوتر، تصویری از رئیس‌جمهور این کشور با اره برقی جلوی اسکلت ساختمانی نصب شده که صدای چکش کارگران در آن نوید آینده‌ای روشن‌تر را می‌دهد. نظرسنجی موسسه سی‌بی در دسامبر ۲۰۲۴ نشان داد ۵۱ درصد آرژانتینی‌ها همچنان به میلی امیدوارند، هرچند این رقم از ۵۶ درصد اوایل ۲۰۲۴، ۵ درصد کاهش داشته است. در مقابل نیز ۴۹ درصد از او خشمگین هستند و امیدی به او ندارند.

زنجیرهای ارزی پاره شدند

میلی در اقدامی جسورانه، در آوریل ۲۰۲۵ محدودیت‌های ارزی «سپو» را که از سال ۲۰۰۳ دسترسی به دلار را مسدود کرده بود، به تاریخ سپرد. برخلاف پیش‌بینی‌های هراس‌انگیز، بازار نه‌تنها فرو نریخت، بلکه به گفته آلدو آبرام از بنیاد آزادی و پیشرفت، نرخ ارز «آرام‌تر از پیش» تثبیت شد. میلی و لوئیس کاپوتو، وزیر اقتصاد، این پیروزی را چون گلی طلایی و سرنوشت‌ساز در زمین فوتبال جشن گرفتند. به علاوه، شاخص بورس آرژانتین از اکتبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۵ چهار برابر شد که نشان‌دهنده اعتماد فزاینده سرمایه‌گذاران در دوران میلی است. میلی در نطقی پرشور اعلام کرد آرژانتین پس از سده‌ای کسری بودجه، اکنون در جمع پنج کشوری است که «تنها به اندازه دخلش خرج می‌کند.» او با رویای رشد اقتصادی بی‌مانند در ۳۰ سال آینده، قول داد این مسیر تدریجی اما استوار است. داده‌های مؤسسه آمار آرژانتین (INDEC) نیز نویدبخش است: فقر از ۴۱.۷ درصد در نیمه دوم ۲۰۲۳ به ۳۸.۱ درصد در نیمه دوم ۲۰۲۴ کاهش یافته و تورم سالانه از ۲۷۶.۲ درصد در مارس ۲۰۲۴ به ۶۶.۹ درصد در مارس ۲۰۲۵ فروکش کرده است. البته باید بگوییم که منتقدان این آمار را جعلی می‌دانند، به ویژه آماری که درباره فقر ارائه شده است.

تیغ اصلاحات، زخم‌های عمیق

اما این سکه روی تلخی هم دارد. سونیا بلانکه از بنیاد فریدریش ابرت آلمان هشدار می‌دهد که تثبیت نرخ ارز، دستمزدها را زیر فشار فزاینده خود له کرده است. یک ساندویچ بیگ‌مک در آرژانتین ۵.۴۸ یورو قیمت دارد، درست هم‌سنگ آلمان اما حداقل دستمزد ساعتی در آرژانتین فقط ۱.۰۶ یوروست، در حالی که این نرخ در آلمان برابر ۱۲.۸۲ یورو است. به همین دلیل ۳۵درصد آرژانتینی‌ها طبق نظرسنجی گالوپ در اوت ۲۰۲۴ همچنان برای خرید غذا مشکل دارند. بلانکه سیاست‌های میلی را «تیغی اجتماعی» می‌خواند که آموزش، فرهنگ، زیرساخت‌ها و بازنشستگی را قربانی کرده است. هزینه گاز خانگی از دسامبر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۴ حدود ۷۱۵ درصد افزایش یافته است و بسیاری از آشپزخانه‌های عمومی به پخت‌وپز با هیزم و رغال روی آوردند. اعتراضات هفتگی بازنشستگان که قدرت خریدشان آب رفته، خشم فروخورده مردم را فریاد می‌زند. طبق گزارش دانشگاه کاتولیک آرژانتین (UCA)، فقر در نیمه اول ۲۰۲۴ به ۵۳ درصد یعنی بالاترین سطح در ۲۰ سال اخیر رسیده است. میلی وعده داده بود تنها سران چپ‌گرای پیشین از اصلاحاتش آسیب می‌بینند اما حالا توده‌های مردم، ازجمله کارگران که از قضا تحصیلات بالایی نیز دارند، زیر بار فشار کمر خم کرده‌اند.

رنج و رستاخیز

در مرکز بوینوس‌آیرس، نبض زندگی دوگانه می‌زند. کافه‌ها و رستوران‌ها پرجنب‌وجوش‌اند و اعتصاب اخیر اتحادیه‌ها، برخلاف گذشته و حضور صدها هزار نفری معترضان، کم‌فروغ بود؛ گویی بسیاری از آرژانتینی‌ها آماده‌اند صفحه بحران را ورق بزنند. اما کاهش بودجه عمومی و ارزش واقعی دستمزدها، زندگی را برای قشرهای فرودست تیره کرده است. بیکاری رسمی به ۸ درصد رسیده و ۴۵ درصد از نیروی کار در بخش غیررسمی، بدون بیمه اجتماعی، مشغول به کارند. سرمایه‌گذاری‌های اخیر، مانند سرمایه‌گذاری ۲.۵ میلیارد دلاری برای استخراج لیتیوم و ۳ میلیارد دلاری برای خط لوله نفت، نشانه‌هایی از اعتماد روبه‌رشد به آینده آرژانتین است. بااین‌حال، سرمایه‌گذاران خارجی هنوز مرددند و نمی‌دانند که در بر کدام پاشنه خواهد چرخید و هنوز با شرایط پر ثبات و ایده‌آل فاصله دارد. از این رو، پس از ۵۰۰ روز تحولات نفسگیر، پرسش بزرگ همچنان بی‌پاسخ است: آیا میلی می‌تواند آرژانتین را به اوج برساند، بی‌آنکه سال‌های آزگار و متمادی، مردم را در گرداب رنج رها کند؟ آینده، قاضی این میدان خواهد بود.

چهره روز

دمی مور پس از درخشش در فیلم سینمایی «ماده» و کسب جوایز گلدن گلوب، بفتا و نامزدی اسکار، از سوی «پیپل» زیباترین زن دنیا در سال ۲۰۲۵ لقب گرفت. این ستاره ۶۲ ساله می‌گوید با مدیتیشن، رژیم گیاه‌خواری و خواب کافی و البته نوشیدن «رد بول» بر آثار گذران عمر غلبه کرده است.

عکس روز

واتیکان؛ وداع باشکوه و آینده‌ای نامعلوم

نگاهی به مراسم خاکسپاری پاپ فرانسیس و انتظار کاتولیک‌ها برای انتخاب جانشین

پاپ فرانسیس، رهبر ۸۸ساله کاتولیک‌های جهان، دوشنبه گذشته درگذشت و رم طی روز گذشته آماده میزبانی از مراسم خاکسپاری او بود. این مراسم که صدها هزار نفر ازجمله سران کشورها و زائران را گردهم آورد، با شکوه و جلوه برگزار شد. درحالی‌که واتیکان برای وداع با پاپی ساده‌زیست آماده شده بود، گمانه‌زنی‌ها درباره جانشین او و آینده کلیسایی با ۱.۴ میلیارد پیرو در جهان بالا گرفته است.

وداع در میدان سنت‌پیتر

مراسم خاکسپاری پاپ فرانسیس ساعت ۱۰ صبح شنبه به وقت محلی در میدان سنت‌پیتر برگزار شد. کاردینال جیووانی باتیستا ره، رئیس کالج کاردینال‌ها، این مراسم را که به‌صورت روباز برگزار شد، هدایت کرد. طبق اعلام واتیکان، ۱۷۰ هیات خارجی، شامل ۵۰ رئیس دولت و ۱۰ پادشاه، در این مراسم حضور داشتند. دونالد ترامپ به همراه همسرش ملانیا، آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، امانوئل مکرون، ولودیمیر زلنسکی و جورجیا ملونی در این مراسم شرکت داشتند. به علاوه، از اروپا، پادشاه فیلیپ ششم و ملکه لتیزیا از اسپانیا، رئیس‌جمهور ایرلند مایکل دی هیگینز و نخست‌وزیر بریتانیا کی‌یر استارمر به همراه پرنس ویلیام، نماینده پادشاه چارلز سوم، حضور داشتند. از آمریکای لاتین، لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل و خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین و زادگاه پاپ، در مراسم حاضر شدند. فیلیپین، با ۸۰ درصد جمعیت کاتولیک، توسط رئیس‌جمهور فردیناند مارکوس جونیور در این مراسم نمایندگی شد. روسیه اما به دلیل حکم بازداشت بین‌المللی ولادیمیر پوتین، تنها وزیر فرهنگ خود، اولگا لیوبیموا را به مراسم فرستاد. شهردار رم تخمین زده که بیش از ۳۰۰ هزار نفر در این روز به میدان سنت‌پیتر آمدند، هرچند با توجه به حضور ۱۳۰ هزار نفر در دو روز اول نمایش عمومی پیکر پاپ در باسیلیکای سنت‌پیتر، این تعداد ممکن است بیشتر شود. از چهارشنبه، پیکر پاپ در تابوتی چوبی و ساده در باسیلیکای سنت‌پیتر برای ادای احترام عمومی قرار گرفت. این تابوت، طبق وصیت پاپ فرانسیس و برخلاف سنت سه‌تابوتی پاپ‌های پیشین، تنها از چوب و روی ساخته شده تا سادگی او را حتی در مرگ منعکس کند. امنیت مراسم نیز با حضور بیش از ۲ هزار نیروی پلیس، ۴۰۰ مأمور راهور، پهپادهای ضدتروریستی و بسته شدن حریم هوایی رم تأمین شد که این تدابیر نشان‌دهنده حساسیت بالای این گردهمایی جهانی بود.

آینده کلیسا در انتظار

برخلاف اکثر پاپ‌ها که در غارهای زیرین سنت‌پیتر دفن شده‌اند، پاپ فرانسیس، کلیسای باسیلیکای سانتا ماریا ماجوره را انتخاب کرد، جایی که به خاطر تابلوی قدیمی مریم مقدس و عیسی مسیح(ع) برایش بسیار عزیز بود. او در وصیتش تأکید کرد قبرش ساده باشد و روی آن تنها نام لاتین «فرانسیسکوس» حکاکی شود. پس از مراسم، تابوت او در رژه‌ای به باسیلیکا منتقل و از یکشنبه برای بازدید عمومی آماده خواهد شد. مراسم خاکسپاری آغاز دوره نومدیالس (۹ روز عزای رسمی) است که با دعاها و عشای ربانی برای آرامش روح پاپ همراه خواهد بود. سپس، تمرکز به انتخاب جانشین معطوف می‌شود. کاردینال کوین فارل، کامرلنگوی پاپ که هم‌اکنون اداره موقت واتیکان برعهده اوست، وظیفه سازماندهی کنکلاو (جلسه محرمانه برای انتخاب پاپ) را روی دوش خود دارد. این کنکلاو که بین ۱۵ تا ۲۰ روز پس از درگذشت پاپ در کلیسای سیستین آغاز می‌شود، شامل ۱۳۵ کاردینال زیر ۸۰ سال است که با رأی مخفی و کسب دوسوم آرا، پاپ جدید را انتخاب می‌کنند. خروج دود سیاه از دودکش سیستین به معنای عدم انتخاب و دود سفید نشانه «هابموس پاپام» (ما پاپ داریم) خواهد بود. گمانه‌زنی درباره جانشین فرانسیس داغ است. نام‌هایی چون ماتئو زوپی، کاردینال پیشرو ایتالیایی، پیترو پارولین، وزیر امور خارجه واتیکان و لوئیس آنتونیو تاگله از فیلیپین که به «فرانسیس آسیایی» معروف است، مطرح‌اند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

ترامپ ۲۰۲۸: رویای قدرت یا قانون‌شکنی؟

فروش لباس‌های ویژه انتخابات بعدی، شایعات تلاش رئیس‌جمهور فعلی برای دور زدن قانون اساسی را شعله‌ور کرد

فروش کلاه‌های قرمز ۵۰ دلاری و تی‌شرت‌های ۳۶ دلاری با شعار «ترامپ ۲۰۲۸» و عبارت «بازنویسی قوانین» در فروشگاه آنلاین سازمان ترامپ، موجی از گمانه‌زنی درباره عزم رئیس‌جمهور آمریکا برای به چالش کشیدن قانون اساسی به راه انداخته است. متمم بیست‌ودوم قانون اساسی صراحت دارد: «هیچ‌کس بیش از دو بار رئیس‌جمهور نخواهد شد.» دونالد ترامپ که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ به پیروزی رسید، برای نامزدی در ۲۰۲۸ باید این سد قانونی را بشکند اما آیا او به دنبال چنین ماجراجویی سیاسی است یا این فقط یک مانور تبلیغاتی برای جلب توجه و تقویت برندش است؟ ترامپ بارها با شیطنت از احتمال نامزدی سوم سخن گفته است. در مارس ۲۰۲۵، او به ان‌بی‌سی گفت: «شوخی نمی‌کنم. راه‌هایی برای این کار هست. مردم از من می‌خواهند، ولی هنوز زود است.» در می ۲۰۲۴، در جمع انجمن ملی سلاح، با طنز پرسید: «اگر برنده شویم، دوره سوم است یا دوم؟» این سخنان، همراه با حمایت چهره‌هایی مثل استیو بنن، مشاور پیشین کاخ سفید، آتش شایعات را تندتر کرد. بنن در برنامه‌ای در آوریل ۲۰۲۵ با اطمینان پیش‌بینی کرد: «ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۹ دوباره رئیس‌جمهور می‌شود.» او حتی از تیمی سخن گفت که برای یافتن راه‌های قانونی این هدف تلاش می‌کنند، ادعایی که نگرانی‌هایی درباره آینده دموکراسی آمریکا برانگیخته است. برای تحقق این رویای جمهوری‌خواهان و اعضای جنبش ماگا، قانون اساسی باید تغییر کند. اندی اوگلز، نماینده جمهوری‌خواه تنسی، در ژانویه ۲۰۲۵ پیشنهادی برای اصلاح متمم بیست‌ودوم ارائه داد که به ترامپ اجازه می‌دهد تا سه دوره (غیرمتوالی) رئیس‌جمهور شود اما رؤسای جمهور پیشین با دو دوره پیاپی، مانند کلینتون، بوش و اوباما را مستثنا می‌کند. این اصلاح نیازمند دوسوم آرای کنگره یا به عبارت دیگر، ۲۹۰ نماینده مجلس نمایندگان و همچنین ۶۷ سناتور مجلس سنا و نیز تأیید و تصویب در ۳۸ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکاست؛ فرآیندی پیچیده و زمانبر که با توجه به اکثریت شکننده جمهوری‌خواهان در کنگره و مخالفت سرسختانه دموکرات‌ها و برخی از جمهوری‌خواهان، غیرممکن به نظر می‌رسد. برخی تحلیلگران معتقدند این پیشنهاد بیش از آنکه جدی باشد، ژستی برای جلب حمایت پایگاه وفادار ترامپ و حفظ انرژی و وجد این افراد است. برخی هواداران ترامپ از «روزنه‌های قانونی» سخن می‌گویند. یکی از ایده‌های مطرح، نامزدی او به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در ۲۰۲۸ و سپس استعفای رئیس‌جمهور منتخب، به طور مثال جی‌دی ونس، برای واگذاری قدرت به اوست. اما متمم دوازدهم قانون اساسی این مسیر را بسته است: کسی که برای ریاست‌جمهوری واجد شرایط نیست، نمی‌تواند معاون رئیس‌جمهور شود. جرمی پاول، استاد حقوق دانشگاه نورت‌استرن، این نظریه‌ها را «بی‌پایه» می‌خواند و تأکید می‌کند که متمم بیست‌ودوم هرگونه انتخاب سوم را قاطعانه ممنوع کرده است. او می‌افزاید: «تلاش برای دور زدن این قانون نه‌تنها غیرقانونی است، بلکه می‌تواند بحران قانون اساسی ایجاد کند.» کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید، درباره لباس‌های «ترامپ ۲۰۲۸» با خنده گفت: «کلاه باحالی است و حسابی می‌فروشد!» اما این شوخی‌ها نگرانی‌هایی درباره نیات واقعی ترامپ و کمپین انتخاباتی‌اش ایجاد کرده است. دموکرات‌هایی مانند دن گلدمن، نماینده نیویورک، هشدار می‌دهند که این تحرکات ممکن است تلاشی برای «تزلزل دموکراسی» باشد. آنها به سابقه ترامپ در به چالش کشیدن نتایج انتخابات ۲۰۲۰ اشاره می‌کنند و می‌گویند این اقدامات می‌تواند نشانه‌ای از تمایل او به تمرکز قدرت باشد. در مقابل، برخی جمهوری‌خواهان مثل سناتور مارک‌وین مولین این ایده را رد کرده و می‌گویند: «قانون اساسی را عوض نمی‌کنم، مگر اینکه مردم آمریکا بخواهند.» این جنجال در حالی بالا گرفته که پایگاه هواداران ترامپ همچنان پرشور از او حمایت می‌کند. فروش لباس‌های «ترامپ ۲۰۲۸» نشان‌دهنده جذابیت پایدار برند سیاسی اوست، حتی اگر هدف واقعی فقط کسب درآمد یا حفظ توجه عمومی باشد. سازمان ترامپ در سال‌های اخیر با فروش اقلام تجاری متنوع، از جمله کفش، ساعت و سکه‌های یادبود، سود قابل‌توجهی کسب کرده است. طبق گزارش‌ها، در فوریه ۲۰۲۴، هزار جفت کفش طلایی «هرگز تسلیم نشو» با قیمت ۳۹۹ دلار در کمتر از دو ساعت به فروش رفت و درآمدی حدود ۴۰۰ هزار دلار ایجاد کرد. همچنین، فروش ساعت‌های «ترامپ» با قیمت‌های ۴۹۹ تا ۱۰۰ هزار دلار و سکه‌های طلایی «پیروزی» با قیمت ۳۶۴۵ دلار، نشان‌دهنده استقبال هواداران از این محصولات است. در سال ۲۰۲۳ نیز فروشگاه آنلاین ترامپ بیش از ۳ میلیون دلار فروش داشت، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۸ تنها ۵۲۰ هزار دلار بود. بین نوامبر ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۲۵، ۱۶۸ محصول جدید به ارزش ۱۳.۸ هزار دلار به فروشگاه اضافه شد. سود فروش این اقلام از طریق شرکت‌هوی صوری در نهایت به خانواده ترامپ می‌رسند. با توجه به این سابقه پرسود و تمرکز بر برندسازی، ممکن است که عرضه لباس‌های «ترامپ ۲۰۲۸» علاوه بر انگیزه سیاسی، یک حرکت تجاری پرسود نیز باشد.

کیوسک

گاردین انگلیس، عکس و تیتر اصلی خود را به بمباران کم‌سابقه کی‌یف توسط روسیه و اعتراض دونالد ترامپ به ولادیمیر پوتین و درخواست توقف حملات از جانب او اختصاص داد.

دیلی تلگراف انگلیس، عکس و تیتر اصلی خود را به اعتراض کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا به پیشنهاد صلح ترامپ در مورد جنگ اوکراین و واگذاری خاک این کشور به روسیه اختصاص داد.

بلوزون

محاکمه دوباره هاروی واینستین، غول رسوا شده سینما

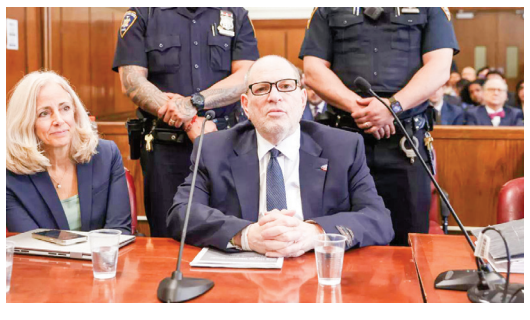

درام بزرگ هالیوود دوباره به صحنه برگشت و هاروی واینستین، غول سابق سینما که روزگاری ستاره‌ها را می‌ساخت، حالا در دادگاهی جنجالی در منهتن برای محاکمه دوباره اتهامات تجاوز و آزار جنسی حاضر شده است. این بار، دادستان‌ها با تمام قوا به میدان آمده‌اند و می‌گویند واینستین از قدرت و نفوذش برای به دام انداختن زنان جوان استفاده کرده و «رویاهای هالیوودی» را به سلاحی برای سوءاستفاده تبدیل کرده بود. دادستان شانون لوسی در جلسه افتتاحیه فاش کرد: «هرچه قربانیان بیشتر مقاومت می‌کردند، او خشن‌تر می‌شد.» سه زن شجاع، از جمله یک دستیار تولید و یک بازیگر مشتاق، ادعا می‌کنند که واینستین در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳ آنها را مورد آزار قرار داده است. یک اتهام جدید هم به پرونده اضافه شده و زنی که هویتش فاش نشده، مدعی آزار در هتلی در منهتن است. این محاکمه در حالی برگزار می‌شود که حکم تاریخی ۲۰۲۰ واینستین به دلیل اشتباهات قضایی لغو شد و حالا او با اتهامات سنگین‌تری روبه‌روست. فضای دادگاه این بار آرام‌تر از محاکمه قبلی است که در اوج جنبش «#می_تو» با فریادهای «متجاوز» و هجوم رسانه‌ها همراه بود. اما وکلای واینستین همچنان از «جو نمایشی» شکایت دارند و او همه اتهامات را رد می‌کند. هیات منصفه جدید، با ترکیبی متفاوت از هفت زن و پنج مرد، سرنوشت این غول رسوا را تعیین خواهد کرد. پیش‌تر ستاره‌هایی مانند آنجلینا جولی از آزارهای جنسی واینستین افشاگری‌های در فضای مجازی منتشر کرده بودند.

نکته بازی

سقوط در فال دیزیز
مرگ قهرمان ۱۸ ساله اسکی

فدراسیون اسکی فرانسه، در اواخر شب پنجشنبه، از درگذشت اسکی‌باز فرانسوی، مارگو سیموند که یکی از ورزشکاران نوظهور اسکی در آلپ بود، به دلیل جراحاتی که در اثر سقوط حین تمرین در فال دیزیر به آنها دچار شده بود، خبر داد. سیموند (۱۸ ساله) برای آماده‌سازی خود جهت شرکت در یکی از مسابقاتی که قرار بود در پایان هفته در پارک آلپ ریدبول برگزار شود، در حال تمرین بود که پس از مرگ او، آن مسابقه لغو شد. گزارش‌های خبری حاکی از آن است که سیموند حین تمرین در ظهر پنجشنبه سقوط کرد و تلاش‌ها برای احیای او در محل حادثه بی‌نتیجه ماند. سیموند برای آماده‌سازی خود جهت شرکت در یکی از مسابقات در حال تمرین بود (رویترز). همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که دادستانی عمومی تحقیقات خود را در مورد شرایط حادثه آغاز کرده است. سیموند ماه گذشته عنوان قهرمانی فرانسه در رشته اسکی مارپیچ را به دست آورده بود و قرار بود رویداد فال دیزیر که قهرمان اسکی المپیک، کلیمان نوئل، آن را برگزار کرده بود، میان اسکی پارالل و اسکی اسلالوم برگزار شود. از طرفی، فدراسیون فرانسوی اسکی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که جامعه اسکی «غم عمیقی از درگذشت مارگو احساس می‌کند. این فدراسیون صمیمانه‌ترین تسلیت‌ها را به خانواده و دوستانش ابراز کرده و حمایت کامل خود را در این دوران سخت اعلام می‌کند.» فدراسیون جهانی اسکی نیز در حساب کاربری خود در همان شبکه اجتماعی نوشت: «فدراسیون جهانی اسکی صمیمانه‌ترین تسلیت‌ها را به خانواده مارگو و عزیزانش تقدیم می‌کند و حمایت کامل خود را در این دوران سخت اعلام می‌دارد.»

پس از حمله مرگبار در کشمیر
دعوای هند و پاکستان با قهرمان‌های نیزه

نیرج چوپرا، قهرمان پرتاب نیزه المپیکی هند، اعلام کرد به هیچ وجه اجازه نخواهد داد که رقیب پاکستانی‌اش ارشاد ندیم، در مسابقه‌ای که ماه آینده در بنگلور برگزار می‌کند، پس از حمله مرگبار توسط افرادی که ظن می‌رود تندرو باشند در کشمیر هند که روز سه‌شنبه گذشته اتفاق افتاد، شرکت کند. روابط بین دو همسایه هسته‌ای هند و پاکستان پس از کشته شدن ۲۶ گردشگر در این حمله به پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر رسیده است. یک روز قبل از حمله، چوپرا اعلام کرده بود بهترین ورزشکاران پرتاب نیزه جهان، از جمله ندیم که در المپیک پاریس مدال طلا گرفته، دعوت شده‌اند تا در اولین نسخه مسابقات نیرج چوپرا کلاسیک در ۲۴ مه (اردیبهشت) شرکت کنند که این رویداد قرار بود روزی مسیر برگزاری لیگ الماس را در هند هموار کند. حمله در کشمیر انتقادات شدیدی را نسبت به تصمیم چوپرا برای دعوت از ندیم به همراه داشت، اگرچه به نظر می‌رسید رامی نیزه پاکستانی احتمالا در این مسابقه حضور نخواهد داشت. چوپرا که مدال طلای توکیو و نقره پاریس را به دست آورده، در پستی در رسانه‌های اجتماعی روز جمعه گفت: «بحث‌های زیادی در مورد تصمیم من برای دعوت از ارشاد ندیم به مسابقات نیرج چوپرا کلاسیک صورت گرفته است که بیشتر آنها شامل نفرت و توهین بود.» وی افزود: «دعوت من از ارشاد فقط یک دعوت ورزشی از یک ورزشکار به دیگری بود، نه بیشتر و نه کمتر. هدف از برگزاری مسابقات نیرج چوپرا کلاسیک جذب بهترین ورزشکاران به هند و تبدیل کشورمان به خانه‌ای برای رویدادهای ورزشی جهانی بود.» چوپرا ادامه داد: «پس از آنچه در ۴۸ ساعت گذشته رخ داده، حضور ارشاد در مسابقات نیرج چوپرا کلاسیک به هیچ وجه ممکن نیست.» گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که ندیم، اولین پاکستانی که مدال طلای فردی در المپیک به دست آورده، تصمیم گرفته است که به دلیل تداخل با برنامه‌های تمرینی‌اش برای آماده‌سازی برای مسابقات آسیایی در کره جنوبی که ماه آینده برگزار می‌شود، در مسابقه بنگلور شرکت نکند.

میدان حمایت‌های احساسی و نقدهای حرفه‌ای
مهدی طارمی زیر تیغ انتقاد

گروه ورزش | اینتر میلان قصد دارد در پنجره نقل و انتقالات تابستانی، هر سه بازیکن؛ مهدی طارمی، خواکین کوریا و کریستین اصلانی را از ترکیب خود خارج کند. به گزارش نسخه چاپی روزنامه «گاتزتا دلو اسپورت» چاپ میلان که توسط اف‌سی اینتر نیوز منتشر شده، تصمیم برای جدایی از این سه بازیکن چند هفته پیش گرفته شده است. اینتر رؤیای کسب سه‌گانه این فصل را از دست داده است. آنها در جام حذفی ایتالیا (کوپا ایتالیا) در دیداری تحقیرآمیز با شکست ۳ بر صفر برابر آ.ث میلان از رقابت‌ها حذف شدند. در سری A نیز اینتر جایگاه خود را به ناپولی واگذار کرده و پس از شکست مقابل بولونیا، اکنون در صدر جدول با ناپولی رقابت شانه‌به‌شانه دارد.

طارمی در لیست فروش اینتر

مهدی طارمی، مهاجم ایرانی، نتوانسته انتظارات را در اینتر برآورده کند و طبق گزارش گاتزتا، این باشگاه تنها یک فصل پس از جذب رایگان او از پورتو، تصمیم به فروش او گرفته است. هم‌چنین خواکین کوریا، مهاجم آرژانتینی، علی‌رغم دقایق بازی بالا، عملکرد درخشانی نداشته و تنها در چند لحظه خاص توانسته کیفیت خود را نشان دهد، اما به‌طور کلی در سطح مورد انتظار اینتر نبوده است.

کریستین اصلانی، هافبک آلبانیایی ۲۳ ساله نیز نتوانسته پیشرفتی که اینتر در نظر داشت را به نمایش بگذارد و به همین دلیل باشگاه یا او را به صورت قطعی خواهد فروخت یا برای کسب تجربه بیشتر قرض خواهد داد. در مجموع، عملکرد ضعیف این سه بازیکن و عدم عمق کافی در ترکیب تیم از دلایل اصلی ناکامی‌های اینتر در فصل جاری عنوان شده‌اند.

شعله‌های خشم

الساندرو ماتری بازیکن سابق یوونتوس با حرف‌هایش حسابی هواداران طارمی را عصبانی کرده است: «وقتی به اینتر آمد، با توجه به دورانش در پرتغال انتظارات از او خیلی بالا بود اما هنوز اثر خاصی از او ندیده‌ایم! حتی می‌توان گفت کمی در حرکاتش دست و پا چلفتی به نظر می‌رسد. واقعا از بابت گفتن این متاسفم اما می‌توانید ببینید او یک دست و پا چلفتی است.» این حرف‌ها به‌علاوه انتقادات تندی که در رسانه‌های مطرح ایتالیایی می‌شد، باعث شد که هم‌بازیانش در تیم‌ملی ایران اقدام به حمایت طارمی بکنند. صفحه رسمی تیم ملی ایران در اینستاگرام نوشت: «مهدی تو افتخار فوتبال ایرانی.» علی‌رضا جهانبخش کاپیتان تیم ملی ایران در یک پست حمایتی نوشت: «با این وضعیت فوتبال کشورمون که متاسفانه چه در رده باشگاهی چه در رده پایه و امکانات روز به روز در حال پسرفت هستیم، حضورت تو این سطح از فوتبال دنیا و قبول فشار و رقابت با بهترین مهاجمان دنیا افتخار بزرگی هستش. با اینکه می‌دونم مدتی طولانی با دردهای فراوان و فشار زیاد داری ادامه میدی که بتونی نماینده خوبی برای فوتبال ایران باشی. مخصوصا تو این چند سالی که نماینده زیادی تو سطح اول اروپا داریم و نه این اشتیاق رو تو نسل جدید می‌بینیم برای ریسک‌پذیری، تحمل فشارها و انتظارات بالا تو اروپا و لژیونر شدن، برای من عجیب‌تر یکسری سایت‌ها و خبرگزاری‌های زرد داخلی هستند که به جای حمایت و مراقبت از سرمایه‌های ملی، جهت‌دار و تخریب‌گرانه برخورد می‌کنن و در مقابل به خاطر منافع شخصی، از بازیکنان به مراتب سطح پایین قهرمان‌سازی می‌کنند. و در آخر خطابم به طرفداران واقعی فوتبال چه در رده ملی و چه در رده باشگاهی کشورمون، جریانی راه افتاده برای کم ارزش نشون دادن فوتبال و بازیکنان ملی و تاثیری که در مسائل مختلف می‌تونن داشته باشن. چه با دروغ‌پراکنی، شاید پراکنی و ایجاد اختلاف بین هوادار و بازیکنان که این روزها تو فضای مجازی به مراتب بیشتر دیده میشه.» البته که این حرف‌های احساسی جهانبخش کاملا قابل نقد است. ایرانی بودن طارمی سانسور اخبار را توجیه نمی‌کند، ضمن اینکه دروغ‌پردازی و پنهان‌کاری حمایت نیست. بلکه تاریخ ثابت کرده این نوع حمایت در نهایت حکم دوستی با خاله خرسه! را پیدا کرده و به فرد ظاهرا مورد حمایت لطمه می‌زند.

سعید عزت‌اللهی هم مثل جهانبخش در حمایت از طارمی نوشت: «متاسفانه این غریبه‌پرستی چندین سال است که در همه جامعه رخنه کرده و متاسفانه به جای حمایت و مراقبت از سرمایه‌های ملی که به‌عنوان نماینده کشور شناخته می‌شوند، بیشتر دنبال حاشیه‌سازی و خراب کردن هموطن‌های‌مان برای بازدید بیشتر و درآمدزایی هستیم.»

بازهم یک نقد غیرمنصفانه و احساسی از بازیکن تیم ملی فوتبال. درست مثل کریم انصاری‌فرد که نوشت: «دیدم چقدر برای سربلندی کشورت سخت تلاش کردی روزهایی که با درد بازی کردی و درخشیدی ولی یکسری رسانه‌های زرد هرجور دلشان خواسته تلاش کردند این اعتبار و تلاش را زیر سوال ببرند چون به هیچ کدام نه باج دادی نه امتیاز.»

با این‌حال به نظر می‌رسد ستاره‌های حال حاضر و سابق تیم ملی موضوعی را اشتباه متوجه شده‌اند. آنکه عملکرد خوبی در اینتر میلان نداشته مهدی طارمی بوده و آنکه نقد کرده، بازیکن و رسانه‌های ایتالیایی! رسانه‌های ایرانی طی زمان حضور طارمی و همه بازیکنان ایرانی در خارج از ایران اغلب در نقش جدی‌ترین هوادار و حامی آن‌ها بوده‌اند و بخشی از این موفقیت‌های امروز بازیکنان ایرانی در اروپا مدیون همین حمایت‌ها است. بازیکنان تیم ملی باید بعد از این‌همه سال ارتباط با رسانه‌های جمعی باید بدانند که کار رسانه نه سانسور و اعمال نظر که انتشار درست و سالم اخبار است حتی اگر خبری که منتشر می‌کنند مربوط به ناکامی یک ستاره ملی‌پوش و محبوب باشد.

حاشیه

رونالدو و رابطه‌ای فاجعه‌بار
فصل رسوایی با زدن تنها دو گل

به نظر می‌رسد فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵ برای ستاره فوتبال سوئیس، آلیشا لیمان، بازیکن تیم یوونتوس زنان، پر از حاشیه‌ها و جنجال‌های بحث‌برانگیز بوده است. لیمان خود را در مواجهه با سیلی از انتقادات از عملکرد محدودش در زمین و رفتارهای جنجالی‌اش خارج از زمین یافت. او در نهایت با دو گل در پایان فصل که برخی آن را «فصل رسوایی‌ها» نامیدند، اوج انتقادات را تجربه کرد. اگرچه یوونتوس عنوان قهرمانی لیگ سری A زنان را کسب کرد، نقش آلیشا لیمان در این موفقیت به‌طور قابل‌توجهی کم‌رنگ بود. این بازیکن ۲۶ ساله دیگر جزو ارکان اصلی ترکیب تیم نبوده و اغلب در نیمکت قرار می‌گرفت. این موضوع باعث شد تا جشن‌های پر سر و صدای او پس از قهرمانی که در آن تیم را در حرکات موزون هدایت می‌کرد، موجب ناراحتی هواداران یوونتوس شود. هواداران از طریق شبکه‌های اجتماعی نارضایتی خود را ابراز کردند و بر این باور بودند که لیمان که تنها دو گل در طول فصل در لیگ سری A به ثمر رساند (هر دو در برابر ساسوئولو)، در تلاش است تا توجه‌ها را جلب کرده و خود را به عنوان قهرمان نشان دهد، بدون آنکه تأثیر زیادی در زمین بازی داشته باشد. جنجال‌ها حول لیمان تنها به جشن‌ها محدود نماند. او در یک اتفاق عجیب و جلب توجه دیگر، زمانی که تصویری از خود در لباس هالووین منتشر کرد و آن را با هشتگ حساب کریستیانو رونالدو در پلتفرم ایکس (توییتر سابق) همراه کرد، باعث تعجب و سردرگمی دنبال‌کنندگانش شد. در پایان اکتبر گذشته، لیمان تصویری از خود با لباس هالووین منتشر کرد و آن را به حساب رونالدو ربط داد که این امر موجب شگفتی دنبال‌کنندگانش و باعث نارضایتی بیشتر هواداران شد که نتواستند دلیل منطقی برای ارتباط تصویر او با رونالدو پیدا کنند، بازیکنی که در تیم النصر عربستان بازی می‌کند. قبل از این حواشی، لیمان جنجال دیگری به راه انداخت زمانی که خواستار برابری حقوق خود با دوستش داگلاس کاستا که در تیم مردان یوونتوس بازی می‌کرد، شد. این موضوع باعث شد تا درباره درک او از ساختار دستمزد در فوتبال حرفه‌ای و عواملی که آن را تعیین می‌کنند، سؤالاتی مطرح شود.

گزارش

وزن‌کشی پرحاشیه یوبانک جونیور-کانر بن
کیلوهای بیش از حد مجاز

کریس یوبانک جونیور در وزن‌کشی رسمی برای مبارزه روز شنبه با کانر بن، کمی بیشتر از حد مجاز وزن داشت. این دو رقیب بریتانیایی سرانجام رقابت خود را امروز در استادیوم تاتنهام هات‌اسپور حل خواهند کرد. یوبانک جونیور در وزن‌کشی رسمی، ۱۶۰.۰۵ پوند وزن داشت، در حالی که بن که از وزن ولتر به این مبارزه می‌آید، ۱۵۶.۴ پوند وزن‌کشی کرد که کاملا زیر حد مجاز بود. بن اولین کسی بود که برای وزن کشی رسمی صبح جمعه حاضر شد، در حالی که یوبانک حدود ۵۰ دقیقه بعد به توزین رفت. هیچ دوربینی اجازه فیلمبرداری از یوبانک را نداشت که او کمی بیشتر از حد مجاز ۱۶۰ پوند وزن داشت. حوله‌هایی به اتاق آورده شدند و یوبانک برای کم کردن کمی وزن به بیرون رفت اما هنوز نیم اونس بیشتر از حد مجاز بود. با این حال، مبارزه ادامه پیدا می‌کند اما برای یوبانک جریمه مالی در نظر گرفته شده است. یوبانک و بن توافق کرده‌اند که یک بند برای هیدراتاسیون وجود داشته باشد، به این معنی که هیچ کدام نمی‌توانند بیشتر از ۱۰ پوند وزن بین وزن‌کشی جمعه و چک وزن صبح روز شنبه که بین ساعت ۸ تا ۹ صبح قبل از مبارزه انجام خواهد شد، اضافه کنند. حفظ وزن میان‌وزن برای یوبانک خودش یک چالش است، چون او در چندین مبارزه بزرگ میانه دوران حرفه‌ای‌اش در دسته فوق‌میانه مبارزه کرده بود و حالا به دسته ۱۶۰ پوندی برگشته است. یوبانک جونیور گفت: «سخت است. نمی‌خواهم دروغ بگویم. خوشایند نیست، لذت‌بخش نیست. این بخشی از ورزش است که باید خودت را به وزن معین برسانی. اینکه نمی‌توانم بعد از وزن‌کشی به اندازه‌ای که می‌خواهم آب بخورم، سختی و ناراحتی دیگری به آنچه در حال تجربه‌اش هستم اضافه می‌کند.» اما اضافه کردن تنها ۱۰ پوند نباید برای بن چندان مشکل‌ساز باشد، چون او از وزن ولتر (وزن ۱۴۷ پوند) به دو وزن بالاتر می‌رود، در حالی که او برای آخرین پیروزی‌اش در فوریه ۲۰۲۴ مقابل پیتر داوبسون در ۱۵۰ پوند وزن‌کشی کرده بود. یوبانک جونیور و بن برای آخرین بار پیش از زنگ آغاز در «وزن‌کشی رسمی» امروز روبه‌رو می‌شوند که از ساعت ۶ عصر به صورت زنده از اسکای اسپورتس پخش خواهد شد. در کنفرانس خبری پنجشنبه، گروهی از محافظان امنیتی یوبانک و بن را از هم دور نگه داشتند و این دو رقیب فرصت آخر را دارند تا چند کلمه جداگانه قبل از رویارویی طولانی‌مدت‌شان در لندن رد و بدل کنند.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

مربوط به پلاک ثبتی شماره ۴۲۳ فرعی از ۱۳۷ اصلی بخش ۲۰ حوزه ثبتی جنوب شرق اصفهان

نظر به اینکه به موجب رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۶۱۶۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۳ هیأت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بمساحت ۱۵۰۸/۲۵ متر مربع پلاک ثبتی شماره ۴۲۳ فرعی مفروز و مجزی شده از ۱۳۷ اصلی واقع در بخش ۲۰ ثبت اصفهان، در مالکیت خانم زهرا سادات زهرائی به شناسنامه شماره ۲۵۰ کدملی ۱۲۸۴۲۸۵۷۹۰ صادره اصفهان فرزند سید حسین مستقر گردید و به لحاظ اینکه پرونده ثبتی مربوط به پلاک اولیه فاقد سابقه تحدید حدود میباشد لذا به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق الذکر و طبق تقاضای مالک تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اعلام میگردد تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین و مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود و فقط تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و متعرض طبق ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت باید از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره ، ظرف یکماه دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تسلیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این واحد ثبتی ارائه نماید ، در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه میدهد .

حمیدرضاخسروی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

شناسه آگهی:۱۹۱۸۱۸۱
تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض فاطمه احمدی بشماره شناسنامه ۶۶۳ بشماره ملی ۲۱۲۲۸۷۷۶۷۷ صادره از گرگان فرزند ولی اله ا متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۶۷ در ششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۲.۵۸ متر مربع از پلاک شماره ۷۷ -اصلی واقع در اراضی محمد آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

شناسه آگهی:۱۹۰۶۲۸۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۱.۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴.۰۲.۰۶

حجت الله تجری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف محمد فندرسکی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

مربوط به پلاک ثبتی شماره ۵۸۶ فرعی از ۱۳۶ اصلی بخش ۲۰ حوزه ثبتی جنوب شرق اصفهان

نظر به اینکه به موجب رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۳۸۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ هیأت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی با کاربری کشاورزی بمساحت ۲۰۱۴ متر مربع پلاک ثبتی شماره ۵۸۶ فرعی مفروز و مجزی شده از ۱۳۶ اصلی واقع در بخش ۲۰ ثبت اصفهان ، در مالکیت آقای سید عباس زهرائی خوراسگانی فرزند سید حسین به کد ملی ۱۲۹۱۸۸۸۱۳۶ مستقر گردید و بلحاظ اینکه پرونده ثبتی مربوط به پلاک اولیه فاقد سابقه تحدید حدود میباشد لذا به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق الذکر و طبق تقاضای مالک تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اعلام میگردد تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین و مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود و فقط تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و متعرض طبق ماده ۸۶ آئیننامه قانون ثبت باید از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره ، ظرف یکماه دادخواست خود را به مرجع . ذیصلاح قضائی تسلیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این واحد ثبتی ارائه نماید، در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه میدهد .

حمیدرضاخسروی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

شناسه آگهی:۱۹۱۸۱۷۹
تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۰۴۱۰مورخ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان نهاوند موضوع پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۰۲۹۰ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مصطفی خزائی فرزند رضا بشماره شناسنامه ۸ و ش ملی ۳۹۶۲۱۳۲۸۰۵ صادره از نهاوند در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰۳,۲۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در بخش چهار حوزه ثبتی شهرستان نهاوند روستای گیوکی که حقوق ارتفاقی ندارد و مالکیت مالک بر اساس مبایعه نامه عادی از مالک رسمی اکبر موسوی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نهاوند- علیرضا غلامی

تاریخ انتشار اول ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ تاریخ انتشار دوم:۱۴۰۴/۰۲/۲۲
م الف: ۲۷۰۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

مربوط به پلاک ثبتی شماره ۵۸۵ فرعی از ۱۳۶ اصلی بخش ۲۰ حوزه ثبتی جنوب شرق اصفهان

نظر به اینکه به موجب رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۳۵۶۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ و شماره رای اصلاحی ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۴۵۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ هیأت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی با کاربری کشاورزی بمساحت ۲۵۰۰ متر مربع پلاک ثبتی شماره ۵۸۵ فرعی مفروز و مجزی شده از ۱۳۶ اصلی واقع در بخش ۲۰ ثبت اصفهان، در مالکیت خانم زهرا زهرائی خوراسگانی به شناسنامه شماره ۱۳۲۴۱ کدملی ۱۲۸۳۸۳۴۱۶۲ صادره اصفهان فرزند سید محمود مستقر گردید و بلحاظ اینکه پرونده ثبتی مربوط به پلاک اولیه فاقد سابقه تحدید حدود میباشد لذا به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق الذکر و طبق تقاضای مالک تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اعلام میگردد تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین و مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود و فقط تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و متعرض طبق ماده ۸۶ آئیننامه قانون ثبت باید از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره، ظرف یکماه دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تسلیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این واحد ثبتی ارائه نماید، در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه میدهد .

حمیدرضاخسروی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

شناسه آگهی: ۱۹۱۸۱۸۰
تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۴۶ | طلوع آفتاب: ۰۵:۱۷ | اذان ظهر: ۱۲:۰۲ | غروب آفتاب: ۱۸:۴۶ | اذان مغرب: ۱۹:۰۵

دهه‌ها بعد، پرونده ضدانحصار مایکروسافت بر محاکمه گوگل سایه افکنده است

تهدید شبح

از دعوای کهنه مایکروسافت تا امکان واگذاری اندروید

علی مجتهدزاده
مترجم

سایه سنگین یکی از مهم‌ترین دعواهای حقوقی ضدانحصار هنوز بر پرونده‌های روز عرصه انفورماتیک دیده می‌شود.

دادگاه‌های حقوقی آمریکا بارها مایکروسافت را در گذر زمان به پای میز محاکمه کشیدند و تقریبا در تمام آنها موضوع یک چیز بود: شکستن قوانین ضدانحصار. زمانی در حدود ربع قرن پیشتر مایکروسافت متهم شده بود که با حضور پررنگش در عرصه تولید به شکل‌گیری فضایی رسیده که به نوعی انحصار در دامنه تولید و فروش رایانه‌های شخصی دامن زده است. این دعوای حقوقی به نام «آمریکا و مایکروسافت ۲۰۰۱» معروف شد و هرچند آن دعوا به خیر و خوشی به پایان رسید ولی راهی را باز کرد که امروز به محاکم قضایی آمریکا میدان داده تا دعوای مشابهی را علیه گوگل غول بزرگ فن‌آوری زمانه حاضر طرح کنند. قاضی پرونده از این گفته که گوگل به‌عنوان یک نهاد انحصاری عمل کرده چون در رقابت با دیگر موتورهای جست‌وجو راه را بر رقبا به شکل نابرابر بسته و در هفته‌های آتی طرفین قرار است به حرف هم گوش کنند و ببینند کار از کجا عیب دارد و چه می‌شود کرد و ناگزیر باز نام مایکروسافت هم به میان می‌آید. سنگ اول را مایکروسافت با هجوم ویندوزی به رایانه‌های مردم انداخت و همه شاکله دستگاه قضایی آمریکا را به این موضوعات حساس کرد. نتیجه‌اش هرچند به جریمه هنگفتی نینجامید ولی کار را دست کاردان‌هایی سپرد که نشستند و قوانین دقیق ضدانحصار این عرصه را هم تعریف کردند و به دقت نوشتند. سم واینستاین استاد حقوق دانشگاه نیویورک می‌گوید: «این پرونده اصلا تازه نیست. چیزی نزدیک به ۳۰ سال از آن گذشته و طرفین تلاش دارند با استناد به بندهای مطروحه در همان پرونده کار خود را پیش ببرند.»

در دادگاه مایکروسافت چه گذشت؟

اگرچه آن پرونده در سال ۲۰۰۱ به سرانجام رسید ولی نخستین بار در سال ۱۹۹۸ مطرح شده بود. در آن زمان خود وزارت دادگستری آمریکا با دادستان‌های کل ۲۰ ایالت پیگیر ماجرا بودند و نهادهای فدرال را پشت کار انداختند. پرونده کلفت و مفصلی بود که به گفته ربکا آلنزورث استاد حقوق ضدانحصار دانشگاه واندربیلت: «حتی پس از دهه‌ها همچنان مهم‌ترین پرونده ضدانحصار در پلتفرم‌های دیجیتال به‌شمار می‌آید.»

حرف این بود که مایکروسافت با استفاده از برتری خود در عرصه ارائه سیستم‌های عامل ویندوز کاری کرده که بیشتر کاربرها خودبه‌خود به استفاده از اینترنت اکسپلورر خود ویندوز کشیده شوند و دادگاه هم می‌گفت اینجوری مرورگرهای رقیب مانند نت‌اسکیپ به شکل تهاجمی از بازار حذف شده‌اند. آلنزورث این موقعیت را چنین توضیح می‌دهد: «وقتی این اتفاق افتاد دیگر کسی سراغ نت‌اسکیپ نمی‌رفت و دسترسی به آن در مقیاس گسترده دشوار شد.»

واینستاین هم ویندوز آن زمان را «قلدر بازار» می‌نامد و از این می‌گوید که مایکروسافت با انعقاد قراردادهای انحصاری با دیگر شرکت‌ها اینترنت اکسپلورر خودش را روی دستگاه‌ها نگه می‌داشت و مرورگرهای رقیب را حذف می‌کرد. قاضی پرونده رای سنگینی پای مایکروسافت گذاشت و دستور به دوشقه شدن این شرکت داد. ولی زد و سال بحرانی ۲۰۰۱ رسید و دولت دوم بوش پسر اولویت‌های مهم‌تری داشت و در نتیجه وزارت دادگستری از این جریمه صرفنظر کرد.

تهدید جدی برای گوگل

به گفته واینستاین اگرچه آن مجازات سنگین اجرا نشد ولی راه باز ماند و حالا وزارت دادگستری در طرح دعوا علیه گوگل همان راه را رفته و: «اگرچه وزارت دادگستری شاید نتواند همان کار را بکند ولی امکان شکست گوگل هست و این وزارت می‌خواهد این راهکار را در اثبات مسئولیت نشان بدهد.»

حالا گوگل با تهدیدهای جدی روبه‌رو است که از فروش اجباری مرورگر کروم تا توقف پرداخت‌های این سازمان به سازندگان گوشی مانند اپل گسترده است و حتی شاید مجبور شوند اندروید را هم به جای دیگری واگذار کنند. اینها به جای خود مجازات‌های سنگینی هستند که شاید در نگاه اول به نظر بیاید امکان اجرا ندارند ولی دادگستری آمریکا هنوز با این اتهام روبه‌روست که در پرونده مایکروسافت نرمی به خرج داده و دلیل طرح آن پرونده در این یکی همین است. دادستان‌ها این بار با توپ پر به میدان خواهند آمد و دیگر دوست ندارند انگ مجازات سبک مایکروسافت بر پیشانی‌شان سنگینی کند.

واینستاین می‌گوید: «هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست. البته ما سابقه پرونده‌ای چون ماجرای کش‌دار و پر دردسر مایکروسافت را داریم ولی باز نمی‌توان با قطعیت نظر داد.» وزارت دادگستری در پیش‌نویس طرح خود برای دعوای گوگل همان راهکارها و الگوهای پرونده مایکروسافت را در نظر گرفته. از این سو مدیران گوگل هم بیکار نخواهند ماند و آنها هم برای فیصله مسالمت‌آمیز کار خود به همان پرونده نگاه خواهند داشت.

در هر حال اینجا هم باز پای یک مرورگر در میان است و کروم با محبوبیت و کارآیی روزافزون خود راه را بر گمانه‌زنی‌ها گشوده و کاری کرده که دادستان‌ها به شکل عملکرد و افزایش سهم این مرورگر در بازار مرورگرهای محبوب مردم بدبین باشند. سالیان سال پیش از اینکه کروم به میانه بیاید هم نشستن موتور جست‌وجوی گوگل در پیشانی چند مرورگر نظیر فایرفاکس حرف‌هایی ساخته بود ولی از آنجا که معامله گوگل و فایرفاکس علنی بود، مشکلی درست نکرد.

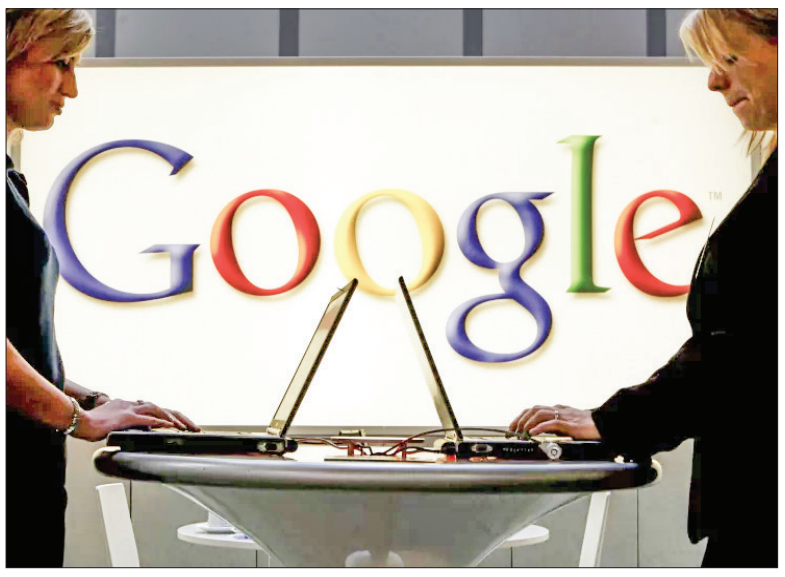

یادداشت

سلفی، آینه‌ای که نمی‌گذارد خودت را ببینی

بابک نبی | در روزگاری که گوشی‌های هوشمند از جیب‌های ما جدا نمی‌شوند، «دیدن خود» به عادتی روزانه، گاه لحظه‌به‌لحظه، تبدیل شده است. آینه‌ای در کف دست، دوربینی همیشه بیدار و امکانی که هر ثانیه می‌تواند تصویرت را ثبت کند. سلفی، در ظاهر ساده است: فشردن یک دکمه، لبخندی نصفه، چشمانی به لنز خیره و قاب‌بندی سریع لحظه‌ای که می‌گذرد اما در لایه‌های پنهان‌تر، شاید سلفی بیش از آنکه ما را به خودمان نزدیک کند، ما را از خویشتن دور ساخته است. وقتی خود را در دوربین سلفی می‌نگریم، آنچه می‌بینیم تصویر است، نه تجربه. تصویری که در لحظه ثبت، در حال ویرایش ذهنی‌ست؛ ما نور را می‌سنجیم، زاویه را می‌چرخانیم، ژست را کنترل می‌کنیم و در نهایت، فقط آن چهره‌ای را ثبت می‌کنیم که با روایت بیرونی‌مان همخوان است. در این میان، آنچه جا می‌ماند، خویش واقعی‌ست. حسی که در عمق ما جریان دارد اما هیچگاه وارد قاب نمی‌شود.

سلفی، برخلاف آینه‌های سنتی، بازتاب مستقیم نیست. آینه، شاید قضاوت نکند اما سلفی، ناگزیر از انتخاب است. انتخاب بهترین زاویه، بهترین نور و گاهی، حتی انتخاب یک خودِ دیگر. با هر بار ثبت تصویر، بخشی از ما ناچار می‌شود نقش بازی کند و این نقش‌ها، به تدریج، خودِ اصلی را به حاشیه می‌برند.

در گذشته، دیدن خود، آیینی گاه‌به‌گاه بود. آینه‌ای کوچک در گوشه خانه، فرصت کوتاهی پیش از خروج، یا بازتابی گذرا در ویترین مغازه‌ای هنگام عبور. آن مواجهه‌های محدود با چهره، گاه از عمق بیشتری برخوردار بود. نه به‌خاطر دقت، بلکه به‌خاطر کمیابی اما امروز، دیدنِ خود به امری مدام بدل شده و همین تکرار، معنا را از نگاه به خویشتن زدوده است.

آنچه از سلفی می‌ماند، تصویر است، نه خاطره. حضور فیزیکی در مکانی خاص، در کنار کسی، در لحظه‌ای منحصر به‌فرد، اغلب پیش از آنکه حس شود، ثبت می‌شود. و همین ثبت، تجربه را می‌رباید. ثبت کردن، جایگزین بودن شده است. تصویر، جای حس را گرفته و اینگونه است که در میانه هزاران سلفی، شاید خودمان را کمتر از همیشه حس می‌کنیم. سلفی، شاید بیشتر از آنکه راهی برای دیده شدن باشد، تلاشی برای دیده‌نشدن است. پنهان شدن در پشت لبخندهایی که تنها برای لنز طراحی شده‌اند. خاموشیِ آن احساسات خام و بی‌قاب که اگرچه واقعیت ما بودند اما شجاعتِ ثبت شدن نداشتند.

گاهی فکر می‌کنم: کاش لحظه‌هایی را که بدون گرفتن عکس از کنارشان عبور کردم، بهتر به یاد داشتم. لحظه‌هایی که دستم به دوربین نرفت. چهره‌ای که بی‌مقدمه خندید. گریه‌ای که کسی ندید. مکانی که در آن بودم، نه برای ثبت، برای تجربه. شاید آنها، نزدیک‌ترین مواجهه‌های من با خودم بودند.

این یادداشت، نقد سلفی نیست. مرثیه‌ای‌ست برای فاصله ما از خودمان. برای لحظه‌هایی که به جای لمس، قاب شدند. برای تصویری که جای حقیقت نشست و برای آینه‌ای که قرار بود ما را با خودمان روبه‌رو کند اما حالا ما را به تماشاگرِ نقشی بدل کرده که خود ایفاگر آنیم.

و شاید هنوز بتوان لحظه‌هایی را بازیافت؛ لحظه‌هایی که دوربین خاموش است، صفحه نمایش سیاه است و تو، بی‌واسطه، با خودت مواجهی. نه برای ثبت. فقط برای بودن.

نوستالژی

درباره «محمّدتقی برخوردار» در پنجاهمین سال تاسیس لوازم خانگی پارس

ماچه گناهی کرده‌ایم؟

حمیدرضا محمدی
روزنامه‌نگار

همه زندگی‌اش را برای رفاه مردم سرزمین‌اش گذاشت. تا توانست کار آفرید و کارآفرینی کرد و کارگران و مهندسان بسیاری را تربیت کرد. نزدیک به دو دهه برای توسعه صنعت لوازم خانگی ایران کوشید و اگر بگوییم او بود که این عرصه را تحول بخشید و مدرن کرد و تولیدات ایران را به جهان شناساند، گزافه نگفته‌ایم. برندهایی که تاسیس کرد، نتیجه ترکیب دیدگاه‌های نوآورانه با نیازهای بازار داخلی بود. او با شناخت دقیق از نیازهای مصرف‌کنندگان ایرانی، توانست برندهایی را خلق کند که نه‌تنها در ایران بلکه در بازارهای جهانی نیز جایگاهی ویژه پیدا کردند. به‌این‌ترتیب نه‌فقط با تاسیس کارخانه‌ها و راه‌اندازی خطوط تولید، بلکه با به‌کارگیری فناوری‌های روز دنیا و رعایت استانداردهای بین‌المللی، توانست صاحب موفق‌ترین برندهای ایرانی در صنعت لوازم خانگی شود. او با شمّ اقتصادی قوی و نگاهی نوآورانه، به این نتیجه رسید که ایران به‌منظور توسعه اقتصاد پایدار، نیازمند تولید داخلی این محصولات است. از این‌رو با وجود موفقیت چشمگیر در تجارت، به تولیدات صنعتی روی آورد.

«محمدتقی برخوردار»، نخست با تاسیس قوه پارس به نمایندگی ری.او.واک آمریکا در سال ۱۳۴۱، به تولید باتری روی آورد و اصلاً نام قوه برای این محصول که قاطبه آن نسل استفاده می‌کنند، از همین‌جا نشات می‌گیرد. در نهم اسفند همین سال، پارس‌الکتریک با داشتن نمایندگی شانزده شرکت بزرگ و معتبر بین‌المللی شامل توشیبای ژاپن (نمایندگی لوازم صوتی و تصویری، لوازم خانگی و اداری، لامپ، پزشکی، باتری و...) آکایی و سان‌سوئی ژاپن (صوتی)، سیکوی ژاپن (ساعت)، جنرال‌الکتریک آمریکا (لوازم خانگی بزرگ)، کندی ایتالیا (لباسشویی) الیوتی ایتالیا (لوازم اداری) و دووال آلمان برای واردات گرامافون و شش‌سال بعد، پس از آن‌که نمایندگی توشیبای ژاپن را گرفت، پارس‌خزر (پارس‌توشیبا) را راه انداخت و این نام را برایش برگزید تا ضمن اشاره نمادین به دریای خزر و سرزمین پارس، بتواند هویتی ایرانی و بومی برای برند انتخاب کند. این کارخانه ابتدا پنکه و بعد، انواع لوازم برقی خانگی مانند آبمیوه‌گیری، چرخ گوشت، پلوپز و... تولید کرد. پله بعدی، با تداوم همان نمایندگی، لامپ پارس در سال ۱۳۴۸ بود.

او با آن روحیه بلندپروازانه و رویاپردازانه، در دهه پنجاه اما وارد عرصه تازه‌ای از صنعت‌گری شد و پس از کشت‌وصنعت جیرفت، فرش پارس، کالای الکتریک —که ابتدا بر تولید کلید و پریز و سپس نمایندگی ساعت سیکو تمرکز داشت- کاشی پارس، سرامیک البرز، کارتن البرز، صنایع الکتریکی البرز و صنایع پوشش در نیمه نخست این دهه، لوازم خانگی پارس را با مشارکت جنرال‌الکتریک آمریکا، بر پایه اندوخته ۸۰۰ میلیون ریالی، در ششم اردیبهشت ۱۳۵۴ احداث کرد و به تولید یخچال، فریزر، ماشین لباسشویی، کولر و جاروبرقی روی آورد. آخرین تحرکِ پیش از انقلابِ او، تولید نخستین تلویزیون‌های رنگی تحت لیسانس توشیبا، شاوب لورنس و گروندیک در سال ۱۳۵۶ بود اما درد و دریغ که هرآن‌چه را با ایده و سرمایه شخصی‌اش ساخته بود و چنان‌که در آن جلسه معروف ۵۳ صاحب سرمایه با مهدی بازرگان، خطاب به او گفت که «ما چه گناهی کرده‌ایم؟ تعداد زیادی کارگر تعلیم دادیم و تعدادی مهندس استخدام و مشغول کار کردیم»، به باد دادند و مصادره کردند. زیرا در گوشش خوانده بودند که «حاجی وقتت را تلف نکن؛ سیاست دولت بر کوچک‌سازی است.» دودهه آخر عمر به وطن برگشت اما هرچه کرد نتوانست اموال ضبط شده‌اش را بازگرداند و حتی نامه محمد مفتح هم افاقه نکرد و آن‌قدر غصه خورد تا به آلزایمر مبتلا شد و دق کرد.

یک دقیقه زندگی

ننه بیونسه

سعید قناد | ستاره می‌گوید: «بابا می‌دونی مامان بیونسه کتاب نوشته؟» می‌گویم نه و باز می‌گوید: «پس چی هی می‌گی من تو روزنومه کار می‌کنم؟» بهش می‌گویم ما به خود بیونسه کاری نداریم چه رسد به ننه‌اش. ما داریم با وسواس و دقت اخبار مرتبط با مسائل ارزشی و مهم فرهنگی کشور را دنبال می‌کنیم و اصلا این فضولی‌ها به تو نیامده و حالا چی نوشته؟ می‌گوید: «هیچی همین که من مامان خوبی بوده‌ام و بچه تربیت کرده‌ام مثل دسته گل.» بهش می‌گویم ارواح شکم نداشته‌اش و مگر همین اولاد چموش سرکار علیه نبودند که سر از مهمانی‌های دی.دی در آورده‌اند و اسم‌شان هم توی پرونده یارو هست؟ بگویم؟ بگویم چه کارها ازشان سر زده؟ می‌پرسد: «چی سر زده؟ اصلا دی.دی اسم آدمه؟ خب بگو.» کف از لب پاک می‌کنم و باز می‌گویم که این فضولی‌ها به تو نیامده و اصلا این موضوع را قلم بگیریم و حالا برگردیم سر کتاب ننه بیونسه که اسمش چیست؟ می‌گوید که مادربزرگش گفته نگوید ننه و این حرف بدی است و تازه اسم کتابه هم هست «مادرسالار». می‌روم بالای سرش و جلد کتاب را می‌بینم و بینی و بین‌اللهی سالار هم هستند ولی این فضولی‌ها به ستاره نیامده و باید الان مشق‌های جمعه‌اش را بنویسد و با کلی تهدید و کشمکش آخر کار پنج دقیقه وقت می‌گیرد و می‌نشیند سر باقی وبگردی.

می‌روم سر کتاب ننه بیونسه که از مرارت‌های زندگی نوشته و اینکه زمانی که هیچ کدام هیچی نبوده‌اند با بدبختی یک آرایشگاه زنانه را می‌گردانده و خرج هفت‌سر صغیر را می‌داده و تازه یکی از آدم‌های گروه موسیقی بیونسه هم نانخور سربار خانه آنها بوده.

این روزگار نکبت هم می‌گذرد و حالا ننه مربوطه رئیس خط تولید مواد و محصولات بهداشتی آرایشی برند خود بیونسه است و دم و دستگاهی دارد از اینجا تا کجا و بعد یکدفعه حواسم می‌رود به اینکه واقعا هم «ننه» گفتن به تینا ناولز بی‌ادبی است و اگر این ننه است که دیگر تکلیف باقی معلوم. اصلا یکی از دلایلی که می‌گویند فرهنگ غرب منحط است، همین چون فرق ننه و دختر را نمی‌شود فهمید. البته از قدیم ما هم از این انحرافات و عادات رذیله داشته‌ایم و ننه را می‌دیده‌ایم و دختر را می‌گرفته‌ایم ولی یکدفعه صدای ستاره درمی‌آید از بالای سرم: «بابا؟» می‌گویم جانم. می‌گوید: «داری چی نگاه می‌کنی؟» می‌گویم داشتم خبر همین مادر بیونسه را نگاه می‌کردم و تو می‌دانی این زن قهرمان چقدر در زندگی‌اش زجر کشیده که هفت سر صغیر را با یک نوازنده یتیم به دندان گرفته و بزرگ کرده؟ واقعا به چنین مادرانی باید اسکار و نوبل داد. می‌گوید: «همه اینارو روی عکساش نوشته؟» می‌گویم شاید اینجور که به نظر می‌آید نباشد ولی من داشتم پانویس عکس‌ها را می‌خواندم و اصلا این فضولی‌ها به او نیامده و مگر مشق ندارد؟ می‌گوید: «تو مگه می‌خوای خبر ننه عفریته بیونسه رو تو روزنومه‌تون بنویسی؟ ببند این صفحه‌رو برو یه چیزی بنویس دوستات منتظرن.» می‌گویم این دفعه او را می‌بخشم و همه عکس‌های آن جناب را می‌بندم و می‌مانم ولی نمی‌رود و الان پیک جمعه‌اش را آورده روی میز من آن گوشه می‌نویسد و من تند تایپ می‌کنم که نخواند.

خواب‌گذار

تو فکر یک سقفم، یه مسکن ملی!...

صابر قدیمی
هفت صبح

سلام. صبور ایوب‌زاده خانه‌جو هستم، ۳۷ساله و متاهل، دارای دو فرزند به نام نازنین رکسانا و محمدجواد. خدارو شاکرم که روزگارم بد نیست، تکه نانی گر نیست، خرده هوشی، سر سوزن باقی‌ست. خانه‌ای دارم، سقفش از برگ درخت. سفره‌ام هم، پر شد از آب روان. و خلاصه که سال‌هاست تو فکر یک سقفم، یک سقف بی‌روزن. دیشب خواب دیدم:

کل زندگیم‌رو همراه زن و بچه سوار یک کامیون کرده بودم و با خوشحالی راهی خونه خودمون بودیم که دولت برای ما با پول خودمون ساخته بود. قرار بود یک روز توی راه باشیم اما بعد از یک روز حرکت، رسیدیم به جایی و یک مامور از وزارت مسکن، با خنده جلوی ما را گرفت و گفت تا اینجارو خوب اومدید! حالا باید بخشی از وسایل خونه‌تون رو پیش ما بذارید و ادامه بدید تا پایان روز دوم. گفتم مگه قرار نبود کلا یک روز توی راه باشیم. خندید و گفت: چند روزش‌رو که کسی نمی‌دونه. ولی حالا حالاها باید بری. بعد هم یخچال و فرش مارو به زور گرفتند و گفتند حالا برو تا انتهای روز دوم. خلاصه ما پنج شبانه روز می‌رفتیم و پایان هر روز بخشی از زندگی ما را به زور ازمون می‌گرفتند. روز ششم فقط من و زن و بچه‌هام باقی‌مونده بودیم و کامیون هم تنهامون گذاشت و ما موندیم و پای پیاده و جاده‌ای که ته نداشت.

خواب‌گذار: رفیق من، سنگ صبور غمخوار، گذاشتنت مثل همه سرِ کار! هیچکی نمی‌فهمه چه حالی داریم، شب سرو باید روی چی بذاریم. صبور جان. شما هم در طرح مسکن ملی شرکت کردی که قرار بود دولت با یه رقم معقول به زوج‌هایی که خونه ندارند، در عرض یک سال توی حومه تهران مثل پرند و پردیس و... خونه بده. در خواب تو هر روز، معادل یک ساله و تو هم مثل خیلی از ما زوج‌های در آرزوی خونه، بیش از پنج ساله که داری با فروش وسایل خونه و ماشین و کلیه و... سهم آورده می‌دی و از ۱۶۰ میلیون اولی که قرار بود در سال اول بدی و خونه‌رو تحویل بگیری، تا حالا که ۷۰۰ میلیون دادی و قراره یک رقم سنگین وام هم بذارن توی کاسه‌ت، حتی یک ورق قرارداد هم نداری و وقتی مراجعه می‌کنی می‌گن انصراف بده تا چند ماه دیگه اصل پولت‌رو بهت برگردونن! این اواخر هر دو ماه ازت ۸۰ میلیون تومان آورده گرفتن و یک آدم دلسوز توی اون همه مدیر با حقوق‌های کلان نبود بگه آخه این زوج‌های جوون اگه می‌تونستن ماهی ۴۰ میلیون پول پرداخت کنن که نیازی به مسکن ملی نداشتن. بعضی از این زوج‌ها برای تامین همین اقساط آورده پیش از دریافت مسکن، تحت فشار شدید مالی با هم به مشکل خوردن و الان طلاق گرفتن! البته مدیری که خونه‌ش توی نیاورانه و بیش از ۱۰۰ میلیون حقوق و مزایا می‌گیره، درکی از فشار روی من و شما نداره و با خنده دعوت می‌کنه به صبور بودن. بلای عشق را جز عاشق شیدا نمی‌داند، به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های طوفان را...

عکس نوشت

پنجمین نمایشگاه خودروهای تاریخی «کلاسیک»، آفرود و کاروانینگ در محل نمایشگاه دائمی بین‌المللی استان اصفهان در حال برگزاری است. این نمایشگاه از ۴ تا ۸ اردیبهشت ماه ادامه خواهد داشت.

از گوشه و کنار دنیا

کندریک لامار پیشتاز در جوایز موسیقی آمریکا

نامزدهای جوایز موسیقی آمریکا ۲۰۲۵ اعلام شدند و کندریک لامار - که پیش از این سه جایزه را در کارنامه دارد - با ۱۰ نامزدی پیشتاز است. پست مالون با هشت نامزدی، بیلی آیلیش، چپل روآن و شابوزی هر کدام هفت نامزدی در بعد از لامار قرار گرفتند.

تیلور سوئیفت - که بیشترین تعداد نامزدی را در تاریخ جوایز موسیقی آمریکا دارد - امسال در شش بخش نامزد شده است، از جمله هنرمند سال، آلبوم سال، همکاری سال، هنرمند پاپ زن مورد علاقه و آلبوم پاپ مورد علاقه. بیانسه در بخش هنرمند کانتری زن مورد علاقه، آلبوم کانتری مورد علاقه و آلبوم سال نامزد شده است.

دوچی، جلی رول و تامی ریچمن و دیگران برای اولین بار نامزد شده‌اند. کندریک لامار در صدر نامزدهای جوایز موسیقی آمریکا ۲۰۲۵ قرار دارد.

این برنامه با اجرای جنیفر لوپز و به صورت زنده پخش خواهد شد. این برنامه که به عنوان بزرگ‌ترین برنامه اهدای جوایز با رای طرفداران در جهان شناخته می‌شود، اکنون در تمام دسته‌های جوایز از طریق voteAMAs.com و صفحه اینستاگرام جوایز موسیقی آمریکا قابل رای‌گیری است.

نامزدها بر اساس اینتراکشن کلیدی طرفداران، همانطور که در نمودارهای بیلبورد منعکس شده است، انتخاب می‌شوند.